

سلامت و رفاهیت



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد علوم و تحقیقات  
دانشکده: علوم انسانی، گروه حقوق  
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق (M.A)  
گرایش: خصوصی

عنوان:  
بررسی شرایط اعتبار قراردادهای ليسانس و آثار آن

استاد راهنما:  
دکتر علیرضاپور

نگارش:  
الناز اصلانی

زمستان ۱۳۹۳



**ISLAMIC AZAD UNIVERSITY**

**SCIENCE AND RESEARCH BRACH**

**Faculty of Humanities-Department of Law**

**Thesis for receiving «M.A» degree on Private**

**Subject:**  
**study the credit of license contracts and its impact**

**Thesis Advisor:**  
**Alireza pour(Ph.D)**

**By:**  
**Elnaz aslani**

**Winter2015**

## سپاسگزاری

از اساتید گرامی و تمام کسانی که این جانب را در مراحل مختلف تحصیلی به ویژه در تهیه و تدوین این پایان نامه یاری رسانده اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و از خدای منان برایشان بهترینها را خواهانم.

**تقدیم به:**

**پدر و مادرم که در تمام لحظات زندگی ام همراه  
بودند**

**هستند**

**و خواهند بود**

**برای همیشه قدردان همراهیشان خواهم بود.**

## فهرست مطالب

.....		عنوان:	فهرست
.....		مطالب	
.....	۱	چکیده:	
.....			
.....	۲	مقدمه:	
.....			
.....	۳	بخش اول: مبانی و مفاهیم:	
.....			
.....	۴	فصل اول: شناخت لیسانس از منظر حقوقی	
.....			
.....	۴	گفتار اول: مفهوم عمومی لیسانس	
.....			
.....	۴	مبحث اول- تعریف لیسانس	
.....			
.....	۴	الف- مفهوم لغوی:	
.....			
.....	۵	ب- مفهوم اصطلاحی:	
.....			
.....	۶	مبحث دوم- عناصر تشکیل دهنده لیسانس	
.....			
.....	۶	الف- نیروی انسانی ( humanware ) یا انسان افزار:	
.....			
.....	۷	ب- اطلاعات و دانش فنی(intowak) یا دانش افزار:	
.....			
.....	۷	گفتار دوم: انواع لیسانس(تکنولوژی)	
.....			
.....	۷	مبحث اول- تکنولوژی های محصول:	
.....			
.....	۸	مبحث دوم- تکنولوژی های افزایشی:	
.....			
.....	۹	گفتار سوم: ویژگی های لیسانس	
.....			
.....	۱۱	گفتار چهارم: مفهوم و ماهیت حقوقی لیسانس	
.....			
.....	۱۴	فصل دوم: روشهای حمایت از تکنولوژی	
.....			
.....	۱۵	گفتار اول: حمایت های قانونی	
.....			
.....	۱۵	مبحث اول- حمایت از مالکیت صنعتی	
.....			
.....	۱۶	الف- حق اختراع(patent)	
.....			
.....	۱۷	ب- علائم تجاری( Trade marks):	
.....			
.....	۱۸	مبحث دوم- حمایت از اسرار تجاری و صنعتی	
.....			
.....	۱۸	الف- مفهوم دانش فنی و اسرار تجاری:	
.....			
.....	۱۹	ب- محرمانه بودن اسرار و اطلاعات:	
.....			
.....	۱۹	گفتار دوم: حمایت های قراردادی	
.....			
.....	۲۰	مبحث اول- قرارداد حفظ اسرار تجاری در مرحله مذاکرات مقدماتی	

۲۰	.....	مبحث دوم- قرارداد حفظ اسرار تجاری پس از انعقاد قرارداد لیسانس
۲۱	.....	بخش دوم: قرارداد لیسانس (licensing agreement)
۲۲		فصل اول: مفهوم قرارداد لیسانس
23	.....	گفتار اول: تعریف قرارداد لیسانس
۲۳	.....	مبحث اول- مفهوم لغوی
۲۳	.....	مبحث دوم- مفهوم اصطلاحی
24	.....	گفتار دوم- بررسی اصطلاحات مرتبط با قرارداد لیسانس
۲۴	.....	مبحث اول - قلمرو سرزمینی (territory)
۲۴	.....	مبحث دوم- انحصار (Exclusivity):
۲۴	.....	مبحث سوم- حق الامتیاز (royalty):
۲۵	.....	فصل دوم: انواع قراردادهای لیسانس و کاربرد آن
۲۵	.....	گفتار اول: اقسام قرارداد لیسانس
۲۵	.....	مبحث اول- اقسام قرارداد لیسانس به اعتبار نوع موضوع آن
۲۶	.....	مبحث دوم- به اعتبار قیود بهره‌برداري از موضوع آن
27	.....	مبحث سوم- به اعتبار ارتباط موضوع آن با نظم عمومی
۲۸	.....	گفتار دوم: کاربردهای قرارداد لیسانس
۲۸	.....	مبحث اول- بهره برداری از تکنولوژی
۲۸	.....	مبحث دوم- ارتقاء تکنولوژی
۲۹	.....	مبحث سوم- بازاریابی
30	.....	فصل سوم: ماهیت قرارداد لیسانس
31	.....	گفتار اول: ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق کشورهای مختلف
31	.....	مبحث اول- ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق فرانسه
۳۱	.....	مبحث دوم- ماهیت قرارداد لیسانس در کانادا:
3۳	.....	گفتار دوم: ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق ایران
۳۳	.....	مبحث اول- توجیه براساس یکی از عقود:
۳۳	.....	الف- به عنوان عقد بیع
37	.....	ب- قرارداد لیسانس به عنوان عقد اجاره مال منقول
۴۰	.....	ج- قرارداد لیسانس به عنوان عقد اجاره اشخاص
۴۲	.....	مبحث دوم- توجیه به عنوان یک عقد غیر معین

43	الف- اصل حاکمیت اراده در قرارداد لیسانس.....
44	ب- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد معاوضی.....
44	ج- قرارداد لیسانس به عنوان یک عقد عهدهی.....
45	گفتار سوم: چارچوب و شروط مضمونی قرارداد لیسانس.....
45	مبحث اول- پیش نویس قرارداد لیسانس:.....
46	الف- نوع و ماهیت حقوقی دانش فکری مورد معامله:.....
46	ب- محدوده موضوعی قرارداد لیسانس:.....
47	ج- استانداردهای مرتبط با موضوع قرارداد.....
47	د- مبالغ قراردادی و روشهای پرداخت.....
48	ه- رازداری و حفظ محرمانه اسرار .....
48	مبحث دوم- ویژگیهای اصلی قرارداد لیسانس.....
48	الف- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد انتقال تکنولوژی.....
49	ب- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد مختلط.....
49	ج- خصوصیت شخصی قرارداد لیسانس.....
50	د- خصوصیت بین المللی قرارداد لیسانس.....
50	ه- خصوصیت بلند مدت قرارداد لیسانس.....
51	و- تعهد اساسی به بهره برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس:.....
52	ز- ارتباط قرارداد لیسانس با قوانین ضد انحصار و رقابت های تجاری:.....
53	بخش سوم: عناصر و ارکان قرارداد لیسانس.....
55	فصل اول: عناصر مقدماتی قرارداد لیسانس.....
55	گفتار اول: معرفی طرفین قرارداد.....
56	گفتار دوم: مقدمات، اهداف و انگیزه های انعقاد قرارداد.....
56	گفتار سوم: محل انعقاد، تاریخ اعتبار و شروع قرارداد.....
56	فصل دوم: عناصر مربوط به تعیین موضوع قرارداد لیسانس و حدود آن.....
57	گفتار اول: موضوع قرارداد لیسانس.....
57	مبحث اول- حق اختراع ثبت شده.....
58	مبحث دوم- دانش فنی و اسرار تجاری.....
60	مبحث سوم- ارتقائات و اصلاحات تکنولوژی.....
61	گفتار دوم: شرایط بهره برداری از موضوع قرارداد

	لیسانس.....
۶۲	مبحث اول- قلمرو
	سرزمینی.....
۶۳	مبحث دوم- انواع بهره-
	برداری.....
۶۳	گفتار سوم: مبالغ
	قراردادی.....
۶۴	مبحث اول- پرداخت به صورت سود
	سهام.....
۶۴	مبحث دوم- پرداخت به صورت تجارت متقابل.....
۶۴	مبحث سوم- پرداخت به صورت
	رویالتهی.....
۶۵	مبحث چهارم- روش ترکیبی
	پرداخت.....
۶۵	مبحث پنجم- پرداخت به صورت
	مقطوع.....
۶۶	گفتار چهارم: شروط مربوط به ضمانتهای قراردادی در قرارداد ليسانس.....
۶۶	مبحث اول- ضمانت‌های ليسانس دهنده در قبال ليسانس گیرنده.....
۶۷	مبحث دوم- مسئولیت ناشی از محصول و شروط مربوط به کنترل کیفیت.....
68	فصل سوم: شرایط اعتبار قرارداد
	لیسانس.....
۶۸	گفتار اول: شرایط شکلی اعتبار قرارداد
	لیسانس.....
۶۸	گفتار دوم: شرایط ماهوی اعتبار قرارداد
	لیسانس.....
۶۸	مبحث اول- قصد و رضای طرفین (اعتبار قرارداد ليسانس فضولی).....
۷۰	مبحث دوم- مورد قرارداد ليسانس (مورد معامله).....
۷۱	مبحث سوم- شرایط مربوط به قیمت (عوض).....
۷۲	فصل چهارم: آثار قرارداد
	لیسانس.....
۷۳	گفتار اول: تعهدات ليسانس
	دهنده.....
۷۳	مبحث اول- تعهدات ليسانس دهنده به تسلیم موضوع ليسانس.....
80	مبحث دوم- تضمین موضوع ليسانس در برابر اشخاص ثالث.....
۸۰	الف: نقض حقوق انحصاری اشخاص ثالث توسط ليسانس گیرنده.....
۸۳	ب: نقض حقوق ليسانس گیرنده توسط اشخاص ثالث.....
۸۸	گفتار دوم: تعهدات ليسانس-
	گیرنده.....
۸۸	مبحث اول- تعهد به
	رازداری.....
۹۰	مبحث دوم- تعهد به پرداخت حق امتیاز و ارائه گزارش عملکرد.....
۹۱	مبحث سوم- تعهد به بهره برداری از موضوع ليسانس.....
۹۸	نتیجه گیری
	منابع.....
۱۰۰	

## چکیده:

لیسانس یکی از روش‌های شایع انتقال فناوری است که عبارت است از اینکه، دارنده پروانه اختراع به دیگری اجازه دهد در مدت معینی تمام یا بخشی از حقوق مالک پروانه اختراع را مورد استفاده قرار دهد. تحقیق حاضر پس از شناسایی لیسانس به بررسی مزایا و معایب آن در مقایسه با سایر روش‌های انتقال فن‌آوری پرداخته، سپس به تحلیل ماهیت حقوقی آن در مقایسه با سایر روش‌های توجیه در قالب یکی از عقود معین پرداخته خواهد شد. اصول حاکم بر قراردادهای لیسانس نیز به دلیل اهمیت آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. النهایه به آثار قرارداد موصوف و شناسایی تعهدات طرفین قرارداد لیسانس اشاره می‌کنیم.

**واژگان کلیدی:** فناوری، لیسانس، قرارداد، تعهدات، انتقال.

## مقدمه:

یکی از قراردادهای رایج در عرصه انتقال تکنولوژی، قراردادهای ليسانس می باشد. قراردادهای نوپایی که دلیل تنوع در عمل، از نظام حقوقی واحد تبعیت نمی‌کند. از طرفی بدلیل حساسیت اینگونه قراردادهای کشورها بسته به سیاست‌های خود، و این حمایتی وضع نموده‌اند.

در این تحقیق سعی بر این است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱. شرایط اعتبار قرارداد ليسانس چیست؟

۲. در صورتی که پروسه اختراع مبنای قرارداد ليسانس به هر دلیلی باطل شود، سرنوشت قرارداد ليسانس چه خواهد شد؟

۳. تعهدات طرفین قرارداد ليسانس کدام است؟

در پاسخ به سوالات فوق الذکر، تحقیق حاضر خواننده را به این نتایج رهنمون خواهد شد: در انعقاد قراردادهای ليسانس شرایط شکلی همچون ثبت رسمی قرارداد موصوف و شرایط ماهوی با رعایت رقابت می‌بایست رعایت گردد. در صورت بی‌اعتباری پروانه اختراع قرارداد ليسانس باطل بوده و مسئولیت مدنی ليسانس دهنده را به دنبال خواهد داشت. تعهد به تسلیم موضوع ليسانس، تضمین آن در برابر اشخاص ثالث جزء تعهدات مهم ليسانس دهنده و تعهد به رازداری، پرداخت حق امتیاز و بهره‌برداری از موضوع ليسانس بخشی از تعهدات ليسانس گیرنده را تشکیل می‌دهد.

در جهت بررسی موضوع تحقیق پیش رو از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. و بدلیل کمبود منابع ارسنی قابل اتکاء در این زمینه و با توجه به تجربه مفید کشورهای خارجی، از کتب و منابع معتبر انگلیسی و عربی استفاده شده است. با توجه به پیشرفت روز افزون تکنولوژی و نیاز به انتقال آن، دانشجویان حقوق می‌بایست فعالیت تحقیقی بیشتری در این خصوص داشته تا روش‌های انتقال تکنولوژی به لحاظ حقوق غنی‌تر گردد.

# بخش اول: مبانی و مفاهیم

## فصل اول: شناخت لیسانس از منظر حقوقی

در فرهنگ حقوق بین الملل، انتقال تکنولوژی به روش‌های قراردادی طلاق شده است که به هدف انتقال دادن مجموعه‌ای از اطلاعات، صلاحیت‌ها، روش‌ها و ابزار ضروری برای ساخت، استفاده و تولید اشیاء مفید، ایجاد می‌شود. ضمن اینکه این انتقال می‌بایست روش‌ها و فرایندهای آموزشی برای ارتقاء اطلاعات تکنولوژیک کشور ذی‌نفع انتقال را نیز شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

### گفتار اول: مفهوم عمومی لیسانس

لیسانس عبارت است از اینکه دارنده پروانه اختراع (یا نوع دیگری از مالکیت های فکری)، به دیگری اجازه دهد، در مدت مشخص و در قلمروی معین، تمام یا برخی از حقوق مالک پروانه اختراع را در خصوص موضوع پروانه اختراع، اعمال نماید.<sup>۲</sup> به عبارتی، اجازه ای است که برای بهره برداری از حقوق انحصاری ناشی از محصولات فکری، توسط مالک آن محصول، برای غیر صادر می‌گردد.<sup>۳</sup>

### مبحث اول- تعریف لیسانس:

الف- **مفهوم لغوی:** لیسانس از مصادیق و یکی از روشهای انتقال تکنولوژی می‌باشد، ریشه لغوی کلمه تکنولوژی از دو واژه یونانی "Techn" به معنی مهارت یا فن و هنر مورد نیاز برای ساخت چیزی و "Logy" یا "Logos" به معنی منطق و شناخت چگونگی انجام کار یا دانش چیزی، گرفته شده است. بر این اساس برخی تکنولوژی را به فن شناسی یا فن شناخت ترجمه میکنند<sup>۴</sup> و برخی دیگر آنرا دانش چگونگی ساخت یک چیز معرفی می‌نمایند.<sup>۵</sup>

ب- **مفهوم اصطلاحی:** تکنولوژی طبق توضیحات پیشین اصطلاحی است که در علوم فنی و مهندسی کاربرد بسیار بالایی دارد. رشته مدیریت نیز در بین علوم انسانی بیشترین ارتباط را با مفاهیم انتقال تکنولوژی و اصطلاحات مرتبط با آن برقرار کرده است. اگر بخواهیم برای تکنولوژی مفهومی بیابیم که برای استفاده در علم حقوق نیز مناسب باشد، باید به تعاریفی که در رشته مدیریت در ارتباط با تکنولوژی ارائه می‌شود مراجعه کنیم. چرا که تکنولوژی از این جهت که یک پدیده انسانی و اجتماعی است و بر روابط انسانی تاثیرگذار است مورد بررسی و مطالعه ما در این تحقیق قرار گرفته است. علم مدیریت قبل از دیگر علوم انسانی و به مناسبت حوزه موضوعی آن به بررسی تکنولوژی در مفهومی که مورد توجه ما در این تحقیق می‌باشد پرداخته است. بررسی‌های مدیریتی در باب تکنولوژی به حدی رسیده است که رشته‌ای تحت عنوان یکی از شاخه‌های علم مدیریت منشعب شده است. دقیقاً به این دلیل که تکنولوژی به عنوان یک کلیت مفهومی در علم مدیریت تکنولوژی با رویکرد انسانی و اجتماعی بررسی می‌شود و سنخ تحقیقات حقوقی نیز درباره تکنولوژی از همین نوع است، لذا داده‌ها و یافته‌های مدیریتی درباره تکنولوژی و خصوصیات و آثار آن برای مطالعات حقوقی درباره تکنولوژی از اهمیت و جایگاه حساسی برخوردار است.

<sup>۱</sup> Hassan-Ghorbani. Transfert de technologie et pays producteurs de petrole. France. 1984. pp. 2526

<sup>۲</sup> صابری، روح اله، قراردادهای لیسانس، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ص ۱۳۸۷، ۵۶.

<sup>۳</sup> حسینی فروز، محمد، قرارداد انتقال تکنولوژی، نشر موسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰، ص ۸۴.

<sup>۴</sup> وزارت صنایع، تدوین ضوابط انتقال فن‌آوری‌های الکترونیک، تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۸.

<sup>۵</sup> دفتر تحقیقات صنعتی وزارت صنایع، مفاهیم اساسی در فرایند انتقال تکنولوژی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۵.

در کتب و مقالاتی که موضوع بررسی آنها تکنولوژی است تعاریف متعدد و گوناگونی از مفهوم اصطلاحی تکنولوژی ارائه شده است. سازمان‌های بین‌المللی نیز که موضوع فعالیت آنها توسعه و رشد اقتصادی متوازن در مناطق مختلف جهان است نظیر آنکتاد<sup>۱</sup> یا یونیدو، سعی کرده اند که تعاریف عامی از اصطلاحات تکنولوژی ارائه دهند. به هر حال وجود تعاریف و توضیحات متعدد و در بعضی موارد متضاد از اصطلاح تکنولوژی نشان‌دهنده وجود ابعاد و زوایای مختلف برای این مفهوم می‌باشد.

از دیدگاه یونیدو، تکنولوژی عبارتست از ترکیبی از تکنیکهای تشکیل شده از توانایی‌های مادی و بدنی (جوشکاری، شکل دهی، مونتاژ و ...) که نیازمند مهارت و هماهنگی دست‌ها و چشم‌ها هستند و توانایی‌های ادراکی (دانش و اطلاعات) مانند اطلاعات عملیاتی، مهندسی ساخت، مهندسی تولید و تعمیر و نگهداری. در این تعریف تکنولوژی از مجموعه‌ای از تکنیک‌های مربوط به دو نوع توانایی بدنی (فیزیکی) و توانایی ادراکی (ذهنی) تشکیل شده است.

تکنولوژی به دانش و عملیات سیستماتیک و سازمان یافته نیز تعریف شده است که معمولاً به فرایندها و امور صنعتی مربوط است ولی در باب هر فعالیتی قابل ایجاد است. تکنولوژی در این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با علم مهندسی برقرار می‌کند.<sup>۲</sup>

تکنولوژی بر اساس تعریفی دیگر عبارت است از مجموعه سازمان یافته‌ای از دانش‌ها، توانایی‌ها، تجارب و سازمان‌هایی که برای تولید و استفاده کالاها و خدمات در جهت ارضاء نیاز انسان به کمک و راحتی، استفاده می‌شوند.

از دیدگاه نویسندگان و برای اینکه بتوان تعریف مناسب و جامع از تکنولوژی ارائه داد، می‌توان با تلفیق رویکردهای علمی و تجاری و اقتصادی به تعریف تکنولوژی آنرا به صورت ذیل تعریف نمود:

تکنولوژی عبارت است از اطلاعات و دانش علمی مربوط به یک نوآوری، دانش فنی و مهارت و ساخت و تولید محصول یا ارائه خدمات ناشی از نوآوری مزبور، و همچنین دانش، توانایی و خلاقیت دستیابی به روش بهینه بهره‌برداری اقتصادی و در نهایت توسعه و تجاری سازی محصول نوآوری. بنابر تعریفی که ارائه شد، تکنولوژی کلیه دانش‌ها و توانایی‌ها و مهارت‌های مربوط به یک نوآوری را از بدو ایجاد آن تا آخرین مراحل تولید و تجاری سازی، در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد، این تعریف جامع بین کلیه تعاریفی باشد که در بالا ارائه شد. چرا که هم دانش علمی و فنی مربوط به اختراعات و نوآوری‌ها را شامل می‌شود، هم در بر گیرنده مهارت‌ها و اطلاعات و دانش‌های تولید و تجاری سازی و بهره‌برداری اقتصادی از محصول نوآوری است.

### مبحث دوم- عناصر تشکیل دهنده لیسانس:

این تصور که تکنولوژی تنها عبارت از ماشین آلات یا محصولات یا حتی دانش فنی و علمی مرتبط می‌باشد کاملاً منسوخ و ناقص است. در یک رویکرد حداکثری، و با در نظر گرفتن تعریف ارائه شده، تکنولوژی مجموعه‌ای از عناصر ذیل می‌باشد<sup>۳</sup>:

**الف- نیروی انسانی (humanware) یا انسان افزار:** مهمترین و شاید ارزشمندترین بخش یک تکنولوژی نیروی انسانی خلاق و با تجربه مربوط به اجرا و بهره‌برداری از آن تکنولوژی می‌باشد. در ارزیابی تکنولوژی، ارزش اقتصادی نیروی انسانی ماهر و مرتبط با تکنولوژی بالاتر از عناصر دیگر

<sup>۱</sup>. united nation conference on trade & development

<sup>۲</sup>.p.parker mc Grow-hill concise encyclopedia of science & technology.word:"techno;ogy"

<sup>۳</sup>. احمد جعفر نژاد، مدیریت تکنولوژی مدرن، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۷

آن است. علت آن نیز تاثیر به سزای این عنصر در جذب، توسعه و ارتقاء تکنولوژی می‌باشد. به دلیل نقش عمده و اصلی این عنصر در ترکیب تکنولوژی است که معمولاً در قراردادهای انتقال تکنولوژی بخش خاصی را به ترتیب نیروی انسانی ماهر و مرتبط با بهره‌برداری از تکنولوژی انتقالی اختصاص می‌دهند. البته گاهی اوقات نیز قراردادهای مستقل آموزشی نیروی انسانی نیز منعقد می‌شود. در بخش‌های بعدی این تحقیق خواهیم گفت که مهمترین بخش یک قرارداد انتقال تکنولوژی مربوط به ترتیب نیروی انسانی مورد نیاز برای اجرا و توسعه تکنولوژی مورد قرارداد می‌باشد.

**ب- اطلاعات و دانش فنی (infoware) یا دانش افزار:** این عنصر از تکنولوژی شامل اطلاعات، دانش فنی- علمی، روشها و دستورالعمل‌های پشتیبانی کننده از تکنولوژی است. معمولاً بخش عمده‌ای از قراردادهای انتقال تکنولوژی مربوط به شروط انتقال، جذب و حفظ این اطلاعات و دانش فنی می‌باشد. همانطور که گفته شد، انتقال صرف این اطلاعات و دانشها، اگرچه یکی از بخشهای اصلی فرایند انتقال تکنولوژی است، اما نمی‌تواند همه این فرایند محسوب شود. بلکه آموزش این دانش فنی و اطلاعات به نیروی انسانی انتقال گیرنده تکنولوژی، و همچنین تشکیل سازمان منطبق با خصوصیات این دانش، در جذب تکنولوژی مزبور توسط انتقال گیرنده اهمیت فراوان دارد.<sup>۱</sup>

### **گفتار دوم: انواع لیسانس (تکنولوژی)**

از بین همه تقسیم بندی‌هایی که از انواع تکنولوژی ارائه شده است، دو تقسیم بندی نزدیکی بیشتری با اهداف این تحقیق دارند.

#### **مبحث اول- تکنولوژی‌های محصول:**

در تقسیم‌بندی اول تکنولوژی‌ها را به دو دسته تکنولوژی‌های فرایند (و یا با کمی مسامحه تکنولوژی‌های تولید) و تکنولوژی‌های محصول تقسیم می‌کنند. تکنولوژی‌های فرایند عبارت از تکنولوژی‌هایی هستند که روش‌های تولید و رسیدن به یک محصول را ایجاد و یا ارتقاء می‌بخشند. به عنوان مثال فرایندهای شیمیایی، فرایندهای جوشکاری یا فرایندهای تراشکاری و... را که در خطوط تولید محصول به کار گرفته می‌شوند تکنولوژی‌های فرایندی می‌نامند. هر چند معمولاً تکنولوژی‌های فرایند را از تکنولوژی‌های تولید بیان کنیم باید بگوئیم تکنولوژی‌های تولید مجموعه‌ای از تکنولوژی‌های فرایند را برای تولید یک محصول به کار می‌گیرند. اما تکنولوژی‌های فرایند و تولید تفاوت ماهوی با هم ندارند.

تکنولوژی‌های محصول عبارت از تکنولوژی‌هایی هستند که در داخل خود محصول تولیدی مورد استفاده قرار گرفته‌اند و موجب ایجاد و یا ارتقاء کارائی محصول مربوط شده‌اند. همانگونه که مشاهده می‌شود، تفاوت تکنولوژی‌های فرایند و تکنولوژی‌های محصول از نوع تفاوت‌های ماهوی نیست. بلکه این تقسیم‌بندی براساس نوع کاربرد تکنولوژی در روند تولید یک محصول تکنولوژیک ارائه شده است.

#### **مبحث دوم- تکنولوژی‌های افزایشی:**

تکنولوژی‌های افزایشی آن دسته از تکنولوژی‌هایی هستند که مستلزم انجام پروژه‌های تحقیق و توسعه سنگین و ایجاد تغییرات اساسی در تکنولوژی‌های پیشین نیستند. بلکه تنها از طریق طراحی مجدد محصولات تکنولوژیک موجود یا طراحی محصول جدید با هدف رفع نقائص و ضعف‌های محصولات پیشین ایجاد می‌شوند.<sup>۲</sup> این نوع از تکنولوژی‌ها در بسیاری از مواقع توسط کاربران و

<sup>۱</sup>. زنجانی، محمد، زمینه تکنولوژی، ص ۱۸

<sup>۲</sup>. همان، ص ۲۰

مصرف کنندگان محصولات در آنها ایجاد می‌شوند. بنابراین تکنولوژی‌های افزایشی دارای دو خصیصه اصلی هستند. الف) این نوع تکنولوژی‌ها معمولاً برای تطبیق هر چه بیشتر محصولات با نیازهای بازار ایجاد می‌شوند، بنابر این انجام تحقیقات مربوط به آنها معمولاً در سطح مهندسی تولید و بازار یابی و فروش اتفاق می‌افتد. ب) اهمیت و نقش این دسته از تکنولوژی‌ها، هم در سطح بنگاه‌های صنعتی و تجاری و هم در سطح اقتصاد ملی به دلیل ایجاد کشتش در بازار محصولات تکنولوژیک بسیار اساسی است. تکنولوژی‌های ریشه‌ای از طریق انجام پروژه‌های تحقیق و توسعه سنجیده و حساب شده و براساس ایده‌های علمی جدید به وجود می‌آیند. معمولاً محصولات جدیدی که موجب گشایش بازارهای و گسترده شده و تقاضای بازار را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند، براساس همین تکنولوژی‌ها به وجود آمده‌اند. بنابر این دو خصیصه اصلی این تکنولوژی‌ها عبارت است از: الف) تکنولوژی‌های ریشه‌ای معمولاً در سطح تحقیقات پایه و یا توسعه‌ای و کاربردی اتفاق می‌افتند. ب) روند تجاری سازی باید در مورد محصولات مربوط به این تکنولوژی‌ها تحقق یابد.

تکنولوژی‌های سیستمی براساس چندین تکنولوژی ریشه‌ای و افزایشی ایجاد می‌شوند و بر روی بیش از یک صنعت تاثیرگذار خواهند بود. این نوع از تکنولوژی‌ها علاوه بر تاثیر در بخش‌های صنعتی متنوعی را به دنبال خواهد آورد.

به دلیل ایجاد تغییرات سیستمی و مدیریتی، انتقال این دسته از تکنولوژی‌ها به داخل بنگاه موجب تغییرات اساسی در سیستم آنها می‌شود.

همانطور که گفته شد، دسته آخر و چه بسا مهمترین دسته از تکنولوژی‌ها عبارت از تکنولوژی‌های انقلابی می‌باشند.

این دسته از تکنولوژی‌ها موجب آنچنان تغییراتی در صنایع مختلف می‌شوند که تغییرات اقتصادی عمده‌ای را به همراه خواهند آورد. تکنولوژی‌های انقلابی باعث ایجاد خیل عظیمی از تکنولوژی‌های افزایشی، ریشه‌ای و سیستمی خواهند شد. به عنوان مثال می‌توان تکنولوژی موتورهای بخار یا تکنولوژی اطلاعات و یا تکنولوژی‌های زیستی را جزء این دسته به حساب آورد. این نوع از تکنولوژی‌ها موجب تغییر رویکرد در بکارگیری ابزار آلات و روشها و اطلاعات در صنایع مختلف می‌شوند. تاثیرات این نوع تکنولوژی‌ها بر زندگی اجتماعی و خصوصی افراد بسیار عمیق است. در حال حاضر می‌توان نانو تکنولوژی<sup>1</sup> را مهمترین و موثرترین تکنولوژی این دسته دانست. با توجه به این توضیحات، خصیصه اصلی تکنولوژی‌های انقلابی این است که حوزه‌های تکنولوژیک دیگر را در می‌نوردند و موجب تغییرات اساسی در آنها شده و از این طریق در عرصه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار خواهند بود.

این دو تقسیم بندی از این جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که در نوع فرایند انتقال تکنولوژی و در نهایت در قراردادهای انتقال تکنولوژی تاثیرگذار می‌باشد.

### گفتار سوم: ویژگی‌های لیسانس

در قسمت‌های مختلف این تحقیق بیان شد که اصطلاح تکنولوژی با نوعی ابهام مفهومی در علم حقوق مواجه است. به نظر می‌رسد علاوه بر سایر دلایل که در باب ابهام این موضوع وجود دارد، عدم بررسی، مطالعه و تشریح خصائص ماهوی تکنولوژی از دیدگاه حقوقی علت دیگری بر ایجاد این ابهام است. ما در این قسمت سعی می‌کنیم ویژگی‌های ماهوی تکنولوژی را که در ارائه تعریف و شناسایی ماهیت حقوقی تکنولوژی دخیل هستند، بررسی و معرفی نماییم.

تکنولوژی دارای حداقل چهار خصیصه ماهوی است که در تبیین مفهومی آن نقش اساسی دارند. این چهار خصیصه عبارتند از:

<sup>1</sup>. Nanotechnology

۱. متحول بودن

۲. فرار بودن

۳. غیر قطعی بودن

۴. غیر ملموس بودن

۱. متحول بودن: مهمترین ویژگی تکنولوژی تحول و تغییرپذیری آن است. در واقع تکنولوژی هرگز به صورت ساکن و به یک شکل و به اصطلاح استاتیک باقی نمی‌ماند، بلکه خصوصیت اصل تکنولوژی دینامیک و متحول بودن آن است.

همواره محتوا و شکل تکنولوژی براساس تکنولوژی‌های پیشین تغییر کرده و تحول پیدا میکند. دو نیروی پنهان تکنولوژی را به سمت تغییر سوق می‌دهند. نیروی اول همان منطق درونی علم و تکنولوژی است. تکنولوژی هرگز آنقدر کامل نیست که نتوان آن را بهبود بخشید و دانش جدید تکنولوژی‌های جدید و نوین را با خود به همراه می‌آورد. نیروی دوم اقتصاد است. همانطور که گفته شد، در دنیای صنعت و تجارت امروز دنیا، سرمایه‌های تکنولوژیک و فکری، مهمترین عامل برتری و تسلط اقتصادی محسوب می‌شود. به تعبیر روان‌تر، تکنولوژی سلاحی قاطع برای توسعه اقتصادی است.<sup>۱</sup> خصوصیت تحول‌پذیری تکنولوژی در قراردادهای انتقال تکنولوژی تأثیر عمده‌ای نهاده است. معمولاً طرفین قرارداد انتقال تکنولوژی سعی می‌کنند این خصوصیت را در قالب درج شروطی مانند لیسانس متقابل<sup>۲</sup> (یعنی درج نوعی شرط فعل یا نتیجه در قرارداد لیسانس مبنی بر انتقال حق بهره برداری از اختراعاتی که پس از انعقاد قرارداد اصلی و در ارتباط با تکنولوژی موضوع قرارداد اصلی ثبت می‌شوند).

یا الزام به انتقال ارتقائات مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد تحت کنترل و بهره برداری قرار دهند.

۲. فرار بودن: ویژگی دوم تکنولوژی که در واقع از آثار و تبعات ویژگی اول می‌باشد، فرار بودن تکنولوژی است.

همانطور که گفته شد، بخش اعظم و ارزشمند تکنولوژی را اجزاء نرم افزاری آن که عبارتند از دانش افزار، انسان افزار و سازمان افزار تشکیل می‌دهد. علاوه بر خصیصه ذاتی فرار بودن داشته‌های فکری و غیر ملموس، تلاش دارندگان تکنولوژی برای دستیابی به اطلاعات و دانش فنی و علمی مربوط به تکنولوژی‌های رقیب در جهت ایجاد و توسعه تکنولوژی‌های جدیدتر، و استفاده از هر فرصتی برای انجام این منظور موجب ایجاد خصیصه فرار بودن در تکنولوژی شده است. توجه به این خصیصه در فرایند انتقال تکنولوژی به خصوص از منظر انتقال دهندگان جزء مهمترین ضرورت‌های تحقق یک فرایند سالم انتقال تکنولوژی است. درج شروط مربوط به حفظ محرمانه اسرار تجاری و دانش فنی مربوط به تکنولوژی موضوع قراردادهای انتقال تکنولوژی از تبعات همین خصیصه است.

۳. غیر قطعی بودن: ویژگی سوم تکنولوژی غیر قطعی بودن آن است، بدین معنی که وصف و پیش بینی مراحل و نتیجه نوآوری تکنولوژی در یک مدت زمان مشخص به صورت قطعی امکانپذیر نیست.<sup>۳</sup> این خصیصه بیشتر در عمل و در طراحی مدلهای همکاری در پروژه های تحقیق و توسعه تبلور پیدا می‌کند. در واقع غیر قطعی بودن تکنولوژی به خصوص در حوزه تکنولوژی‌های نوین، باعث افزایش ریسک سرمایه گذاری شده و انواع خاصی از قراردادهای و مدل‌های همکاری و سرمایه‌گذاری را در این سطح به وجود آمده است. به عنوان مثال می‌توان به قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک در تحقیق

۱. محمد زنجانی، زمینه تکنولوژی، ص ۲۲

۲. cross licensing

۳. محمد زنجانی، زمینه تکنولوژی، ص ۲۹.

و توسعه<sup>۱</sup> اشاره کرد. به هر حال اگرچه می‌توان سلسله منطقی دستیابی به نوآوری‌های مرتبط را به صورت کلی پیش بینی نمود، ولی خصایص قطعی مربوط به دستاوردهای آینده و مدت زمان دستیابی به آنها را نمی‌توان به صورت قطعی و نهائی تخمین زد.

۴. غیر ملموس بودن: ویژگی آخر تکنولوژی که در واقع مهمترین تاثیر را در ارائه تعریف و تعیین ماهیت حقوقی تکنولوژی دارد، عبارت است از غیر ملموس بودن آن. در ادامه مباحث خواهیم گفت که تکنولوژی در علم حقوق بر اساس تئوری مالکیت فکری قابل تحلیل است و می‌دانیم که اساس تئوری مالکیت فکری، تعریف اموال و دارائی‌های غیر ملموس می‌باشد. در تعاریفی هم که از تکنولوژی ارائه شد، به خوبی نمایان است که تکنولوژی اصولاً از سنخ دانش، توانائی و مهارت است و در اصطلاح مدیران تکنولوژی نیز تکنولوژی وقتی انتقال یافته محسوب می‌شود که انتقال گیرنده آنرا آموخته باشد. بنابر این، تکنولوژی فرد اجلای اموال و ادرائی‌های فکری و غیر مادی است. دو خصیصه فرار بودن و غیر ملموس بودن تکنولوژی موجب شده که به راحتی مورد کپی برداری و سوء استفاده قرار بگیرد. بنابر این تکنولوژی اصولاً به یک نظام حمایتی قانونی و قراردادی نیاز دارد. از طرفی ویژگی چهارگانه تکنولوژی و به خصوص تحول‌پذیری و فرار بودن آن تاثیر به سزائی بر مکانیسمها، قراردادها، مفاد و فرایندهای انتقال تکنولوژی گذاشته است.

#### گفتار چهارم: مفهوم و ماهیت حقوقی لیسانس

همانگونه که از تعریف ارائه شده از تکنولوژی و عناصر تشکیل دهنده آن برمی‌آید بخش اعظم تکنولوژی از سنخ تراوش‌ها و سرمایه‌های فکری می‌باشد. هرچند یکی از عناصر تکنولوژی ماشین افزل و تجهیزات فیزیکی مربوط به آن است، ولی همانطور که گفته شد، سه عنصر اصل در ترکیب عناصر تشکیل دهنده تکنولوژی، انسان افزار، سازمان افزار و دانش افزار است. لذا پیش فرض ما برای ورود به مباحث حقوقی تکنولوژی این است که تکنولوژی اصولاً یک دستاورد و سرمایه فکری است.

فرض کنیم بنگاه صنعتی‌ای یک دستاورد تکنولوژیک دارد، طبق تعریفی که ارائه دادیم، بخشی از این دستاورد تکنولوژیک به صورت دانش افزار است. در واقع دانش علمی و فنی مربوط به تکنولوژی مزبور بخش دانش افزار آنرا تشکیل می‌دهد. بخش دیگری از این تکنولوژی به صورت مهارت‌ها، توانائی‌ها و خلاقیت‌های فردی و گروهی در اختیار پرسنل این بنگاه صنعتی می‌باشد. این بخش از تکنولوژی نیز انسان افزار آن است. سازمان تحقیقاتی و مدیریتی‌ای که در دل آن تکنولوژی مزبور ایجاد و به مرحله بهره برداری رسیده است نیز متناسب با نوع و ویژگی‌های تکنولوژی مربوطه، بخش سازمان افزار آن را تشکیل می‌دهد. بنگاه مزبور برای ارائه محصول تکنولوژیک در واحدهای مهندسی خود، محصول مزبور را طراحی، ساخته و نمونه اولیه آنرا تولید کرده است. لذا طرح صنعتی به کار رفته در محصول این تکنولوژی نیز بخشی از آن محسوب می‌شود.

در نهایت، این بنگاه برای نفوذ در بازارهای هدف و تزریق محصول به آنها، از یک علامت تجاری و نام معتبر نیز برخوردار است. پس علامت تجاری بنگاه مزبور که می‌تواند به طور کلی متعلق به همه محصولات آن باشد یا تنها متعلق به همان محصول خاص تکنولوژیک باشد نیز بخشی از تکنولوژی مزبور است. بر اساس این توضیحات و با در نظر گرفتن عناصر چهار گانه تکنولوژی اجزائی از تکنولوژی که متناسب با سطوح مختلف آن در ارائه تحلیل حقوقی از ماهیت حقوقی تکنولوژی دخیل هستند به قرار زیر می‌باشند:

۱- دانش علمی و فنی مرتبط با تکنولوژی (دانش افزار)

۲- منابع انسانی<sup>۱</sup> و مهارت، خلاقیت<sup>۲</sup> و تجربه آنها در ارتباط با تکنولوژی (انسان افزلر)

<sup>۱</sup> . joint research & development agreements

۳- سازمان تحقیقاتی و مدیریتی مربوط به تکنولوژس (سازمان افزار) که به صورت دانش مدیریتی جلوه پیدا می‌کند.

۴- طرح‌های صنعتی<sup>۲</sup> مربوط به محصول تکنولوژی

۵- علائم تجاری<sup>۳</sup> مربوط به بازاریابی محصول تکنولوژیک

اصولاً هر گونه تحقیقات تکنولوژیک در دنیای اقتصاد امروز، با هدف توسعه آن تکنولوژی و در جهت ایجاد ثروت و دستیابی به منابع سرمایه ای با ارزش افزوده بیشتر اتفاق می‌افتد. بنابراین کلیه تکنولوژی‌ها، به خصوص در بخش غیر نظامی، وارد پروسه بهره برداری اقتصادی و تجاری سازی می‌شوند.

باید گفت که علم حقوق از طریق تاسیسات سه گانه ذیل به سراغ ایجاد پوشش حمایتی از تکنولوژی با هدف بستر سازی حقوقی در چرخه بهره برداری اقتصادی و تجاری از تکنولوژی رفته است:

۱- مالکیت

۲- قواعد مربوط به حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه

۳- قرارداد

۱- مالکیت: می‌دانیم که بارزترین و قدرتمندترین چهره از حقوق عینی، حق مالکیت می‌باشد. در واقع حق عینی حقی است که شخص به طور مستقیم و بدون واسطه نسبت به چیزی پیدا کرده و می‌تواند از آن استفاده کند. بنابراین در حق عینی تنها دو عنصر وجود دارد: شخص حقیقی یا حقوقی صاحب حق و چیزی که موضوع حق قرار می‌گیرد. مالکیت نوعی حق عینی است که به موجب آن مالک، حق همه گونه انتفاع و تصرفی را در ملک خود پیدا می‌کند. خصوصیت مطلق و انحصاری بودن حق عینی و به خصوص مالکیت، چنان قدرتی را به آن داده است که به عنوان قوی‌ترین تأسیس حقوقی دخیل در روابط خصوصی اشخاص شناخته شده است. انحصاری بودن حق عینی بدین معنی است که صاحب آن منحصراً حق تصرف در موضوع حق را دارد و می‌تواند همگان را از تصرف در موضوع حق منع نماید. البته تصرف دیگران در موضوع حق عینی تنها با اجازه صاحب آن امکانپذیر است. مطلق بودن حق عینی نیز بدین معنی است که صاحب آن می‌تواند در برابر همگان به این حق استناد کند.<sup>۵</sup>

از آنجا که در تکنولوژی، دانش افزار بیشترین خصوصیت فرار بودن و غیر قطعی بودن را دارد، حقوق با ایجاد ساز و کارهای خاصی سعی در ایجاد حق مالکیت دارنده دانش افزار تکنولوژی نسبت به این بخش از تکنولوژی داشته است. در واقع قویترین شکل حمایت حقوقی از تراوش‌های فکری و به خصوص دانش افزار تکنولوژی، با استفاده از تأسیس مالکیت انجام می‌گیرد. در پی این رویکرد بوده که دسته جدیدی از مالکیت‌ها با عنوان مالکیت‌های فکری و به خصوص مالکیت‌های صنعتی به وجود آمده است.

بخشی از دانش افزار تکنولوژی شرایط حمایت به صورت مالکیت را دارد و بخشی از آن این شرایط را دارد. اختراعات که مهمترین و بارزترین بخش دانش افزار تکنولوژی می‌باشد از طریق ثبت اختراع و دریافت برگه حق اختراع شکل مالکیت به خود می‌گیرند. حقوق برای حمایت از بخش غیر قابل ثبت دانش افزار که معروف به اسرار تجاری و دانش فنی می‌باشد، با استفاده از ابزارهای دیگر حمایتی وارد عمل می‌شود. البته برخی دیگر از عناصر تکنولوژی که در مسیر تجاری سازی ایجاد

<sup>1</sup>. human resources

<sup>2</sup>. reativity

<sup>3</sup>. Industrial designs

<sup>4</sup>. Trade marks

<sup>۵</sup>. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۶

می‌شوند و عبارتند از: طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و همچنین علائم تجاری، نیز از طریق ایجاد مالکیت‌های صنعتی برای دارندگان آن مورد حمایت قرار می‌گیرند.

۲- قواعد مربوط به حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه: همانگونه که در بند یکم بیان شد، بخشی از دانش افزار تکنولوژی از طریق حق ثبت اختراع قابل حمایت به شکل مالکیت را ندارد و معروف به اسرار تجاری و دانش فنی است. ذکر این نکته در همینجا ضروری به نظر می‌رسد که دانش تجاری و دانش مدیریتی مرتبط با تکنولوژی اصولاً جزء سازمان افزار تکنولوژی هستند ولی به دلیل حمایت علمی و نرم افزاری آنها، عملاً به صورت اسرار تجاری و دانش فنی مورد حمایت قرار می‌گیرند. حمایت از این بخش از دانش افزار تکنولوژی از طریق تاسیس دیگری به عمل می‌آید که عبارت است از قواعد حقوقی حفظ محرمانه اسرار تحت عنوان حقوق محرمانگی<sup>۱</sup>، در نظام‌های حقوقی کامن‌لا از قدمت و انسجام بیشتری برخوردار است. در این نظام حقوقی، علاوه بر اینکه می‌توان بر اساس قواعد کلی حقوقی از اسرار محرمانه حمایت کرد، قوانین و مقررات خاصی نیز برای حمایت از این نوع از اطلاعات وضع شده است. البت در نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی نیز از طریق وضع قوانین مشابهی از این نوع اطلاعات حمایت می‌شود. تعهد به حفظ محرمانه اسرار در طیف متنوعی از روابط حقوقی به وجود می‌آید مانند: روابط صنعتی، روابط تجاری، روابط استخدامی، رابطه بین وکیل و موکل رابطه بین پزشک و بیمار، رابطه ازدواج. بارزترین جلوه تعهد به حفظ اسرار محرمانه در روابط تجاری و صنعتی ایجاد می‌شود. اطلاعات محرمانه در روابط تجاری و صنعتی معروف به اسرار تجاری و دانش فنی می‌باشد. مهمترین نکته‌ای که باید درباره اسرار تجاری و دانش فنی به آن توجه کرد این است که رابطه بین دارنده اسرار تجاری و دانش فنی با خود این اسرار تجاری و دانش فنی، رابطه مالکیت نیست. توجه این نکته به خصوص در حقوق کشورهای مثل کشور ما که سابقه چندان در پذیرش چنین تاسیسات حقوقی دارد بسیار حائز اهمیت است. البته در باره شرایط به وجود آمدن تعهد به حفظ محرمانه اسرار و تفاوت‌های حق اختراع با دانش فنی و اسرار تجاری بیشتر سخن خواهیم گفت.

۳. قرارداد: در توضیح راجع به اسرار تجاری و دانش فنی گفتیم که هم بر اساس اصول کلی حقوقی و هم طبق برخی از قوانین موضوعه، می‌توان تعهد به حفظ اسرار محرمانه را در روابط حقوقی استنباط نمود. اما گاهی اوقات برای ایجاد تعهدات صریح، طرفین یک رابطه حقوقی به خصوص در فرایند انتقال تکنولوژی، و همچنین در روابط استخدامی از مکانیزم قرارداد برای حفظ محرمانه این اسرار و اطلاعات استفاده می‌کنند. با توجه به موارد فوق، تکنولوژی ماهیتاً نوع ویژه‌ای از اموال محسوب شده که در پروسه تجاری سازی با اسرار و اطلاعات محرمانه و ابزارهای تجاری خاصی مانند طرح‌های صنعتی و علائم تجاری به نحو پیچیده‌ای ترکیب می‌شود.

## فصل دوم: روش‌های حمایت از تکنولوژی

حقوق با ابزار قانون برای تامین حداقل سه هدف عمده و با خصلت اجتماعی-اقتصادی وارد عرصه تکنولوژی شده است:<sup>۲</sup>

1. The low of can fidence

۲. باطنی، محمد رضا، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳

ایجاد نظم در عرصه رقابت‌های تجاری و صنعتی: که در جایجای این تحقیق بیان شده است، پیشرفت اقتصادی و کشف مزیت‌های رقابتی در دنیای تجارت و صنعت امروز به شدت منوط به دستیابی به تکنولوژی‌های جدید می‌باشد. در واقع کسب سود و ایجاد رفاه اجتماعی بر اساس محصولات و خدماتی انجام می‌گیرد که خصلت فکری و غیر ملموس آنها بسیار پررنگ‌تر شده است. این مساله به خصوص در محصولات ناشی از تکنولوژی‌های نوین نظیر تکنولوژی اطلاعات، بیو تکنولوژی و نانو تکنولوژی نمایان شده است. چرخه ایجاد تکنولوژی‌های نوین و حتی تجاری سازی آنها اتکاء زیادی به تحقیقات پایه، علمی و دانشگاهی دارد. از طرفی خصلت متحول و فرار دارائی‌های فکری در برهه‌های از زمان باعث شده که شرکت‌های رقیب از هر حربه‌ای برای دستیابی به دارائی‌های فکری با ارزش یکدیگر استفاده نمایند و حتی از موقعیت مسلط خود برای تصاحب این نوع دستاوردها سوء استفاده کنند.

از این رو فواین حمایتی حقوقی برای ایجاد پوشش حمایتی از این نوع دارائی‌ها و ایجاد نظم لازم در دنیای رقابت بنگاه‌های تکنولوژیک یا به میان نهادند.

ایجاد عدالت در بهره‌برداری از اموال فکری: فرار بودن تکنولوژی بدین معنی است که به راحتی قابل کپی‌برداری بوده و به علت نیاز بنگاه‌های صنعتی به دستاوردهای تکنولوژیک، در صورت نبود یک سلسله قواعد

حقوقی مشخص، به سرعت از دست صاحب آن در می‌آید. نتیجه این خصلت تکنولوژی این است که زحمات و

تلاشهای خلاقانه و با ارزش مخترع یا نو آور تکنولوژی، با کپی برداری و سرقت تکنولوژی پایمال می‌شود.

لذا حقوق با بهره‌گیری از تاسیسات و قواعد خود در جهت حمایت از مخترع و جلوگیری از سوء استفاده دیگران از دستاوردهای او، ساز و کارهای حمایتی متعددی را وضع کرده است.

تشویق به ایجاد پیشرفت از طریق تکنولوژی‌های جدید: هدف قوانین حقوقی از ورود به عرصه تکنولوژی تنها

حمایت از تکنولوژی‌های موجود نیست، بلمه تشویق نوآوران و دست اندر کاران عرصه تکنولوژی به ایجاد هر چه بیشتر تکنولوژی‌های جدید نیز می‌باشد. در واقع قوانین و قواعد حقوقی، بستر مناسب و امن برای ایجاد و نوآوری و تجاری سازی تکنولوژی به وجود می‌آورند و از این طریق دست-اندرکاران این عرصه را به انجام فعالیت بیشتر تشویق می‌کنند.

## گفتار اول: حمایت‌های قانونی

### مبحث اول- حمایت از مالکیت صنعتی:

مالکیت‌های صنعتی بخش عمده‌ای از مالکیت‌های فکری هستند که شامل تاسیسات حمایت کننده از تراوش‌های فکری مرتبط با دنیای صنعت و تجارت می‌شوند.

در حقوق فرانسه، مالکیت‌های صنعتی را به دو دسته بزرگ تقسیم می‌کنند: الف) نوآوری‌های صنعتی که شامل اختراعات، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و دانش فنی می‌شوند، ب) علائم تفکیک کننده که شامل علائم تجاری و خدماتی، نامهای تجاری، علائم مربوط به منشاء کالا و... می‌شود. به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی به خوبی بخش‌های مختلف مالکیت‌های صنعتی را نشان می‌دهد، اما در این قسمت، به علت تفاوت‌های موجود بین حق اختراع و دانش فنی، این دو مقوله را از یکدیگر تفکیک کرده و ابتدا حق اختراع و علائم تجاری را به خطر وجود عنصر مالکیت در هر دوی آنها در این قسمت مطالعه می‌کنیم و اسرار تجاری و دانش فنی را در قسمت بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### الف- حق اختراع (patent):

حق خنتراع ثبت شده عبارت از یک حق انحصاری است که از طرف دولت به مخترع داده می‌شود. این حق برای مدت معینی اجازه می‌دهد که منفردا و منحصرآ از اختراع ثبت شده خود بهره برداری کند. این حق از طریق ثبت اختراع مزبور نزد دولت و دریافت برگه ثبت اختراع، تثبیت شده و اعمال می‌شود. شرایط قابل ثبت بودن<sup>۱</sup> اختراعات به نحو دقیق در قوانین ذکر شده است. در جایی که اختراع ثبت شده نوعی تکنولوژی محسوب شود، صاحب حق اختراع در مورد تولید، استفاده، نگهداری یا به وثیقه گذاردن محصول اختراع مزبور حق انحصاری دارد و می‌تواند دیگران را از ارتکاب بدون اجازه او به این نوع بهره‌برداری‌ها منع نماید. زمانی که اختراع ثبت شده منجر به یک تکنولوژی فرایند یا تولید شود، حق انحصاری ذکر شده در باب استفاده فرایند مورد حق اختراع و یا نگهداری یا توثیق محصولی که مستقیماً از فرایند مربوطه بدست می‌آید، به وجود می‌آید. در حقوق ایران در قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ علاوه بر اینکه از ارائه تعریف برای اختراع قبل ثبت، امتناع نموده بود، برای تعیین حدود اختراع از روش مختلط ذکر کلی مصادیق (م ۲۷) و بیان موارد استثناء شده ای که قابل ثبت نیستند (م ۲۸) استفاده شده بود. اما قانون جدید ثبت اختراعات در ماده ۱ به تعریف اختراع پرداخته و در ماده ۲ خصوصیات اختراع قابل ثبت را بیان نموده و در ماده ۴ موثر استثنائی که قابل ثبت نیستند را مشخص کرده است. تعریف قانون مذکور به شرح ماده ۱ چنین است: "اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرایند یا فرآورد های خاصی را ارائه می‌کند، مشکلی را در یک حرفه، فن، فناوری، صنعت و مانند آنها حل می‌نماید" ضمناً ماده ۳ آیین نامه ثبت اختراعات، اکتشافات و نوآوریهای صنعتی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم اختراع را این گونه تعریف نموده است: "اختراع به فکر و اندیشه ای اطلاق می‌گردد که از طریق مجموعه عملیات علمی از قبیل محاسبات ریاضی و یا تجربی مانند آزمایشات فیزیکی یا شیمیایی منجر به محصول جدید و یا راه حل عملی یا قابلیت کاربردی دفاعی گردد"<sup>۲</sup>

اگرچه منشاء حق اختراع قانون است و آثار و ویژگی های چنین حقی نیز در قانون تعیین می‌شود، اما می‌توان در واقع آنرا به قراردادی تشبیه کرد بین مخترع و دولت که به موجب این قرارداد، دولت در قبال افساء اطلاعات مربوط به اختراع مورد قرارداد، از حق انحصاری مخترع در بهره‌برداری از اختراع خود حمایت می‌کند. دولت با انعقاد این قرارداد به سه هدف مهم دست پیدا می‌کند: یکم اینکه از این طریق و بخاطر ارائه پوشش حمایتی به اختراع مخترعین، افراد اجتماع را به نوآوری و اختراع تشویق می‌کند. دوم اینکه با افساء اطلاعات مربوط به اختراعات موجود، راه را برای استفاده محققین و مخترعین از اطلاعات مربوط له اختراعات موجود باز می‌کند و از این طریق جریان سالم دانش و اطلاعات علمی را تسهیل و از انجام تحقیقات موازی و تکراری جلوگیری می‌کند. سوم اینکه پیچیدگی های انتقال تکنولوژی را در چرخه تجاری سازی تکنولوژی تا حد زیادی بر طرف می‌کند. اما مخترع هم با امضای این قرارداد حقی شبیه و به عقیده بعضی از حقوقدانان کاملاً منطبق با حق مالکیت نسبت به اختراع خود پیدا کرده و می‌تواند سود حاصل از بهره برداری اقتصادی از اختراعش را در فضائی امن بدست آورد.

## ب- علائم تجاری (Trade marks):

<sup>۱</sup>. patentable inventions

<sup>۲</sup>. این آیین نامه در اجرای بند ۵ ماده ۹ قانون اساسنامه موسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۸ مجلس

شورای اسلامی، تدوین گردیده است.

<sup>۳</sup>. احسنی فروز، محمد، قرارداد انتقال تکنولوژی، نشر دادگستر، ۱۳۹۰، ص ۳۸

علامت تجاری عبارت است از نوعی تعیین هویت برای کالاها یا خدمات عرضه شده در بازار واحد که باعث می‌شود مشتریان، کالاها یا خدمات مشابه که منشأ یا عرضه آنها متفاوت است را از یکدیگر تشخیص دهند البته در مورد علائم خدماتی، این تشخیص بین خدمات مشابه ولی عرضه شده از دو منشأ مختلف انجام می‌گیرد. علائم صنعتی و خدماتی می‌توانند از کلمات، نامها، سمبل‌ها، شعارها، علامات و نقش‌ها و یا ترکیبی از این عناصر تشکیل شوند. علائم صنعتی نیز از طریق ثبت برای مدت معینی که معمولاً قابل تمدید نیز هستند مورد حمایت قرار می‌گیرند.

علائم تجاری و خدماتی از جمله ابزارهای حقوقی رقابتی در بازاریابی و فروش کالاها یا تکنولوژیک می‌باشند. عنصر مالکیت در علائم تجاری و خدماتی ثبت شده نیز وجود دارد و دارنده علامت تجاری و خدماتی ثبت شده منحصر می‌تواند از آن بهره‌برداری کند و بهره‌برداری دیگران را بدون اینکه از او اجازه بگیرند، منع نماید.

### مبحث دوم- حمایت از اسرار تجاری و صنعتی:

همانطور که قبلاً نیز بیان شد، بخشی از دانش افزار تکنولوژی که قابلیت ثبت به صورت اختراع را نداشته و یا بنگاه دارنده آن، بخاطر وجود برخی دلایل تمایل به ثبت آن به صورت اختراع ندارد، به عنوان اسرار تجاری و دانش فنی قابل حمایت حقوقی است. لازم به ذکر است که کلیه اختراعات قبل از ثبت و تبدیل شدن به حق اختراع، به صورت اسرار تجاری و دانش فنی و محرمانه نگهداری می‌شوند. قبل از ورود به بحث نکته‌ای را باید مورد توجه قرار دهیم و آن اینکه، اصطلاح مالکیت‌های فکری در معنای کلاسیک خود شامل حمایت‌های حقوقی از اسرار تجاری و دانش فنی نمی‌شده است. علت آن نیز این است که اصولاً عنصر مالکی در اسرار تجاری و دانش فنی وجود ندارد و لذا نمی‌توان اصطلاح مالکیت فکری را شامل آن دانست. بنابراین اگر شخص ثالثی از طرق و وسائل قابل توجیه و مباح به اطلاعات و اسرار تجاری و دانش فنی بنگاه دسترسی پیدا کرده و از آنها استفاده کند بنگاه دارنده نمی‌تواند او را از بهره‌برداری از این اطلاعات منع کند. اما اگر با جمع شرایط دیگر، شخص ثالث از طرق ناشایست و غیر مشروع از قبیل نقض تعهدات قراردادی، نقض رابطه حقوقی محرمانه، روشها و طرق خلاف نظم عمومی و یا اعمال خلاف رقابت‌های عادلانه، به اطلاعات مزبور دسترسی پیدا کند، قابل پیگرد می‌باشد.<sup>۱</sup>

### الف- مفهوم دانش فنی و اسرار تجاری:

تعاریف متعدد و گاه متناقضی از دانش فنی<sup>۲</sup> و اسرار تجاری<sup>۳</sup> ارائه شده است. در یک نگاه کلاسیک، دانش فنی عبارت است از اطلاعات و دانشی که خصوصیت تکنیکی داشته و اصولاً با فرایند تولید کالای تکنولوژیک در ارتباط قرار می‌گیرد. اما امروزه تمایل بدین سمت است که حوزه مفهومی دانش فنی به دانش‌ها و اطلاعات مورد استفاده در کلیه فعالیتهای بنگاه گسترش یابد. بدین معنی اطلاعات و اسرار محرمانه مربوط به بخش تجاری و مدیریتی بنگاه نیز دانش فنی محسوب شوند. البته مفهوم وسیع دانش فنی که در بالا ذکر شد در بعضی از متون حقوقی به اسرار تجاری معروف است. تعریف دیگری از دانش فنی ارائه شده است که عبارت است از اینکه دانش فنی روشی است که در جریان کارهای عملی شکل می‌گیرد و شامل روشهای کسب مهارت، فرایندها و فرمولهای تولید یا دیگر عناصر تکنیکی که به عنوان اختراع ثبت نشده‌اند، می‌شود. در تعریف دیگری نیز دانش فنی مساوی با مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش‌ها دانسته شده است که قابل دسترس برای عموم نیستند و

1. UNIDO manual on technology transfer negotiation.p.44

2. Know-How

3. Trade secret

اشخاص متناسب با اهداف تجاری و صنعتی خود حاضر به محاسبه هزینه های اقتصادی و وقتی لازم برای یادگیری و پرداخت مبالغی برای دریافت آنها می‌باشند.

### ب- محرمانه بودن اسرار و اطلاعات:

قوانین و مقررات و رویه کشورهای مختلف در باره محرمانه بودن اطلاعات و دانش فنی بسیار متفاوت می‌باشد. اطلاعات و دانش فنی مربوطه باید سری باشد بدین معنی که به طور معمول برای اشخاص با زمینه مربوط به این اطلاعات قابل درک و بدیهی نباشد، همچنین کلیه اطلاعات مربوطه یا ترکیب اجزاء آن به راحتی قابل دسترس نباشند، ارزش اقتصادی آن منوط به محرمانه باقی ماندن آن باشد و دارنده‌ای که کنترل این اطلاعات و دانش فنی را بدست دارد، اقداماتی معقول و متناسب با شرایط، برای محرمانه و سری نگاه داشتن این اطلاعات و دانش فنی انجام دهد.

مهمترین نتایج حاصل از تعاریف و شرایط فوق الذکر را می‌توان در دو مورد مهم زیر خلاصه کرد: یکم اینکه رابطه دارنده با دانش فنی و اسرار تجاری، رابطه مالکیت نیست. چرا که حمایت از این اسرار و اطلاعات تنها تا زمانی ادامه دارد که خصوصیت محرمانه و سری آن باقی باشد و به محض اینکه از طرق شایسته و مشروع در سطح عمومی افشاء شوند، دیگر تحت تسلط دارنده اولیه نخواهند بود. لذا انتقال این اسرار و اطلاعات به صورت قراردادی به شخص دیگر انتقال مالکیت محسوب نمی‌شود. بلکه نوعی مبادله اطلاعاتی به همراه آموزش است. از طرفی، بدلیل مداخلت خصیصه محرمانی در ارزش اقتصادی این دسته از اطلاعات، شروط مربوط به حفظ محرمانه آنها جزء لاینفک قراردادهای مبادله دانش فنی و اسرار تجاری می‌باشد. دوم اینکه اگر کسی از طرق معمول و مباح مانند مطالعه و آنالیز محصول ناشی از اسرار تجاری و دانش فنی، به این اسرار و اطلاعات دسترسی پیدا کند، بدون اینکه اقدام غیر قانونی یا خلاف نظم عمومی یا با اقدام رقابتی غیر عادلانه انجام داده باشد، دارنده اولیه نمی‌تواند او را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. اصطلاحاً این روش دستیابی به دانش فنی را مهندسی معکوس<sup>۱</sup> می‌نامند.

### گفتار دوم: حمایت‌های قراردادی

مخترع در قبال افشای دانش و اطلاعات مربوط به اختراع خود، از دولت گواهی حق اختراعی را دریافت می‌کند که مبین مالکیت او بر اختراع خود می‌باشد. لذا اصولاً بحث حفظ محرمانه اسرار و اطلاعات تجاری و صنعتی در باب موضوع حق اختراع که قبلاً فاش شده و در اختیار عموم قرار گرفته است منتفی است. اما همواره بخشی از دانش افزار تکنولوژی یا بدلیل فقدان قابلیت ثبت یا به خاطر عدم تمایل دارنده آنها به انجام پروسه ثبت، در قالب حق اختراع ثبت شده در نمی‌آید. بنابر این به صورت دانش فنی و اسرار تجاری تحت یک سلسله اقدامات برای حفظ محرمانه قرار می‌گیرد.

طبق مطالب مطروحه در مبحث پیشین، سوء استفاده و افشاء دانش فنی و اسرار تجاری را می‌توان طبق قواعد کلی حقوقی در اکثر کشورها تحت پیگرد قرار داد. در برخی دیگر نیز، قوانین خاصی در جهت ایجاد تعهدات مربوط به حفظ محرمانه این اطلاعات وضع شده است. اما معمولاً پروسه اثبات ادعا در دعاوی مربوط به این زمینه بسیار مشکل است و لذا برای ایجاد اطمینان و وضوح در برقراری تعهدات مربوط به حفظ محرمانه اسرار تجاری و دانش فنی، بنگاه های صنعتی و تجاری در روابط خود روی به قراردادهای حفظ محرمانه اسرار آورده‌اند.

### مبحث اول- قرارداد حفظ اسرار تجاری در مرحله مذاکرات مقدماتی:

<sup>1</sup>. Reverse Engineering

از ابتدای مذاکرات احتیاطاً می‌بایست قراردادی مقدماتی با طرف قرارداد، برای پوشش دادن تمام مراحل مذاکره منعقد نمود. به این قراردادها، قراردادهای احتمالی گویند. (Precaution) اصولاً پروسه مذاکره برای انعقاد قراردادهائی که موضوع آنها تکنولوژی یا برخی از عناصر آن است و تحت عنوان کلی قرارداد های انتقال تکنولوژی نامبرده می‌شوند، مستلزم افشاء بخشی اطلاعات محرمانه اعم از دانش فنی و اسرار تجاری می باشد. در مرحله مذاکرات، معمولاً انتقال گیرنده برای ارزیابی تکنولوژی پیشنهادی از طرف انتقال دهنده، نیاز به اطلاع از بخشی از دانش افزار تکنولوژی از جمله دانش فنی مربوط به آن است.

در این مرحله نمونه های تشریحی از محصول یا فرایند مورد مذاکره باید در اختیار لنتقال گیرنده تکنولوژی قرار گیرد. این مساله موجب افشاء اسرار تجاری و دانش فنی مربوطه قبل از انعقاد قرارداد اصلی می‌شود.

### **مبحث دوم- قرارداد حفظ اسرار تجاری پس از انعقاد قرارداد ليسانس:**

طبیعی است که در قراردادهائی که مبادله دانش فنی به عنوان موضوع اصلی یا جزئی از موضوع آنها می باشد بحث تعهد انتقال گیرنده به عدم افشاء و استفاده منطبق با موارد مذکور در قرارداد مطرح باشد. در اینگونه موارد، معمولاً قرارداد حاوی شرط عدم افشاء دانش فنی و اسرار تجاری خواهد بود. این شروط، علاوه بر تعیین و تعریف دقیق دانش فنی و اسرار تجاری، تعهد انتقال گیرنده را به عدم افشاء مدتی بیش از خاتمه قرارداد اصلی انتقال تکنولوژی است. در واقع انتقال گیرنده حتی برای مدتی پس از خاتمه قرارداد متعهد به تعهد مندرج در شرط عدم افشاء می باشد.

## **بخش دوم:** **قرارداد ليسانس (licensing agreement)**

لیسانس در تعریفی اعم از عبارت است از «اعطای حق به دیگری در خصوص مالی بدون انتقال مالکیت آن»<sup>۱</sup> قرارداد ليسانس يکي از انواع قراردادهای رایج مورد استفاده در زمینه انتقال فن آوری است.

تعریف قرارداد انتقال در نگاه اول قرارداد انتقال تکنولوژی را می‌توان به قرارداد داد و ستد تکنولوژی تعریف نموده این تعریف ساده ترین تعریف از قرارداد مزبور است قبل از تعریف قرارداد انتقال تکنولوژی ابتدا تعریف خود را از انتقال تکنولوژی که در فصل پیشین ارائه شد تکرار می‌کنیم: انتقال تکنولوژی فرایندی است که طی آن اطلاعات دانش علمی دانش فنی مهارت ساخت و تولید و توسعه و در نهایت توانایی بهره برداری تجاری مربوط به تکنولوژی از محل ایجاد آن به محل تقاضا منتقل می‌شود.

تعریف انتقال تکنولوژی به راحتی ما را به سمت تعریف قرارداد انتقال تکنولوژی رهنمون می‌سازد. قرارداد انتقال تکنولوژی عبارت از قراردادی است که به موجب آن روابط حقوقی یا به تعبیر بهتر حقوق و تعهدات طرفین در فرایند انتقال تکنولوژی (بر مبنای تعریفی که ارائه شد) تعیین و بر دوش آنها بار می‌شود.

بنابراین تعریف قرارداد انتقال تکنولوژی باید از چنان دقت و ظرفیتی برخوردار باشد تا بتواند روابط پیچیده حساس و بلند مدت بنگاه های طرفین فرایند انتقال تکنولوژی را با دقت و نظم کافی تنظیم کند بدین معنی که مکانیزم‌های حقوقی انتقال اطلاعات دانش علمی دانش فنی مهارت ساخت و تولید و توسعه و در نهایت توانایی بهره‌برداری تجاری مربوط به یک تکنولوژی را از یک بنگاه به بنگاه دیگر فراهم نماید در این قرارداد بنگاه دارنده تکنولوژی که اقدام به انتقال آن میکند انتقال دهنده و بنگاه متقاضی تکنولوژی که اقدام به گرفتن تکنولوژی میکند انتقال گیرنده نامیده می‌شوند.

### فصل اول: مفهوم قرارداد ليسانس

برای تعریف قرارداد ليسانس ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی آن را معرفی می‌کنیم و سپس برخی از اصطلاحات مرتبط و معمول در قرارداد ليسانس را تعریف خواهیم کرد نهایتاً به ارائه تعریف جامع از قرارداد ليسانس می‌پردازیم.

### گفتار اول: تعریف قرارداد ليسانس:

#### مبحث اول- مفهوم لغوي:

<sup>۱</sup>. صابری، روح اله، قراردادهای ليسانس، نشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۵۶، ۱۳۸۷.

کلمه لیسانس در زبان انگلیسی در لغت به معنی مجوز گواهی و اختیار عمل است.<sup>۱</sup> در زبان فرانسه این کلمه علاوه بر معانی مذکور به معنی افسار گسیختگی و بی بند و باری و با در نظر گرفتن کاربرد آن به معنی مدرک کارشناسی نیز می‌باشد.<sup>۲</sup>

### مبحث دوم- مفهوم اصطلاحی:

اصطلاح لیسانس در هر دو زبان انگلیسی و فرانسه به معنی اعطای مجوز رسمی از طرف دولت به یک شخص اعم از حقیقی یا حقوقی برای مبادرت به انجام کار معینی است که بدون آن مجوز انجام آن کار ممنوع می‌باشد البته در برخی منابع کلمه لیسانس گاه به معنی گواهی صادره از طرف مقامات دولتی مبنی بر تایید امری یا تحقیق شرطی خاص نیز آمده است.<sup>۳</sup> وقتی کلمه لیسانس در زمینه حقوق قراردادی<sup>۴</sup> به کار می‌رود به معنی دسته‌ای از قراردادها است که به واسطه آنها دارنده تکنولوژی اجازه بهره‌برداری از تکنولوژی مزبور را در مقابل دریافت عوض متناسب قراردادی به متقاضی بهره‌برداری از آن اعطاء می‌کند این تعریف از قرارداد لیسانس تعریفی کلی است قرارداد لیسانس معمولاً<sup>۵</sup> و در مفهوم اعم خود مجموعه‌ای پیچیده از روابط حقوقی قراردادی را در بر می‌گیرد که در واقع نتیجه پیچیدگی ذاتی فرایندهای انتقال تکنولوژی است به همین دلیل گستره موضوعی این نوع قراردادها دایره‌ای وسیع‌تر از یک اجازه بهره‌برداری صرف از حق اختراع ثبت شده را در بر می‌گیرد و انواع دیگر مالکیت‌های فکری را نیز شامل می‌شود ما در ادامه بحث خواهیم کرد به کمک شناسایی مفاهیم مرتبط با قرارداد لیسانس مفهوم دقیق و ماهیت آن را مورد بررسی قرار دهیم.

### گفتار دوم: بررسی اصطلاحات مرتبط با قرارداد لیسانس:

پس از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی لیسانس برخی اصطلاحات مرتبط با قرارداد لیسانس را که معمولاً<sup>۶</sup> در متن این نوع قراردادها مورد استفاده قرار می‌گیرند معرفی می‌نماییم. ذکر این نکته نیز ضروری است که اصطلاحات و نهادهای حقوقی مرتبط با قرارداد لیسانس که در گفتار یکم از فصل دوم بخش یکم مربوط به سیستم قانونی حمایت از تکنولوژی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (مانند حق اختراع، علائم تجاری، طرحها و مدل‌های صنعتی، اسرار تجاری و دانش فنی) در این بخش تعریف نخواهد شد.

### مبحث اول- قلمرو سرزمینی (territory):

قلمرو سرزمینی عبارت از یک محدوده جغرافیایی است مانند یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها یا یک منطقه، که لیسانس دهنده حق بهره‌برداری از موضوع قرارداد لیسانس را در آن محدوده جغرافیایی به لیسانس گیرنده واگذار می‌کند.

### مبحث دوم- انحصار (Exclusivity):

۱. محمدرضا باطنی، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۴۹۴.
۲. محمدرضا پارسایار، فرهنگ معاصر فرانسه به فارسی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۱۷.
۳. بهمن آقائی، فرهنگ حقوقی بهمین، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷۹۵.

4 . contract law

انحصار و انواع آن از این جهت که با حقوق رقابت‌های تجاری و حقوق ضد انحصار در ارتباط قرار می‌گیرد بحثی در قرارداد لایسانس است. قرارداد لایسانس را از این جهت که لایسانس دهنده متعهد می‌شود هیچ قرارداد لایسانس دیگری در مورد تکنولوژی موضوع قرارداد لایسانس اول با اشخاص ثالث در قلمرو سرزمینی لایسانس گیرنده منعقد نسازد و خود او نیز از تکنولوژی موضوع قرارداد لایسانس اصلی در محدوده جغرافیایی آن استفاده نکند انحصاری می‌نامند در صورتی که لایسانس دهنده حق خود را برای بهره‌برداری از موضوع قرارداد حفظ کند ولی تعهد او به عدم انعقاد قرارداد لایسانس با اشخاص ثالث در مورد تکنولوژی موضوع قرارداد لایسانس اصلی پا برجا باشد قرارداد لایسانس مزبور را منفرد می‌نامند.<sup>1</sup>

### مبحث سوم- حق الامتیاز (royalty):

روایلتی عبارت از مبالغ قراردادی ای است که در قرارداد لایسانس در قبال انتقال حق بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد بر اساس درصدی ا نوح تولید یا فروش یا سود حاصل از فروش یا... محاسبه شده و توسط لایسانس گیرنده به لایسانس دهنده پرداخت می‌شود. قرارداد لایسانس قراردادی است که به واسطه آن دارنده تکنولوژی حق بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری مرتبط با آن (اعم از حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی، کپی رایت، دانش فنی و یا تجاری و یا مدیریتی مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد) را بعضاً یا جمعاً، به نحو منفرد یا انحصاری یا غیر انحصاری، به شخص دیگری که متقاضی بهره‌برداری از آن حقوق در زمینه تولید و/یا توزیع و/یا فروش محصول و/یا تحقیق و توسعه تکنولوژی موضوع قرارداد و... است، در مقابل دریافت مبالغ قراردادی معین، انتقال (و یا به اجاره) می‌دهد.

### فصل دوم: انواع قراردادهای لایسانس و کاربرد آن

#### گفتار اول: اقسام قرارداد لایسانس

قرارداد لایسانس را میتوان به سه اعتبار دسته‌بندی کرد که در ادامه به توضیح آنها می‌پردازیم:

#### مبحث اول- اقسام قرارداد لایسانس به اعتبار نوع موضوع آن:

همانگونه که توضیح داده شد، نویسندگان حقوقی موضوع قرارداد لایسانس را طیف در برگیرنده اموال و مالکیت‌های فکری معرفی می‌کنند. قرارداد لایسانس بر اساس نوع موضوع آن به سه دسته تقسیم می‌شود قرارداد لایسانس خالص، قرارداد لایسانس دورگه قرارداد لایسانس مختلط. قرارداد لایسانس خالص قراردادی است که موضوع آن تنها حق اختراع ثبت شده میباشد دارنده تکنولوژی‌ای که به صورت حق اختراع آن را به ثبت رسانده است به وسیله این نوع لایسانس حق بهره‌برداری از اختراع ثبت شده خود را در قبال مبالغ قراردادی معینی به دیگری منتقل میکند این از قرارداد لایسانس در واقع مکانیسمی برای انتقال تکنولوژی از مخترع به یک بنگاه تولیدی پیشرفته با ظرفیت‌های تحقیق و توسعه بالا به حساب می‌آید. همانطور که قبلاً بیان کردیم بهره‌برداری از یک تکنولوژی تنها با اکتفا به اطلاعات علمی و توصیفات پایه ای ارائه شده در سند ثبتی اختراع مرتبط با آن تکنولوژی امکان پذیر نیست، مگر اینکه گیرنده تکنولوژی خود دارای ظرفیت‌های تخصصی و تحقیق و توسعه مطلوب باشد تا با تکیه بر این تواناییها بتواند محصول تکنولوژی مربوطه را به سطح تولید و سوددهی اقتصادی برساند بنابراین قراردادهای لایسانس خالص دارای چند مشخصه بارز خواهند بود: (۱) اغلب بین مخترع و موسسات تحقیق و توسعه یا بنگاه‌های تولید محصولات تکنولوژیک

<sup>1</sup> . sole Licensing

پیشرفته که دارای توانایی علمی و تحقیقی بالا هستند منعقد می‌شوند. ۲- تکنولوژی موضوع این نوع از قراردادهای لیسانس معمولاً تکنولوژی‌های نو هستند که مراحل تحقیقات پایه و توسعه‌ای خود را گذرانده‌اند و هنوز وارد مرحله مهندسی ساخت و تولید و در نهایت بازاریابی و فروش نشده‌اند. قرارداد لیسانس دورگه یا هابرید قراردادی است که علاوه بر اعطای حق بهره‌برداری از اختراع ثبت شده، دارنده تکنولوژی اقدام به انتقال دانش فنی مرتبط با بهره‌برداری از تکنولوژی مزبور نیز به گیرنده میکند. در قراردادهای لیسانس مختلط علاوه بر حق اختراع و دانش فنی، لیسانس دهنده حق بهره‌برداری از علامت تجاری خود را با هدف استفاده لیسانس گیرنده در شناساندن محصول تکنولوژی خود انتقال می‌دهد. اکثر قریب به اتفاق قراردادهای لیسانس که بین کشورهای توسعه یافته و صاحب تکنولوژی‌های پیشرفته و کشورهای در حال توسعه منعقد می‌شود از نوع دورگه و یا مختلط می‌باشد. علت آن نیز واضح است و آن اینکه بنگاه‌های تولیدی نیازمند تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه اغلب توانایی تخصصی لازم را بر بهره‌برداري مطلوب از تکنولوژی موضوع قرارداد ندارند و به همین دلیل نیاز به دانش فنی و مشاوره و آموزش نیروی انسانی خود توسط لیسانس دهنده دارند. البته لیسانس دهندگان تکنولوژی نیز برای تسخیر بازارهای کشورهای گیرنده تکنولوژی، ایجاد تمرکز تجاری در بازارهای مصرف و حفظ جایگاه رقابتی خود در مقایسه با رقبای تجاری هم‌رده نیازمند انتقال علائم و برندهای تجاری خود به تولید و توزیع کنندگان کشورهای در حال توسعه هستند.

### مبحث دوم- به اعتبار قیود بهره‌برداری از موضوع آن

قرارداد لیسانس به اعتبار قیود بهره‌برداری از آن به سه دسته تقسیم می‌شود: قرارداد لیسانس انحصاری، قرارداد لیسانس منفرد قرارداد لیسانس غیر انحصاری<sup>۱</sup> هرگاه لیسانس دهنده در قرارداد لیسانس متعهد شود که در قلمرو سرزمینی قرارداد اقدام به بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد نکند و هیچ‌گونه قرارداد لیسانسی در قلمرو موضوعی و سرزمینی قرارداد لیسانس اول با دیگری منعقد ننماید چنین لیسانسی را انحصاری می‌نامند. در واقع در چنین قراردادی لیسانس دهنده حق بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس را، در قلمرو موضوع قرارداد انحصاراً به لیسانس گیرنده واگذار می‌کند و در مقابل لیسانس گیرنده نیز متعهد می‌شود که خارج از قلمرو سرزمینی و موضوعی قرارداد اقدام به بهره‌برداری از موضوع قرارداد نکند. حال اگر لیسانس دهنده حق بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد را برای خود محفوظ نگاه دارد ولی متعهد به عدم اعطای لیسانس به دیگری در محدوده موضوعی قرارداد باشد قرارداد لیسانس مزبور را منفرد می‌گویند و در صورتی که در قرارداد هیچ‌گونه انحصاری برای لیسانس گیرنده پیش بینی شده باشد و لیسانس دهنده حق بهره‌برداری شخصی و یا انتقال حق بهره‌برداری تکنولوژی مزبور را به دیگری برای خود حفظ کرده باشد آنگاه قرارداد لیسانس مزبور غیر انحصاری خواهد بود. ذکر این نکته ضروری است که برخی از مفاد و شروط مربوط به ایجاد انحصار در قرارداد لیسانس موضوع قواعد امری و محدود کننده مربوط به حقوق ضد انحصار و رقابت‌های تجاری می‌شوند که در فصل سوم همین بخش به آنها خواهیم پرداخت.

### مبحث سوم- به اعتبار ارتباط موضوع آن با نظم عمومی

بهره‌برداری از تکنولوژی به عنوان موضوع قرارداد لیسانس گاه با نظم عمومی<sup>۲</sup> و منافع ملی در ارتباط قرار می‌گیرد. بدین معنی که ممکن است دولت برای نیل به اهداف اقتصادی راهبردی و یا تأمین

۱. نصیرزاده، غلامرضا و قاسم‌زاده حسن، مجموعه مقالات تکنولوژی و توسعه در سطح ملی و بنگاه‌های اقتصادی، انتشارات

سازمان مدیریت صنعتی، تهران، بهار ۱۳۷۴.

۲. public order

بهداشت و سلامت عمومی و یا ارتقاء توان تدافعی و نظامی در جهت تامین امنیت ملی و... نیاز به استفاده از برخی تکنولوژی‌های موجود و یا نو ظهور داشته باشد، و برای این کار از طریق اعمال حاکمیت روش‌های مختلف تکنولوژی‌های مزبور را در اختیار بگیرد. در برخی سیستم‌های حقوقی مانند فرانسه و انگلیس، قوانین و مقررات خاصی راجع به اختراعات و نوع آوری‌هایی که بهره برداری از آنها می‌تواند با منافع عمومی در ارتباط قرار بگیرد، وجود دارد. به عنوان مثال، در حقوق انگلیس قبل از اینکه اختراعات به ثبت برسند، کلیه‌ی درخواست‌های مربوط به ثبت اختراعات توسعه وزارت دفاع مورد بررسی قرار می‌گیرند تا در صورتی که قابلیت استفاده از زمینه‌های نظامی و دفاعی را داشته باشند، از ثبت آنها جلوگیری شده و بصورت سری حفظ شوند. در حقوق فرانسه مقررات خاصی وضع شده است که براساس آن دولت به روش‌های مختلف می‌تواند صاحب حق اختراع را مجبور به انتقال یا واگذاری لیسانس به شخص ثالث معین بکند به طوری که اینگونه اقدامات دولتی را می‌توان سه دسته عمده تقسیم کرد:

الف) سلب مالکیت از صاحب حق اختراع: در مواردی که حق اختراع ثبت شده با امور مربوط به امنیت و دفاع ملی در ارتباط قرار می‌گیرد، قانون به ارگان مربوطه این اجازه را می‌دهد که از صاحب حق اختراع مزبور سلب مالکیت نماید. در صورتی که برای جبران خسارت صاحب حق اختراع مزبور این ارگان دولتی مربوطه توافقی حاصل نشود، دادگاه مبلغ خسارت را تعیین خواهد کرد.

ب) لیسانس اجباری با منشاء قضایی: این نوع از قراردادهای لیسانس، از یک طرف برای جلوگیری از عدم بهره برداری از حق اختراع ثبت شده و از طرف دیگر برای اجبار صاحب یک حق اختراع به اعطای لیسانس به دارنده حق اختراع تکمیلی می‌باشد. در حقوق مربوط به حق اختراعات، صاحب حق اختراع ثبت شده ملزم به بهره‌برداری از آن می‌باشد. در حقوق فرانسه، در صورتیکه صاحب حق اختراع ظرف مهلت قانونی اقدام به بهره‌برداری از آن نکند دادگاه صالح می‌تواند او را مجبور به اعطای لیسانس حق اختراع مزبور به شخص متقاضی نماید اما در مورد لیسانس اجباری نوع دوم در حقوق فرانسه باید گفت که نوعی از اختراعات وجود دارند که ممکن است مکمل و یا اصلاح کننده اختراعی دیگر هستند در صورتی که خود اختراع پایه‌ای مزبور به ثبت رسیده باشد اصطلاحات مربوط به آن را میتوان به صورت تکمیلی به ثبت رساند حال دارنده حق اختراع تکمیلی ثبت شده می‌تواند از طریق مراجعه به دادگاه صالح، دارنده حق اختراع پایه را مجبور به اعطای لیسانس آن اختراع پایه به خود کند.

### **گفتار دوم: کاربردهای قرارداد لیسانس**

انتخاب روش و مکانیسم انتقال تکنولوژی توسط یک بنگاه تجاری براساس استراتژی توسعه تکنولوژی آن بنگاه انجام گیرد.

#### **مبحث اول- بهره‌برداری از تکنولوژی:**

همانطور که گفته شد قرارداد لیسانس وسیله‌ای برای انتقال تکنولوژی است. بنابراین صاحب تکنولوژی می‌تواند با توجه به برنامه‌های راهبردی توسعه تکنولوژی در بنگاه خود، به وسیله قرارداد لیسانس، اقدام به اعطای حق بهره‌برداری از تکنولوژی به یک بنگاه دیگر در مقابل دریافت مبالغ قراردادی معین نموده و بدین طریق از تکنولوژی مزبور حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

#### **مبحث دوم- ارتقاء تکنولوژی:**

در بسیاری از قراردادهای لیسانس شروطی راجع به مبادله اطلاعات و دانش فنی ارتقاء یافته و مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد گنجانده می‌شود. بدین ترتیب طرفین قرارداد می‌توانند بدون سرمایه گذاری هنگفت و با به حداقل رساندن ریسک ناشی از ورود به پروژه‌های تحقیق و توسعه، صاحب

تکنولوژی پیشرفته یا جدید شوند. این مساله به خصوص در مورد لیسانس‌گیرنده صدق می‌کند. چرا که بنگاه‌های صنعتی متعلق به کشورهای در حال توسعه در اغلب موارد به دلیل فقدان نیروی متخصص و خلاق و عدم کفایت سرمایه‌های مربوط به بخش تحقیق و توسعه با پدیده فرسودگی تکنولوژی مواجه هستند و همین امر مانع از ورود آنها به بازارهای جهانی و کاهش قدرت رقابت‌پذیری آنها می‌شود. وانگهی سپری کردن روند تحقیق و توسعه برای دستیابی به تکنولوژی‌های جدید اولاً همیشه به نتیجه نمی‌رسد و بنگاه‌های واقع در کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند در اینگونه پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری کنند و ثانیاً حتی اگر احتمال زیادی برای نتیجه دهی این پروژه‌ها وجود داشته باشد، مدت زمان به نتیجه رسیدن آنها بسیار طولانی است و گاه به همین دلیل توجیه اقتصادی خود را در دنیای رقابتی امروز از دست می‌دهند. بنابراین یکی از راه‌ها و شاید تنها راه این بنگاه‌ها استفاده از تکنولوژی‌های موجود در بنگاه‌های تکنولوژیک دیگر است که از طریق مکانیزم انتقال تکنولوژی انجام می‌گیرد.

از آنجا که یکی از دغدغه‌های بنگاه‌های گیرنده تکنولوژی، به حداقل رساندن دخالت و نفوذ صاحبان تکنولوژی در بنگاه خود می‌باشد، قرارداد لیسانس را به عنوان روش انتقال تکنولوژی انتخاب می‌کنند، چرا که قرارداد لیسانس در مقایسه با دیگر قراردادهای انتقال تکنولوژی، کمترین درصد دخالت و نفوذ را در بنگاه‌های گیرنده تکنولوژی ایجاد می‌کند. بدین ترتیب قرارداد لیسانس یکی از بهترین و امنترین روش‌های انتقال تکنولوژی با کمترین درصد نفوذپذیری در بنگاه انتقال‌گیرنده می‌باشد. همین خصالت موجب افزایش ریسک قرارداد لیسانس برای انتقال دهنده تکنولوژی می‌شود. بدین دلیل که کنترل صاحب آنرا بر نحوه بهره‌برداری و استفاده از تکنولوژی و بخصوص در حفظ محرمانه و جلوگیری از بهره‌برداری غیر قانونی از آن کاهش می‌دهد.

### مبحث سوم- بازاریابی:

امروزه بنگاه‌های صاحب تکنولوژی رغبت چندانی به صادرات محصول تکنولوژی ندارند. این امر می‌تواند به چند دلیل باشد. یکم اینکه معمولاً شناخت دارندگان تکنولوژی از بازارهای دور دست و مستعد بهره‌برداری بسیار اندک می‌باشد و شاید شناسایی نیازها و گرایش‌های این بازارها برای این بنگاه‌ها غیر ممکن باشد. دوم اینکه ممکن است بنگاه‌های صاحب تکنولوژی منابع لازم را نیز برای سرمایه‌گذاری مستقیم و تولید کالای تکنولوژیک در بازارهای مقصد، در اختیار نداشته باشند. سوم اینکه قوانین ناقص و دست و پاگیر و عدم ثبات اقتصادی موجود در بازارهای مقصد ریسک سرمایه-گذاری مستقیم توسط این بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد. چهارم اینکه تطبیق محصول تکنولوژی با مقررات مربوط به استاندارد و کیفیت محصول و همچنین بومی کردن تکنولوژی و محصول آن در بازارهای مقصد معمولاً مستلزم ایجاد تغییرات فیزیکی در طراحی و کیفیت محصول تکنولوژی است و این کار در بنگاه‌های موجود در بازارهای مقصد بدلیل آشنائی دقیق‌تر با گرایش‌های بازار مربوطه و ظرفیت انطباق‌پذیری بالاتر با مقررات محلی، به نحو واقعی‌تری انجام می‌گیرد. پنجم اینکه نهایتاً شاید بنگاه صاحب تکنولوژی توان انجام مراحل مهندسی ساخت و تولید و بازاریابی و فروش را نداشته باشد. این دلایل باعث این می‌شود که صاحبان تکنولوژی، انتقال تکنولوژی از طریق لیسانس را برای بهره-برداری از تکنولوژی خود و تسخیر بازارهای جهانی انتخاب کنند.

### فصل سوم: ماهیت قرارداد لیسانس

مدخل: اصولاً چرا باید از ماهیت یک قرارداد بحث کرد؟ استخراج ماهیت یک قرارداد از مهمترین و در عین حال مشکل‌ترین بخش‌های علم حقوق است. منظور از ماهیت یک قرارداد تأثیر مستقیم و

بلاواسطه آن در عالم روابط حقوقی است که به کمک تأسیسات و نهادهای حقوقی بیان و توصیف می‌شود. مثلاً وقتی ماهیت عقد بیع را انتقال مالکیت اعیان معرفی می‌کنند، یعنی اینکه اثر مستقیم و نتیجه بلاواسطه این قرارداد خروج عین موضوع قرارداد از مالکیت بایع و ورود آن به دایره مالکیت مشتری است و این اثر مبنائی به وسیله نهاد مالکیت در علم حقوق بیان می‌شود. گاه از این اثر مستقیم و نتایج بلاواسطه آن در متون حقوقی ما به مقتضای ذات تعبیر می‌شود.

منطقاً هیچ شرطی نمی‌تواند آثار ناشی از مقتضای ذات یک قرارداد را منتفی کند یا تغییر دهد، چرا که در این صورت قرارداد مزبور ماهیتاً تغییر می‌کند. به عنوان مثال در هیچ قرارداد بیعی نمی‌توان شرط عدم انتقال مالکیت مبیع را درج کرد، زیرا کار کرد اصلی و مقتضای ذات این عقد همین انتقال مالکیت است و در صورت پذیرش این شرط در واقع ماهیت قرارداد تغییر می‌کند. اما شروطی که مخالف ماهیت عقد نباشند قابل پذیرش خواهند بود. با این توضیح ضرورت بحث از ماهیت قرارداد لیسانس واضح می‌شود و آن اینکه با تعیین ماهیت قرارداد لیسانس می‌توان دایره مشروعیت شروط ضمنی و همچنین آثار آن را تعیین نمود. از طرفی می‌توان تکلیف مسائل ناشی از سکوت قرارداد لیسانس را راجع به برخی از موارد روشن کرد (مقتضای اطلاق).

در حقوق کشورهای رومی - ژرمنی مانند کشور ما وقتی ماهیت یک قرارداد منطبق با یکی از عقود معین تشخیص داده شود، از آنجا که آثار ناشی از مقتضای ذات و به خصوص مقتضای اطلاق این عقود در قانون تعیین شده است، بدلیل دشواری کشف اراده ضمنی غیر مصرح طرفین برای تفسیر قرارداد، به این متون قانونی مراجعه می‌شود. ولی در حقوق کشورهای کامن‌لا در صورت عدم تصریح به اراده در قرارداد و فقدان متن قانونی مرتبط با موضوع، مستقیماً باید در پی کشف اراده ضمنی طرفین و اعمال عرف حاکم بر قرارداد و در نهایت اعمال قواعد انصاف برای تفسیر قرارداد مربوطه بود.

برخی از نویسندگان، در بحث انتقال فناوری خواسته اند با اغماض عین از قراردادهای مختلف در این زمینه، و تنها تحت عنوان "قرارداد انتقال فناوری" بر اساس قوانین ایران، ماهیت قرارداد را تحلیل کنند<sup>۱</sup>. اما در خصوص قرارداد لیسانس، تحلیل ماهیت به مراتب دشوارتر می‌نماید.

## گفتار اول: ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق کشورهای مختلف:

### مبحث اول- ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق فرانسه

قرارداد لیسانس در حقوق فرانسه نوعی قرارداد اجاره اموال منقول تلقی می‌شود. در واقع صاحب حق اختراع ثبت شده به وسیله این قرارداد حق بهره‌برداری از اختراع ثبت شده موضوع قرارداد را به لیسانس‌گیرنده منتقل می‌کند بدون اینکه حق مالکیت خود او بر اختراع مزبور از بین برود. در متون حقوقی مربوط به قرارداد لیسانس در حقوق فرانسه تصریح شده است که قرارداد لیسانس یک حق شخصی را برای لیسانس‌گیرنده نسبت به لیسانس‌دهنده ایجاد می‌کند که بر مبنای آن لیسانس‌دهنده متعهد می‌شود، بهره‌برداری بدون مزاحمتی را برای لیسانس‌گیرنده از اختراع موضوع قرارداد تأمین نماید. قرارداد لیسانس طبق این تحلیل هیچگونه حق عینی‌ای را برای لیسانس‌گیرنده نسبت به عین یا منافع حق اختراع موضوع قرارداد ایجاد نمی‌کند.

البته ذکر این نکته ضروری است که در حقوق فرانسه این نظر که قرارداد لیسانس براساس اصل آزادی اراده تحلیل و یک عقد غیر معین محسوب شود طرفدارانی دارد، ولی رویه قضائی این کشور متمایل به نظر اول می‌باشد و قرارداد لیسانس را نوعی قرارداد اجاره اموال منقول می‌داند.

<sup>۱</sup> حاجی عزیز، بیژن، واگذاری اطلاعات فنی در حقوق ایران و تطبیقی (انتقال تکنولوژی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، به

راهنماییدکتر گودرز افتخار جهرمی دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۰، ص ۳۵-۳۹.

نویسندگان حقوقی در دفاع از جهت‌گیری رویه قضائی اینگونه استدلال می‌کنند که کمبود مقررات قانونی مربوط به قرارداد لیسانس باعث می‌شود که با تحلیل آن براساس عقد اجاره دستکم خلاءهای مزبور از طریق مواد قانون مدنی پر می‌شود.

در حقوق فرانسه قراردادی مشابه با قرارداد لیسانس وجود دارد و آن قرارداد انتقال یا فروش حق اختراع است. این قرارداد قدیمترین قرارداد مربوط به بهره‌برداری تجاری از حق اختراع است. نظر غالب نویسندگان و رویه قضائی فرانسه بر تحلیل ماهیت این قرارداد براساس عقد بیع قرار گرفته است.

### مبحث دوم- ماهیت قرارداد لیسانس در کانادا:

بررسی ماهیت حقوقی قرارداد لیسانس در حقوق کانادا مستلزم جدا کردن ایالت کبک از دیگر ایالت‌های آن است. این تفکیک بدین جهت انجام می‌گیرد که سیستم حقوقی ایالت کبک تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی یا حقوق نوشته می‌باشد در حالیکه ایالات دیگر کانادا تابع نظام حقوقی کامن‌لا هستند.

برخی نویسندگان حقوقی کشور کانادا علت ابهام ماهوی قرارداد لیسانس را بر این اساس می‌دانند که اصولاً لیسانس یک نهاد حقوقی شکل گرفته در حقوق کامن‌لا می‌باشد که به واسطه حقوق قراردادهای نامعین یا بی‌نام تحلیل می‌شود. به هر حال تحلیل ماهیت و تفسیر قرارداد لیسانس در ایالات کامن‌لای کشور کانادا براساس نظریه غیر معین و اصل آزادی قراردادی انجام می‌گیرد. نتیجه اعمال حقوق قراردادهای غیر معین و اصل آزادی قراردادی در باب قرارداد لیسانس به دو صورت متبلور می‌شود: (۱) اینکه برای تفسیر قرارداد لیسانس و تحلیل حقوق و تعهدات طرفین باید پس از استنباط اراده طرفین از مفاد قرارداد به ترتیب به قواعد عمومی تعهدات و قراردادهای و قوانین خاص (در صورت وجود) و سپس عرف حاکم بر موضوع و پس از آن قواعد انصاف مراجعه شود. (۲) از آنجا که مفهوم قراردادهای غیر معین یا بینام این است که عنوان، ماهیت، آثار و قواعد حاکم بر آنها در قانون تحت نامی خاص تعیین نشده است، لذا تلاش می‌شود تا براساس رویه قضائی و استفاده از قوانین مرتبط و دکترین حقوقی مفهوم، ماهیت و آثار یک قرارداد غیر معین تعیین شود. براساس نظر برخی از نویسندگان حقوقی کانادا:

«قرارداد لیسانس، ولو اینکه انحصاری باشد، کلیه حقوق متعلق به صاحب حق اختراع ثبت شده را به لیسانس گیرنده منتقل نمی‌کند. بدین معنی که قرارداد لیسانس حقوقی معادل با آنچه دولت برای صاحب حق اختراع تأمین و تضمین می‌کند، برای لیسانس گیرنده ایجاد نمی‌نماید، بلکه تنها به او اجازه انجام اقداماتی را می‌دهد که در صورت عدم وجود قرارداد لیسانس انجام آنها توسط او ممنوع بود. او فقط نوعی حق بهره‌برداری کسب می‌کند. اما قرارداد لیسانس نوعی واگذاری حق و بیش از صرف انتقال بیشتر منافع حاصل از حق اختراع می‌باشد.

بنابر عقیده حقوقدانان کبک نهاد لیسانس در حقوق کامن‌لا شکل گرفته و از آنجا به حقوق کشورهای رومی - ژرمنی منتقل شده است. در حقوق این ایالت که از سیستم حقوقی کشور فرانسه تبعیت می‌کند، رویکرد دکترین حقوقی در تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس دو تحول عمده به خود دیده است:

(۱) تا سال ۱۹۹۰: تا سال ۱۹۹۰ و بخصوص در دهه‌های هفتاد و هشتاد، رویه قضائی ایالت کبک، تحت تأثیر حقوق فرانسه قرارداد لیسانس را براساس عقد اجاره اشیاء تحلیل می‌کرد. در این دوره، به نظر غالب حقوقدانان کبک، شباهت‌های قرارداد لیسانس به قرارداد اجاره بیشتر از تفاوت‌های آن با این قرارداد است. لذا رویه قضائی متمایل به اعمال قواعد عقد اجاره بر قرارداد لیسانس بود در اینجا نیز علت تحلیل ارائه شده، راه حل‌های مناسبی است که قواعد حاکم بر عقد اجاره برای مسائل و پیچیدگی‌های متعدد قرارداد لیسانس به همراه می‌آورد.

۲) پس از سال ۱۹۹۰: در اواخر دهه ۱۹۸۰، دکترین حقوقی کبک اشکالاتی در باب تحلیل قرارداد لیسانس بر اساس عقد اجاره مطرح کرد. در سال‌های ۱۹۹۰ و بعد رویه قضائی کبک نیز با پذیرش این دسته از استدلال‌ات جدید قرارداد لیسانس را در زمره قراردادهای غیر معین قرار داد. استدلالی که برای رد تحلیل قرارداد لیسانس با مبنای عقد اجاره ارائه شده است سه بخش دارد: یکم اینکه قرارداد اجاره برای مستأجر حقوق انحصاری ایجاد می‌کند، در حالی که قرارداد لیسانس برای لیسانس گیرنده حقوق انحصاری ایجاد نمی‌نماید، دوم اینکه خصیصه شخصی بودن حق ایجاد شده برای لیسانس گیرنده در قرارداد لیسانس به اندازه حق شخصی‌ای که در قرارداد اجاره برای مستأجر به وجود می‌آید پررنگ نیست، و سوم اینکه اجرای تعهد مستأجر بر عودت دادن موضوع قرارداد اجاره به موجد در همان وضعیت قبلی، در قرارداد لیسانس غیر ممکن به نظر می‌رسد. در باب این سه بخش از استدلال فوق در ادامه بحث خواهیم کرد.

### **گفتار دوم: ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق ایران**

بررسی قرارداد لیسانس در حقوق ایران مانند مطالعه هر موضوع جدید و نویی دشواری زیادی دارد. علت این امر نیز واضح است. علم حقوق کافی و معتابه رنج می‌برد. همواره فضای حقوقی در کشور ما برای حل مشکلات ناشی از ورود به دنیای مدرن، منفعلانه عمل کرده و ناگزیر به چارچوب‌ها و راه حل‌های غیر بومی متوسل شده است. در خصوص قراردادهای انتقال تکنولوژی و بالاخص قرارداد لیسانس، دکترین حقوقی از غنای کافی برخوردار نیست و به نظر می‌رسد که رویه قضائی نیز تا به حال در باب آن جهت‌گیری خاصی نداشته است و شاید این بدلیل کمبود رویه قضائی مدون، نه در این زمینه خاص بلکه در کلیه مسائل حقوقی، می‌باشد.

### **مبحث اول- توجیه بر اساس یکی از عقود:**

این قسمت را به طرح یک سوال شروع می‌کنیم: آیا ماهیت قرارداد لیسانس با ماهیت یکی از عقود معین در حقوق کشور ما قابل انطباق است؟ در پاسخ به سوال فوق، ما قصد بررسی تک تک عقود معین و ظرفیت انطباق‌پذیری ماهوی آنها را با قرارداد لیسانس نداریم. بلکه عقود که احتمال این انطباق در آنها بیشتر می‌رود را، با توجه به شناختی که تا به حال از قرارداد لیسانس ارائه داده‌ایم و بررسی‌های اندک دکترین حقوقی سابق، مورد بررسی قرار می‌دهیم. این عقود عبارتند از عقد بیع، عقد اجاره اشیاء و عقد اجاره اشخاص.

### **الف- به عنوان عقد بیع**

آیا قرارداد لیسانس را می‌توان بر اساس حقوق ایران نوعی عقد بیع دانست؟ در پاسخ ابتدا مفهوم تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس را بر اساس عقد بیع باید تبیین کرد. اگر قرارداد لیسانس را ماهیتاً بیع بدانیم به معنی انتقال مالکیت حق اختراع ثبت شده، توسط مالک آن به شخصی دیگر می‌باشد (یعنی همان قرارداد انتقال حق اختراع در حقوق فرانسه). در واقع به واسطه قرارداد لیسانس، لیسانس گیرنده مالک حق اختراع موضوع قرارداد می‌شود. در قراردادهای لیسانس انحصاری شباهت زیادی با قرارداد بیع به نظر می‌رسد. علت آن نیز این است که لیسانس دهنده در این قراردادها متعهد می‌شود که اولاً هیچگونه لیسانسی در محدوده موضوعی قرارداد لیسانس اول به اشخاص ثالث واگذار نکند، و ثانیاً خود او نیز از حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس در محدوده موضوعی آن بهره‌برداری نکند. به نظر می‌رسد نه تنها امکان تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق کشور ما بر اساس عقد بیع وجود ندارد، بلکه برخلاف حقوق کشور فرانسه، پذیرش نوع قرارداد انتقال حق اختراع نیز در حقوق کشور ما امکان‌پذیر نیست. بر این ادعا می‌توان چند دلیل آورد.

دلیل یکم: براساس تصریح ماده ۳۳۸ قانون مدنی ایران «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». بنابراین تعریف ظاهراً موضوع قرارداد بیع باید جزء اعیان خارجی باشد. بدین معنی که تنها اموال ملموس خارجی می‌توانند موضوع قرارداد بیع قرار بگیرد. حال آنکه در قرارداد لیسانس و انتقال حق اختراع، موضوع قرارداد یک مال غیر ملموس است. از طرفی اگر موضوع قرارداد لیسانس را انتقال حق ناشی از اختراع ثبت شده بدانیم، آنگاه نیز نمی‌توانیم ماهیت این قرارداد را بیع بدانیم. چرا که ظاهر لفاظ «عین» در ماده ۳۳۸ قانون مدنی، انتقال حق را نیز از تعریف بیع خارج می‌کند. دسته‌ای از حقوقدانان برجسته کشور تعریف ماده ۳۳۸ قانون مدنی از بیع را، از این جهت که تنها شامل اعیان خارجی می‌شود، مورد انتقاد قرار داده‌اند، بدین مضمون که «امروز حقوق مالی گوناگونی پا به عرصه داد و ستد نهاده که پایه مادی خارجی ندارد، لیکن دارای ارزش فراوان است و باید حقوق این نهادهای نوپا را به سازمان‌های پاگرفته و سنتی پیوند زند و در اداره آنها از قواعد کهن یاری بگیرد»<sup>۱</sup>.

باید نظر همین نویسندگان را در جایی دیگر در باب تقسیم حقوق مالی به عینی و دینی مورد توجه قرار داد: «تحولات زندگی کنونی حقوقی به وجود آورده است که ماهیت آن با هیچ یک قابل انطباق نیست. برای مثال حقی که مولف بر نوشته‌های خود دارد هر چند از حقوق عینی و دینی قابل انطباق نیست. برای مثال حقی که مولف بر نوشته‌های خود دارد هر چند که در برابر همه قابل استناد است، و از لحاظ انحصاری بودن با مالکیت شباهت تام دارد، برخلاف سایر حقوق عینی موضوع آن شیء نیست و ناظر به ابداع فکر نویسنده است. امروز حقوق معنوی به اندازه‌ای اهمیت پیدا کرده است که دیگر نمی‌توان تقسیم حق به عینی و دینی را کامل شمرد. طبیعت این حقوق ایجاب می‌کند که گروه خاصی به شمار آید و حق مالی به سه دسته عینی و دینی و معنوی تقسیم شود»<sup>۲</sup>. در جایی دیگر نیز می‌خوانیم: «در قدیم حقوق مالی را به عینی و دینی تقسیم می‌کردند. لیکن امروز این تقسیم نمی‌تواند جمیع حقوق مالی را که برای افراد شناخته شده است در برگیرد. از این رو در حقوق جدید نوع دیگری را به آن افزوده‌اند که عبارت از حقوق فکری یا معنوی است»<sup>۳</sup>.

حال اگر قائل به وجود دسته سوم از حقوق مالی هستیم، در واقع نوع جدیدی از مالکیت را پذیرفته‌ایم، و دیگر نمی‌توانیم انتقال آنها را تحت شمول قرارداد بیع قرار دهیم. البته می‌توان دایره شمول قرارداد بیع را به انتقال حقوق معنوی نیز گسترش داد، ولی این لزوماً راه حل مشکل ناشی از ابهام ماهوی قراردادهای مربوط به انتقال حقوق فکری مثل حق اختراع نخواهد بود. زیرا این دسته از حقوق خصوصیات و آثاری متفاوت از حقوق عینی دارند و به همین دلیل انتقال آنها نیز آثار و احکام خاص خود را به همراه خواهد آورد (استدلال بعدی برپایه اختلاف ماهیت و آثار حقوق معنوی با دیگر حقوق استوار است)، حال چه نام این انتقال را بیع بگذاریم، چه نام جدیدی مانند لیسانس برای آن برگزینیم. به عبارت دیگر احکام و آثاری که قانون مدنی برای عقد بیع بر شمرده است، منطبق بر انتقال مالکیت به معنی انتقال حق عینی است، و اگر ما در تعریف قرارداد بیع، قید عینیت موضوع قرارداد را حذف کنیم، لزوماً نمی‌توانیم کلیه آثار عقد بیع را بر قراردادهای انتقال حقوق فکری بار کنیم. راه خروج از ابهام ماهوی و مفهومی موجود در قراردادهای انتقال حقوق فکری، شناسایی ماهیت، آثار و احکام حقوق فکری به عنوان دسته سوم حقوق مالی می‌باشد.

دلیل دوم: این استدلال در رد تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس و انتقال حق اختراع براساس عقد بیع، به نوعی به پذیرش دسته سوم از حقوق مالی به نام حقوق فکری (معنوی) باز می‌گردد. طبق تعریف

۱. ناصر، کاتوزیان، دوره عقود معین (۱): معاملات معوض، عقود تملیکی، ص ۳۰۵.

۲. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: اموال و مالکیت، ص ۲۳

۳. سید حسین صفائی، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و خانواده - اموال، جلد ۱، تهران ۱۳۵۰، ص ۱۹۹.

ماده ۳۳۸ قانون مدنی، بیع یک عقد تملیکی است. بدین معنی که به مجرد انعقاد بیع مالکیت مبیع به مشتری و مالکیت ثمن به بایع منتقل می‌شود. این فعل و انفعال مستلزم وجود دو پیش شرط در عوضین و طرفین می‌باشد: یکم اینکه، قبل از انعقاد قرارداد، مالکیت بایع نسبت به مبیع (و مالکیت مشتری نسبت به ثمن) به صورت یک حق عینی تام و کامل مسجل باشد، و دوم اینکه موضوع قرارداد قابلیت انفکاک مطلق از تصرف مالکانه بایع و انتقال به تصرف مالکانه مشتری را داشته باشد،<sup>۱</sup> به عبارت دیگر عملیات تسلیم یا قبض و اقباض مبیع و ثمن انجام گیرد، و وقتی پس از انعقاد قرارداد، مبیع به تصرف مشتری در می‌آید، به نحو کامل و مطلق قابلیت خروج از تصرف بایع را داشته باشد.

دلیل سوم: اختراع یا به تعبیر کلیتر هر اثر فکری، نوعی خلاقیت و ابتکار ذهنی است، و به خاطر خصیصه فکری و خلاقانه آن، قابل انفکاک از صاحب خود نمی‌باشد. حال آنکه انتقال مالکیت، مال را از ملکیت مالک اولیه منفک و به ملکیت انتقال گیرنده منتقل می‌کند. بیع یا هر عمل حقوقی‌ای که موجب انتقال ملک شود، در برگیرنده انفکاک مالک قبلی از ملک می‌باشد، حال آنکه بنابر تعبیر فوق اثر فکری و خلاقانه عقلاً از صاحب اثر قابل انفکاک نیست و لذا نمی‌تواند موضوع اعمال حقوقی انتقال دهنده مالکیت از جمله بیع قرار گیرد. البته این استدلال تا حدی خدشه پذیر است. شاید بتوان در رد ای استدلال گفت که در قرارداد انتقال حق اختراع یا قرارداد لیسانس جنبه مادی و مالی اثر فکری، یعنی همان حق بهره‌برداری اقتصادی و تجاری از آن منتقل می‌شود و نه رابطه معنوی و فکری بین اثر و صاحب آن. با پذیرش این استدلال، باید قرارداد لیسانس را نوعی قرارداد اجاره تلقی کرد، زیرا طبق این استدلال به نوعی تنها حق بهره‌برداری از اختراع ثبت شده در محدوده استفاده‌های اقتصادی و تجاری قابل انتقال است و نه کلیه حقوق ناشی از آن.

در توضیح بیشتر بیان اختلاف ماهیت مالکیت اعیان و مالکیت حقوق فکری ضروری است. نویسندگان حقوقی در توضیح مفهوم حقوق عینی (که فرد اجلای آن حق مالکیت است) دو رکن را برمی‌شمرند:<sup>۲</sup> شخصی که صاحب حق است و عینی که موضوع حق قرار می‌گیرد. با این توصیف دو رکن حق عینی در دو ظرف وجودی جداگانه و مجزا از یکدیگر مستقر می‌باشند. لذا انفکاک این دو رکن از یکدیگر در عالم خارج ممکن است و قرارداد بیع یکی از اعمال حقوقی‌ای است که رابطه مالکیت بین شخص بایع و مبیع را از بین می‌برد و با انتقال این حق عینی به مشتری، رابطه مالکیت را بین یک شخص جدید و مبیع برقرار می‌سازد. در حقوق فکری به دلیل عدم صدق این توصیف و عدم امکان انفکاک شخص مالک و موضوع حق، انجام اعمال حقوقی‌ای که نتیجه آنها انفکاک مال از مالک فعلی و انتقال حق مالکیت به دیگری است، بنابر مقتضای ذات اینگونه از حقوق مالی امکان‌پذیر نیست. این استدلال با شبیه سازی توصیف مربوط به حقوق عینی در باب حقوق فکری بیشتر روشن می‌شود. در حقوق فکری دو رکن وجود دارد: شخص صاحب حق، و اثر خلاقانه و ابتکاری. در این توصیف انفکاک شخص صاحب حق از اثر خلاقانه ممکن نیست. زیرا هر دو در یک ظرف وجودی مستقر و غیر قابل انفکاک هستند.

شاید ریشه خلط ماهیت قراردادهای مربوط به حقوق فکری و به خصوص حق اختراع با قرارداد بیع را بتوان در دو مطلب خلاصه کرد: یکم اینکه وقتی دولت تصدیقانه مربوط به ثبت اختراع را به صاحب اختراع می‌دهد، این حق به نوعی بروز عینی و بیرونی پیدا می‌کند و شائبه امکان خرید و فروش آن برای افراد به ذهن متبادر می‌شود. دوم اینکه موضوع این حقوق در دنیای صنعت و تجارت پیشرفته کنونی، قابلیت بهره‌برداری‌های متنوع و روز افزون اقتصادی پیدا کرده و از این جهت آن را شبیه به اموال عینی خارجی می‌سازد.

<sup>۱</sup> شیخ انصاری، کتاب المکاسب، قم، ۱۴۲۲ ه. ق، ص ۳۰۹ به بعد.

<sup>۲</sup> ناصر کاتوزیان، حق مدنی: اموال و مالکیت، ص ۱۶.

## ب- قرارداد لیسانس به عنوان عقد اجاره مال منقول:

همانطور که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد، قرارداد لیسانس با انطباق بر عقد اجاره اشیاء به معنی انتقال حق بهره‌برداری از حق اختراع ثبت شده می‌باشد. دیدیم که در حقوق فرانسه، ماهیت قرارداد لیسانس را منطبق با اجاره اشیاء تلقی کردند و به موازات آن قرارداد انتقال حق اختراع را نوعی قرارداد بیع. اما آیا می‌توان بین انتقال حق بهره‌برداری از حق اختراع ثبت شده<sup>۱</sup> و انتقال خود حق اختراع ثبت شده<sup>۲</sup> تفاوت قائل شد؟ پاسخ به این سوال بخشی از تحلیل‌های این قسمت را تشکیل خواهد داد.

پاسخ ما به این سوال که آیا قرارداد لیسانس در حقوق ایران، ماهیتاً، نوعی قرارداد اجاره اشیاء به شمار می‌آید یا خیر، منفی است. برای این پاسخ چند دلیل می‌توان آورد که شالوده آنها بر پایه همان استدلالات قسمت استوار است.

دلیل یکم: قانون مدنی قرارداد اجاره را در ماده ۴۶۶ خود اینگونه معرفی می‌کند: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود...» نکته اولی که از صراحت این ماده برداشت می‌شود این است که (۱) قرارداد اجاره عقدی تملیکی است و به واسطه آن منفعت یک عین به مستأجر تملیک می‌شود. در توضیح بیشتر باید گفت که مالکیت منافع نیز نوعی حق عینی است و این حق از طریق عقد اجاره به دیگری منتقل می‌شود. (۲) مورد اجاره باید از اعیان خارجی باشد، چرا که در متن ماده از لفظ عین مستأجره استفاده شده است. با دقت در قرارداد لیسانس و با توصیفی که از آن در بالا ارائه دادیم، به نظر می‌رسد که قرارداد لیسانس را در حقوق ایران، نمی‌توان براساس عقد اجاره توصیف کرد، چرا که ملموس و فکری می‌باشد. ذکر این نکته قابل توجه است که امروزه اجاره اموال غیر مادی در بسیاری از سیستم‌های حقوقی پیشرفته دنیا پذیرفته شده است. از جمله آنها می‌توان به حقوق ایالت کبک کانادا اشاره کرد.

برخی اساتید برجسته حقوق در باب اجاره اموال غیر مادی سخن به میان آورده و معتقدند: «اگر معنی تملیک منفعت انتقال حق مالکیت بر منافع باشد، آنچه در اجاره واگذار می‌شود با حقی که شخص بر حاصل کار و ابداع خود دارد نزدیک می‌شود و می‌توان گفت مالک ادبی و هنری و صنعتی نیز می‌تواند حق خود را به اجاره واگذار کند. یعنی با حفظ مالکیت خود انتفاع از آن را برای مدت معین و در برابر عوض به دیگران بدهد... تنها مانع مهم عادت و رسم و سنت است که مالکیت را به عین مادی اختصاص می‌دهد و اجاره را به انتفاع منافع آن عین. وگرنه اگر پرده این پندار دریده شود، می‌بینیم که هیچ تفاوتی میان انتقال حق مالکیت منافع اعیان و انتقال حق مالکیت منافع آثار ادبی و هنری و صنعتی نیست...»

به نظر می‌رسد براساس نظر این دسته از نویسندگان، و با توجه به تعریفی که از قرارداد لیسانس در قسمت مربوط به تعاریف ارائه شد، در صورت حذف قید عینیت موضوع قرارداد اجاره از ماده ۴۶۶ قانون مدنی یا ارائه تفسیری موسع و در برگیرنده اموال غیر مادی برای این تعریف، ماهیت و مفهوم قرارداد لیسانس به عقد اجاره نزدیکی و شباهت بسیاری پیدا می‌کند.

دلیل دوم: نکته دیگری که از ماده ۴۶۶ قانون مدنی در باب تعریف قرارداد اجاره استنباط می‌شود تملیکی بودن قرارداد اجاره است. بهتر است در همین جا اشاره کنیم که در باب ماهیت و نوع قرارداد اجاره بین حقوق کشور ما و کشور فرانسه تفاوت وجود دارد. این تفاوت به دلیل چهره دو پهلوئی قرارداد اجاره است، چرا که در تحلیل مقتضای ذات اجاره، دسته‌ای به سمت محوریت دادن به تعهد موجر بر مسلط ساختن مستأجر بر عین مورد اجاره بجهت انتفاع از آن حرکت کرده‌اند، و عده‌ای دیگر

<sup>۱</sup> . Concession de licence de brevet

<sup>۲</sup> . Cession de brevet

به سمت نظریه انتقال مالکیت منافع در اجاره رفته‌اند. همانطور که در قسمت مربوط به تحلیل ماهیت قرارداد ليسانس در حقوق فرانسه بیان شد، اجاره در حقوق این کشور شامل تعهد موجر به تأمین و ایجاد شرایطی بدون مزاحمت برای بهره‌برداری مستأجر از منافع مورد اجاره می‌باشد. در حالی که در حقوق کشور ما به محض انعقاد قرارداد اجاره مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود و همانطور که گفته شد، این نکته در تعریف قانون مدنی از قرارداد اجاره نیز مورد توجه قرار گرفته است. البته تملیکی دانستن عقد اجاره در سنت فقهی ما نیز قابل انکار نیست.<sup>۱</sup>

حال با این فرض که مورد قرارداد اجاره بتواند مال غیر مادی و فکری نیز قرار گیرد، آیا قرارداد ليسانس به مفهوم تملیکی اجاره نزدیکتر است یا به مفهوم عهده‌ی آن؟ به بیان دیگر آیا اجاره اموال غیر مادی عهده‌ی است یا عهده‌ی تملیکی؟

در پاسخ باید گفت که قرارداد ليسانس به مفهوم اجاره اموال غیر مادی، بیشتر عهده‌ی است به نظر می‌رسد تا عهده‌ی تملیکی. این دیدگاه صرف نظر از تعریف قرارداد اجاره در حقوق فرانسه که کلیه قراردادهای اجاره را عهده‌ی می‌داند، و با توجه به موضوع قرارداد ليسانس که اموال فکری می‌باشد، شکل گرفته است. حال سوال این است که اموال فکری چه خصوصیتی دارند که انتقال مالکیت منافع آنها در غالب یک قرارداد تملیکی امکان‌پذیر نیست؟

قبل از ارائه پاسخ باید به یک نکته توجه کرد، و آن اینکه در قسمت پیشین گفتیم که انتقال مالکیت اموال فکری و به خصوص حق اختراع در قالب عقد بیع در حقوق ما پذیرفته نیست، و یکی از دلایل آنرا عدم قابلیت انفکاک اموال فکری از صاحب آن برشمردیم. ولی در خصوص منافع حاصل از اموال فکری وضع بدینگونه نیست. مالکیت منافع اموال فکری فرع بر حق مالکیت خود آنها است و به نظر می‌رسد که در حقوق فکری، تفکیک بین نفس مال فکری و منافع حاصل از آن مانند تفکیک رایج بین عین مال و منافع حاصل از آن در حقوق عینی امکان‌پذیر باشد. حال ببینیم چرا قرارداد ليسانس تنها با جنبه عهده‌ی قرارداد اجاره سازگاری دارد؟

می‌دانیم که طبق تصریح ماده ۴۷۶ قانون مدنی «موجر باید عین مستأجره را تسلیم کند و...». در واقع انعقاد قرارداد اجاره تعهد موجر بر تسلیم عین مستأجره را با خود به همراه می‌آورد. پیش فرض این ماده آن است که موضوع قرارداد اجاره انتقال مالکیت منافع یک عین معین می‌باشد. در این صورت تعهد به تسلیم یک تعهد فرعی و تبعی نسبت به انتقال مالکیت منافع عین مستأجره محسوب می‌شود. اما در فرضی که موضوع قرارداد اجاره انتقال مالکیت منافع یک مال کلی است وضع متفاوت است. چرا که در هنگام انعقاد اجاره هیچ عین معینی وجود ندارد که به مجرد انعقاد عقد، مالکیت منافع آن به مستأجر منتقل شود، و در واقع با انعقاد قرارداد اجاره، موجر مدیون مستأجر می‌شود و موضوع دین او نیز انتخاب یکی از مصداق‌های مورد توافق طرفین و انتقال مالکیت منافع آن به مستأجر است. در این فرض تعهد به تسلیم مصداق و انتقال مالکیت منافع آن تبدیل به تعهد ذاتی و اساسی عقد اجاره می‌شود. با این توصیف، قرارداد اجاره اموال کلی را باید نوعی قرارداد عهده‌ی دانست. (این مسأله در قرارداد بیعی که مبیع در آن کلی در معین است نیز وجود دارد و این دسته از قراردادهای بیع را نیز عهده‌ی می‌دانند). حال ادعای ما این است که به دلیل غیر ملموس بودن اموال فکری و قواعد متفاوت مربوط به تسلیم آنها، قرارداد اجاره اموال فکری یا همان ليسانس را باید نوعی قرارداد اجاره منافع مال کلی بدانیم.

بهنتر است استدلال خود را بطور خاص راجع به حق اختراع مطرح کنیم. اگرچه پس از ثبت حق اختراع، تصدیق نامه ثبت از طرف دولت به صاحب آن داده می‌شود و در آن مختصات و ویژگی‌های اختراع ثبت شد به نحو نسبتاً دقیقی مشخص می‌شود و تمیز این اختراع را از دیگر اختراعات ثبت شده ممکن می‌سازد، اما این مشخصات، تعیین کننده نوع تکنولوژی و مختصات فنی و علمی موضوع ثبت

<sup>۱</sup>. ناصر کاتوزیان، دوره عقود معین (۱)، معاملات معوض، عقود تملیکی، ص ۳۴۹.

شده می‌باشد. مثل این است که در قرارداد اجاره، مورد اجاره یک اتومبیل با مشخصات نام، مدل، قدرت موتور، تعداد سرنشین، تکنولوژی‌های به کار رفته و... تعیین شود. اگرچه اتومبیل مورد اجاره با برخی مشخصات ذکر شده در قرارداد از اتومبیل‌های دیگر قابل تفکیک است، ولی هیچ مصداق عینی‌ای از آن در هنگام قرارداد برای انتقال مالکیت منافع وجود ندارد. لذا تهیه مصداق و انتقال مالکیت منافع آن به صورت یک تعهد بر دوش موجر بار می‌شود. در قرارداد لیسانس وقتی تکنولوژی موضوع قرارداد را به مستأجر (یا همان لیسانس گیرنده) تسلیم شده می‌دانیم که مستأجر توانایی بهره‌برداری از آن را کسب کرده باشد، یا به تعبیر فنی‌تر تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس را آموخته باشد. طبق نص ماده ۴۷۷ قانون مدنی، که در آن می‌خوانیم: «موجر باید عین مستأجره را در حالتی تسلیم نماید که مستأجر بتواند استفاده مطلوبه از آنرا بکند»، می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد شرایط مطلوب برای بهره‌برداری مستأجر از مورد اجاره نیز در دل تعهد موجر بر تسلیم مورد اجاره نهفته است. در قرارداد لیسانس نیز این قاعده حکم فرما است. چرا که مستأجر در صورتی می‌تواند از حق اختراع موضوع قرارداد استفاده مطلوب نماید که به لحاظ علمی و فنی بر اختراع یا همان تکنولوژی موضوع قرارداد مسلط شده باشد. این امر با آموزش مستأجر و انتقال اطلاعات علمی و فنی به او در قالب دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی انجام می‌گیرد. وجود تعهد به انتقال دانش فنی و آموزش مستأجر در دل تعهد به تسلیم مورد اجاره در قرارداد لیسانس به قدری در انتقال مورد اجاره به لیسانس گیرنده دخیل است که در نظام‌های حقوقی پیشرفته نیز از آن به تفصیل سخن به میان آمده است. با توجه به این توضیحات، در قرارداد لیسانس، عینیت یافتن مورد اجاره یعنی تکنولوژی در نزد لیسانس‌گیرنده یا همان مستأجر و مسلط شدن او بر آن، مساوی با آموزش مستأجر و انتقال دانش و اطلاعات علمی و فنی مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد است و تعهد به تسلیم تکنولوژی موضوع قرارداد اجاره، خود تبدیل به تعهد محوری و ذاتی قرارداد لیسانس می‌شود. لذا قرارداد لیسانس به معنی قرارداد اجاره حق اختراع، با توجه به کلی بودن موضوع آن، یک عقد عهدی است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که نباید اینگونه پنداشت که آموزش و انتقال اطلاعات و دانش علمی و فنی مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس، از قبیل ارائه دستورالعمل استفاده از یک دستگاه یا ماشین به مستأجر می‌باشد. زیرا خود این اطلاعات، روش‌ها و فنون، تشکیل دهنده تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس می‌باشند. وانگهی اگر آموزش و انتقال اطلاعات و دانش علمی و فنی مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس را نوعی ارائه دستورالعمل بهره‌برداری از ماشین آلات و دستگاه‌های مورد قرارداد محسوب کنیم، قرارداد لیسانس را در حد خرید و فروش ماشین آلات و دستگاه‌های موجود تنزل داده‌ایم، حال آنکه طبق توضیحات ارائه شده در بخش اول این تحقیق، انتقال تکنولوژی چیزی فراتر از خرید و فروش دستگاه و ماشین آلات جدید می‌باشد.

### ج- قرارداد لیسانس به عنوان عقد اجاره اشخاص:

مواد ۵۱۲ تا ۵۱۷ قانون مدنی ایران به احکام عقد اجاره اشخاص اختصاص دارد. با دقت در این مواد مشاهده می‌شود که قانونگذار تعریفی از اجاره اشخاص ارائه نداده است. تنها در ماده ۵۱۲ می‌خوانیم: «در اجاره اشخاص کسی که اجاره می‌کند مستأجر و کسی که مورد اجاره واقع می‌شود اجیر و مال الاجاره اجرت نامیده می‌شود».

برخی از حقوق‌دانان اجاره اشخاص را اینگونه تعریف می‌کنند: «عقدی است معوض که به موجب آن شخصی در برابر اجرت معین ملتزم می‌شود کاری را انجام دهد». این تعریف از قرارداد اجاره اشخاص بیشتر با تعریف قانون کار از قرارداد کار منطبق است. در ماده ۳۰ این قانون می‌خوانیم: «قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر متعهد می‌شود در قبال دریافت مزد کاری را برای مدت معین یا مدت نامحدودی برای کارفرما انجام دهد». با توجه به اینکه قانون مدنی پس از تعریف اجاره در ماده ۴۶۶ بلافاصله در ماده ۴۶۷ تصریح می‌کند که «مورد اجاره

می‌تواند اشیاء یا حیوان یا انسان باشد» می‌توان نتیجه گرفت که قانون مدنی منفعت و کار حاصل از انسان در زمره منافع قابل تفکیک از اشیاء قرار داده و لذا قرارداد اجاره را نوعی قرارداد تملیکی می‌داند. در باب نوع نگاه قانون مدنی به حاصل کار و تلاش انسان و تملیکی دانستن قرارداد اجاره انسان، برخی از حقوقدانان ایران انتقادهای بجا و متقنی کرده‌اند که به نظر وارد می‌آید.<sup>۱</sup>

با توضیحی که داده شد، باید دید که آیا قرارداد لیسانس می‌تواند نوعی اجاره اشخاص بشمار آید یا خیر؟ برخی عقیده دارند که احتمال تحلیل قرارداد لیسانس براساس اجاره اشخاص وجود دارد، چرا که در اجاره اشخاص «اسان را نمی‌توان به اجاره داد و عین مستأجره نامید و ناچار باید گفت موضوع اجاره کار و خدمت انسان است. در این صورت چه تفاوتی می‌کند که فعالیت مادی انسان به اجاره داده شود یا فعالیت فکری او در این تحلیل اموال فکری به نوعی به صورت خدماتی درآمده‌اند که یک انسان آنها را ارائه می‌دهد.

اما به نظر می‌رسد قرارداد لیسانس را نمی‌توان یک قرارداد اجاره اشخاص دانست. استدلال ما در این باب ارتباطی با عهده‌ی یا تملیکی دانستن قرارداد اجاره یا اینکه آیا می‌توان خدمات ناشی از کار انسان را به منزله منافع ناشی از اعیان دانست یا خیر ندارد. بلکه به نظر می‌رسد شبیه کردن اموال فکری به خدمات و کار یک انسان صحیح نیست. زیرا اولاً: براساس حمایتی که دولت در اموال فکری و به خصوص در حقوق مالکیت صنعتی و بالخصوص در حق اختراع ثبت شده به عمل می‌آورد فرض استقلال وجودی این اموال را از صاحب آن هر چند به صورت غیر مادی تقویت کرده و استفاده و بهره‌برداری مستقل از این اموال را توسط اشخاص دیگر ممکن ساخته است. در حالی که در قرارداد اجاره اشخاص، خدمتی که ارائه می‌شود برعهده اجیر است و کار مورد توافق باید توسط اجیر انجام شود. ثانیاً: در اموال فکری با تسلیم آنها به مستأجر (لیسانس گیرنده) بهره‌برداری از موضوع قرارداد، یعنی مال فکری، به عهده خود مستأجر است و عمل بهره‌برداری به نحو مستقل از موجد انجام می‌شود. این مسأله در اجاره اعیان نیز صدق می‌کند. در حالی که در قرارداد اجاره اشخاص بهره‌برداری از اجیر، مستقل از خود او امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان خدمات اجیر را از او جدا کرد. براساس همین استدلال است که قرارداد اجاره اشخاص را باید یک عقد عهده‌ی دانست.

یکی از مطالبی که در قسمت قبل در توجیه عهده‌ی بودن قرارداد لیسانس به عنوان قرارداد اجاره اشیاء آورده شد، این بود که قواعد حاکم بر تسلیم حق اختراع متفاوت از قواعد مربوط به تسلیم اموال مادی و اعیان خارجی است و تا وقتی تکنولوژی موضوع حق اختراع ثبت شده به مستأجر آموزش داده نشود و مستأجر نتواند مستقلاً و با اتکاء به آموخته‌های خود در روند تسلیم حق اختراع، از آن بهره‌برداری کند، مورد اجاره (لیسانس) تعیین و تشخیص پیدا نکرده است و به صورت یک مال کلی مورد اجاره باقی می‌ماند. پذیرش استدلال مذکور ممکن است این شائبه را در ذهن ایجاد کند که قرارداد لیسانس نوعی اجاره اشخاص است که در آن لیسانس دهنده نحوه بهره‌برداری و اطلاعات و دانش فنی مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد را به لیسانس دهنده آموزش می‌دهد.

در رد این احتمال باید گفت که هر چند این تحلیل در نگاه اول یکی از فروض قابل تصور برای ماهیت قرارداد لیسانس به نظر می‌رسد، اما تحلیل صحیح و واقعی‌ای نیست. زیرا اولاً: واقعیت این است که در قرارداد لیسانس، قصد واقعی و ابتدائی طرفین بهره‌برداری از حق اختراع ثبت شده می‌باشد. یعنی آنچه مورد توجه لیسانس گیرنده است بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد و افزایش سود حاصل از آن است و قصد لیسانس دهنده نیز بهره‌برداری اقتصادی از تکنولوژی می‌باشد. برای تحقق این قصد باید حق اختراع به لیسانس گیرنده تسلیم شود. با توجه به ماهیت حق اختراع، آموزش و انتقال اطلاعات علمی و فنی مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد مساوی با تسلیم و در اختیار گذاشتن حق اختراع نزد لیسانس گیرنده برای بهره‌برداری است. و نباید انتقال و آموزش اطلاعات علمی و فنی

<sup>۱</sup> ناصر کاتوزیان، همانا، ص ۵۵۷.

مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس را به عنوان تعهد اساسی لیسانس دهنده و نتیجه مستقیم قرارداد لیسانس به حساب آورد. به عبارت دیگر قرارداد لیسانس را نمی‌توان قراردادی دانست که براساس آن لیسانس دهنده متعهد می‌شود اطلاعات فنی و علمی مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد را به لیسانس گیرنده آموزش دهد. لذا نمی‌توان آن را براساس اجاره اشخاص تحلیل نمود.

### مبحث دوم- توجیه به عنوان یک عقد غیر معین:

تحلیل قرارداد لیسانس براساس قراردادهای غیر معین با گرایش موجود در حقوق کشورهای کامن‌لا هم جهت است. برای بازشناسی ماهیت قرارداد لیسانس بر پایه این تحلیل در حقوق ایران، ابتدا باید اصول و قواعد عمومی قراردادهای دربارۀ آن مورد مطالعه قرار گیرد، و سپس تفاوت این قرارداد با قراردادهای مشابه بررسی و در انتها نیز چارچوب کلی قرارداد لیسانس معرفی شود.

**الف- اصل حاکمیت اراده در قرارداد لیسانس: میدانیم که اصل حاکمیت اراده امروز یکی از پایه‌های مشترک و متفق علیه کلیه نظام‌های حقوقی دنیا می‌باشد. مواد ۱۰ و ۱۹۱ قانون مدنی جلوه‌های بارز پذیرش اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران هستند. به لحاظ فقهی نیز اصل حاکمیت اراده تحت عبارت «العقود تابعة للقصد»<sup>۱</sup> بیان شده است.**

از اصل حاکمیت اراده در اعمال حقوقی (اصل آزادی قراردادهای) نتایج ذیل حاصل می‌شود: آزادی شخص در انشای عمل حقوقی، آزادی در مبادرت به تشکیل عقد، آزادی در نوع عقد، آزادی در انتخاب طرف قرارداد، آزادی در تعیین حدود و آثار و شروط مندرج در ضمن قرارداد و آزادی در منحل ساختن قرارداد و...

در قرارداد لیسانس نیز اجباری در انطباق ماهیت آن با قالب‌های قراردادی معرفی شده در قانون مدنی وجود ندارد. اما همانطور که در قسمت‌های پیشین گفته شد، سنت حقوقی تحلیل قراردادهای براساس عقود معین بیشتر بدین خاطر تقویت می‌شود که در صورت انجام چنین انطباقی، آثار و احکام قانونی آن عقد معین بر قرارداد جدید بار می‌شود و دادرسی در بسیاری از موارد از کشف اراده طرفین که عمدتاً امری مشکل و در برخی موارد ناممکن است خلاص می‌شود. در بسیاری از نظام‌های حقوقی به دلیل صعوبت کشف اراده واقعی طرفین عقد، روی به تحمیل برخی قواعد به عنوان اراده ضمنی یا شروط غیر مصرح آورده و در این مسیر راه به افراط برده‌اند.

اصل لزوم قراردادهای و قرارداد لیسانس: اصالة اللزوم یا اصل لزوم از جمله اصول کلی حاکم بر همه قراردادهای می‌باشد. این اصل نه تنها در فقه اسلامی و حقوق ایران، بلکه همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. ماده ۲۱۹ دلالت بر اصل لزوم قراردادهای دارد و در آن می‌خوانیم: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.

بنابراین اصل بر غیر قابل فسخ بودن و لزوم اجرای مفاد عقود در برابر جواز قرارداد است. برخی از حقوقدانان لازم یا جایز دانستن یک قرارداد را نتیجه مقتضای ذات آنها می‌دانند. ولی برخی دیگر اصل لزوم را یک اصل واقعی و در جهت حفظ نظم عمومی و منافع اجتماعی می‌دانند، چرا که استحکام قرارداد و لازم الاتباع بودن آن یکی از ابزارهای حفظ نظم و امنیت روابط حقوقی است. نتیجه نظر این دسته از حقوقدانان مبدل شدن اصل لزوم به یک قاعده آمره و قانونی است، و قانونگذار براساس صلاحدید حکم جواز را برای بعضی از قراردادهای وضع می‌کند.

<sup>۱</sup>. مهدی شهیدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، ص ۵۷.

قرارداد لیسانس نیز از این قاعده مستثنی نیست و آنرا باید یک قرارداد لازم دانست.

### ب- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد معاوضی:

عموماً قراردادهای انتقال تکنولوژی و خصوصاً قرارداد لیسانس در فضائی کاملاً اقتصادی و تجاری منعقد می‌شوند. صاحب تکنولوژی معمولاً برای افزایش هرچه بیشتر سود حاصل از تکنولوژی خود سعی در تجاری سازی و عرضه آن دارد و متقاضی تکنولوژی برای بالا بردن توان رقابتی خود دست به تأمین و جذب تکنولوژی از منابع خارج از بنگاه خود می‌زند.

در انواع قراردادهای انتقال تکنولوژی و بخصوص قرارداد لیسانس، هر یک از طرفین به دنبال این است که در قبال تعهدی که به دوش می‌گیرد، سود بیشتری را از تعهد متقابل طرف دیگر بدست آورد. بنابراین معاوضی بودن قرارداد لیسانس از خصایص ذاتی آن است. یعنی اعطای حق بهره‌برداری از حق اختراع موضوع قرارداد همواره در قبال تعهدی از جانب لیسانس گیرنده انجام می‌گیرد که در اغلب موارد این تعهد شامل پرداخت مبالغ قراردادی است.

### ج- قرارداد لیسانس به عنوان یک عقد عهده:

طبق توصیفی که در قسمت‌های گذشته از عقود عهده و تفاوت آن با عقود تملیکی بیان شد، به نظر می‌رسد قرارداد لیسانس یک عقد عهده است. برای این موضوع علاوه بر استدلالاتی که در قسمت تحلیل قرارداد لیسانس بر اساس قرارداد اجاره آورديم و در اینجا از تکرار آنها خودداری می‌کنیم، یک استدلال جدید نیز وجود دارد که ذیلاً آن را توضیح می‌دهیم.

در نظر برخی حقوقدانان ایران «اسباب ایجاد حقوق عینی محدود به موارد خاص است و شمار حقوق عینی را قانون معین می‌کند، زیرا احترام آن از عموم خواسته می‌شود. ولی حق دینی رابطه خاص دو طرف آن و تابع حکومت اراده است. یکی از منابع مهم حقوق دینی قرارداد است و بر طبق اصل آزادی قراردادی دو طرف عقد می‌توانند تعهدهای ناشی از آنرا به دلخواه معین کنند»<sup>۱</sup>.

حال چرا اسباب ایجاد حقوق عینی محدود به موارد مصرح در قانون است؟ پاسخ این سوال را باید در اصل دینی بودن حقوق جستجو کرد. حقوق عینی مطلق هستند. یعنی همه اشخاص موظف به رعایت این حق هستند و حق عینی قابلیت استناد در برابر همه را دارد. اما حق دینی حقی نسبی است و تنها در روابط بین متعهد و متعهد له قابلیت استناد دارد. لذا قدرت و حیطة نفوذ و اجرای حق عینی بسیار گسترده‌تر از حق دینی است. با این توضیح هر جا ماهیت حق مالی‌ای مورد شک واقع شود، اصل بر دینی بودن آن است، زیرا حیطة قدرت و نفوذ حق دینی محدودتر است و در مقام شک باید به قدر متیقن اکتفا کرد. این اصل در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است».

با پذیرش اصل دینی بودن حقوق می‌توان وضع قراردادها را نیز از این حیث که اثر آنها مستقیماً ایجاد حق عینی است (تملیکی بودن) یا حق دینی (عهده بودن)، بازشناخت. چرا که تردید در عهده یا تملیکی بودن یک قرارداد در واقع نتیجه تردید در دینی یا عینی بودن حق ناشی از آن است. لذا طبق قواعد مندرج در اصول فقه، اصل دینی بودن حقوق تبدیل به یک اصل سببی می‌شود و با دینی دانستن حق ناشی از قرارداد مورد نظر، خود آن قرارداد نیز یک عقد عهده خواهد بود.

البته منطقی است که قانونگذار، اسباب ایجاد حقوق عینی را که قدرت و حیطة نفوذی بسیار گسترده دارند، رأساً تعیین نماید. این امر در جهت تأمین روابط اجتماعی و اقتصادی اشخاص و جلوگیری از انجام معاملات معارض انجام می‌گیرد.

### گفتار سوم: چارچوب و شروط مضمنی قرارداد لیسانس

<sup>۱</sup>. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: اموال و مالکیت، ص ۲۰.

همانطور که در قسمت‌های مختلف این تحقیق بیان شد، قرارداد لیسانس یکی از روش‌های انتقال تکنولوژی است. برای بررسی چارچوب کلی انعقاد قرارداد لیسانس، ابتدا در مبحث یکم ملاحظات مربوط به پیش‌نویس قرارداد لیسانس را مورد بررسی قرار می‌دهیم. سپس در مبحث دوم سعی می‌کنیم ویژگی‌های اصلی قرارداد لیسانس را که باید در روند مذاکره و انعقاد آن مورد توجه قرار گیرند، به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### مبحث اول- پیش‌نویس قرارداد لیسانس<sup>۱</sup>:

حساس‌ترین مرحله مذاکرات مربوط به انعقاد هر قرارداد یا پیمانی، مرحله تهیه پیش‌نویس قرارداد و حصول توافق بر سر آن می‌باشد. هر یک از طرفین قرارداد با توجه به داده‌هایی که از بررسی پروژه مورد بحث و در خلال مذاکرات اولیه بدست آورده است و در جهت تأمین اهداف خود، پیش‌نویسی از قرارداد را تهیه می‌کند. حصول توافق بر سر مفاد پیش‌نویس ارائه شده بیشترین حجم مذاکره را به خود اختصاص می‌دهد.

در قراردادهای انتقال تکنولوژی از جمله لیسانس که علاوه بر جنبه فنی، جنبه‌های مالی و بازرگانی پیچیده‌ای را نیز در برمی‌گیرد، استفاده از مشاورین فنی، مالی و بازرگانی علاوه بر مشاورین حقوقی در تهیه پیش‌نویس و انجام مذاکرات قراردادی اهمیت فراوانی دارد. وجود یک مدیر توانمند در زمینه توسعه و تأمین تکنولوژی نیز، برای هماهنگ کردن روند تهیه پیش‌نویس و مذاکرات مربوطه با اهداف کوتاه، میان و بلند مدت بنگاه از پروژه موضوع قرارداد انتقال تکنولوژی در موفقیت پروژه بسیار موثر است.

حال سوال این است که در پیش‌نویس یک قرارداد لیسانس چه مطالبی مطرح و به چه سوالاتی باید پاسخ داده شود؟ به تعبیر دیگر قرارداد لیسانس باید به چه سوالاتی پاسخ دهد؟ در پاسخ به این سوالات مواردی که باید در پیش‌نویس قرارداد لیسانس مورد توجه قرار گیرد ذیلاً معرفی و بررسی می‌شود:

### الف- نوع و ماهیت حقوقی دانش فکری مورد معامله:

می‌دانیم که در قرارداد لیسانس، موضوع محوری قرارداد حق اختراع ثبت شده می‌باشد. اما ممکن است همراه آن حق بهره‌برداری از علامت تجاری، دانش فنی، کپی رایت و طرح‌ها و مدل‌های صنعتی نیز منتقل شود. از طرفی ممکن است حق اختراع، علائم تجاری و طرح‌ها و مدل‌های صنعتی هنوز مراحل ثبتی خود را کامل طی نکرده باشند و در مرحله تقاضای ثبت موضوع قرارداد لیسانس واقع شوند. به هر حال همانطور که قبلاً نیز بدان اشاره کردیم قرارداد لیسانس از جمله قراردادهایی است که معمولاً به صورت چند موضوعی (مختلط) منعقد می‌شود و تعیین شرایط و مفاد جداگانه برای جلوگیری از بلا تکلیفی و عدم وضوح احکام وارد بر موضوعات فرعی غیر از حق اختراع ثبت شده بسیار اهمیت دارد.

### ب- محدوده موضوعی قرارداد لیسانس:

تعیین محدوده موضوعی قرارداد به صورت دقیق و به تفکیک از اهمیت زیادی برخوردار است. اصولاً در قرارداد لیسانس محدوده موضوعی قرارداد به چند موضوع باز می‌گردد.

- A. قلمرو جغرافیایی<sup>۲</sup> بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد  
B. انحصاری یا منفرد یا غیر انحصاری بودن قرارداد لیسانس در مورد هر یک از موضوعات و قلمروهای جغرافیایی

1. Drafting

2. Territory

- C. مدت قرارداد به تفکیک برای هر یک از موضوعات و قلمروهای جغرافیایی
- D. انواع و روش‌های بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد (تولید، بازاریابی، توزیع، فروش) به تفکیک برای هر یک از موضوعات و قلمروهای جغرافیایی
- E. حق اختراع ثبت شده به عنوان موضوع اصلی قرارداد
- F. انتقال دانش فنی مرتبط با موضوع قرارداد
- G. انجام کمک‌های فنی و تجاری و مدیریتی و ارائه دوره‌های آموزشی
- H. انتقال حق بهره‌برداری از علامت تجاری
- I. انتقال حق بهره‌برداری از طرح و مدل صنعتی
- J. تعیین تکلیف مالکیت و حق بهره‌برداری از ارتقاعات حاصل شده در تکنولوژی موضوع قرارداد

برخی نویسندگان، حقوقی را که موضوع قرارداد لیسانس واقع می‌شوند، به دو دسته تقسیم می‌کنند: دسته یکم حقوقی هستند که قانون به صراحت و با ایجاد نهادهای حقوقی از آنها حمایت می‌کند.<sup>۱</sup> این دسته از حقوق همان حقوق مالکیت‌های فکری می‌باشند که عبارتند از حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی، کپی رایت. دسته دیگر حقوقی هستند که در قانون صراحتاً از آنها حمایت نشده<sup>۲</sup> ولی می‌توان براساس اصول و قواعد حقوقی و یا از طریق ایجاد الزامات و تعهدات قراردادی پوشش حمایتی برای آنها ایجاد نمود. این دسته از حقوق عبارتند از اسرار تجاری و دانش فنی و دیگر درانیهای فکری‌ای که بقای آنها مستلزم موثر و محرمانه بودن آنها است.<sup>۳</sup> براساس این دسته‌بندی توجه به نحوه و مدت حمایت قانون از موضوع قرارداد در تنظیم مفاد آن بسیار اساسی است، زیرا هر یک از موارد دسته یکم ممکن است برای مدت‌های متفاوتی مورد حمایت قانون باشند، در عین اینکه مکانیزم‌های قراردادی حمایت از حقوق دسته دوم بسته به موضوع قرارداد متفاوت است. حجم زیادی از دعاوی مرتبط با قراردادهای انتقال تکنولوژی نتیجه اختلاف بر سر حیطه موضوعی قرارداد لیسانس می‌باشد. بنابراین تعیین دقیق موضوعات و محدوده آنها از اهمیت زیادی برخوردار است.

### ج- استانداردهای مرتبط با موضوع قرارداد

#### د- مبالغ قراردادی و روش‌های پرداخت:

در توضیح باید گفت که پرداخت مبالغ قراردادی شاید مهمترین بخش مورد توجه لیسانس دهنده می‌باشد. این مبالغ ممکن است به روش‌های گوناگون انجام شود که تعیین دقیق آنها و معیارهای اندازه‌گیری و ابزارهای بازرسی و کنترل صحت و مطابقت داده‌های دخیل در پرداخت مبالغ قراردادی با واقعیات موجود، پیش پرداخت‌ها و همچنین تعیین ارزش و تاریخی که این مبالغ باید براساس نرخ این ارز در آن تاریخ پرداخت گردد، به تفکیک برای هر یک از موضوعات قرارداد، موجب کاهش بخش قابل توجهی از اختلافات بالقوه بین طرفین قرارداد لیسانس می‌شود.

ه- رازداری و حفظ محرمانه اسرار و اطلاعات تجاری، صنعتی، مدیریتی و مالی و... مرتبط با قرارداد لیسانس توسط طرفین  
عناوین کلی یاد شده باید در پیش‌نویس قرارداد لیسانس مورد توجه قرار گیرد.

### مبحث دوم- ویژگی‌های اصلی قرارداد لیسانس:

1. Droits statutaires
2. Droits non-statutaires
3. Hugues G. Richard , Ibid , p.5

قراردادهای انتقال تکنولوژی و بخصوص قرارداد لیسانس ویژگی‌هایی دارند که حساسیت آنها را در مقایسه با قراردادهای دیگر افزایش می‌دهد. خصوصیات مربوط به موضوع این دسته از قراردادها (اموال فکری) از یک طرف، و نوع خاص رابطه حقوقی‌ای که بین انتقال گیرنده و انتقال دهنده برقرار می‌کنند از طرف دیگر، موقعیتی ممتاز و در خور دقت به این دسته از قراردادها داده است. توجه به این خصوصیات در تنظیم قراردادهای انتقال تکنولوژی اهمیت بسیار دارد. قرارداد لیسانس علاوه بر ویژگی‌های مربوط به نوع قراردادهای انتقال تکنولوژی خصوصیات منحصر و علی‌حده‌ای دارد که ذیلاً آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### **الف- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد انتقال تکنولوژی:**

موضوع قرارداد لیسانس تکنولوژی است. همین امر باعث می‌شود که جنبه‌های مختلف فنی، مدیریتی، صنعتی، بازرگانی، مالی و حقوقی به هم تنیده و پیچیده‌ای در آن پدیدار شوند، چرا که تکنولوژی خود پدیده‌ای پیچیده و چند وجهی است. به همین دلیل، تنظیم مفاد قرارداد لیسانس به گونه‌ای که موجب شود، تکنولوژی موضوع آن در مفهوم واقعی انتقال پیدا کند و توانایی‌های فنی و تکنولوژیک بنگاه انتقال گیرنده را ارتقاء دهد، نیاز به دقت فراوان و استفاده از مشاورین خبره و کار کشته دارد.

ارائه توصیف فنی دقیق تکنولوژی یا به تعبیر حقوقی حق اختراع موضوع قرارداد به همراه دانش فنی و علمی مرتبط با آن مستلزم در اختیار داشتن مشاورین فنی متخصص در زمینه تکنولوژی مورد نظر می‌باشد. گنجاندن مفاد مرتبط با مدیریت یکپارچه فرایند انتقال تکنولوژی نیاز به مدیران با سابقه و مطلع دارد. جنبه‌های مربوط به فرایندهای تولید، بازاریابی و فروش محصول و انجام برآوردهای مالی و محاسباتی خاص جریان انتقال تکنولوژی و بهره‌برداری از آن، در صورت دخالت مشاوران صنعتی و بازرگانی و مالی، به نحو موفق طراحی و در قرارداد گنجانده می‌شود.

در نهایت انتخاب قالب قراردادی متناسب با نوع تکنولوژی موضوع قرارداد و اهداف و استراتژی‌های بنگاه‌های انتقال دهنده و انتقال گیرنده از یک طرف، و ارزیابی قابلیت اجرا<sup>۱</sup> و جامعیت تعهدات گنجانده شده در قرارداد لیسانس از طرف دیگر، و در نهایت تطبیق مفاد قرارداد با قوانین مربوطه برعهده مشاوران حقوقی متخصص در تنظیم قراردادهای و دارای تجربه در قراردادهای انتقال تکنولوژی می‌باشد.

### **ب- قرارداد لیسانس به عنوان یک قرارداد مختلط:**

موضوع قرارداد لیسانس معمولاً چیزی بیش از صرف انتقال تکنولوژی از طرف بنگاه‌های تکنولوژیک پیشرفته به سمت بنگاه‌های نیازمند به تکنولوژی‌های جدید می‌باشد، و معمولاً بنگاه‌های گیرنده تکنولوژی ظرفیت فنی و تخصصی و تولیدی کافی برای بهره‌برداری مستقل از اختراع موضوع قرارداد لیسانس را ندارند، معمولاً انتقال دانش فنی و بازرگانی و مدیریتی مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس و همچنین آموزش نیروی انسانی بنگاه انتقال دهنده، حق بهره‌برداری از علامت تجاری به لیسانس گیرنده منتقل می‌شود.

با این توصیف، تفکیک موضوعی و اختصاص مفاد مجزا برای هر یک از این موضوعات و جلوگیری از بلا تکلیف ماندن اجزاء مختلف قرارداد از اهمیت زیادی برخوردار است.

### **ج- خصوصیت شخصی قرارداد لیسانس:**

حقوقدانان قرارداد لیسانس را یک قرارداد شخصی می‌دانند. مفهوم قرارداد شخصی آن است که طرفین با توجه به وجود برخی ویژگی‌ها و خصوصیات در طرف دیگر او را برای انعقاد قرارداد انتخاب نموده‌اند.

حال سوال این است که چرا قرارداد لیسانس خصوصیت شخصی دارد؟ در پاسخ باید گفت که طرفین قرارداد لیسانس یعنی لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده هر دو با در نظر گرفتن ظرفیت‌های فنی و تکنولوژیک و سازمانی و... طرف دیگر وارد قرارداد می‌شوند. از آنجا که انعقاد قرارداد لیسانس همواره حاوی شروط انحصاری و همچنین تعهد به عدم رقابت و شروطی از این دست می‌باشد، طرفین قرارداد لیسانس با انعقاد چنین قراردادی در واقع، مجال برقراری ارتباط با متقاضیان و عرضه کنندگان دیگر تکنولوژی‌های رقیب را بر خود تنگ می‌کنند. این مساله نه به خاطر شرایط قرارداد بلکه به دلیل ماهیت اموال فکری است. چرا که تکنولوژی به عنوان یک مال فکری خصوصیتی فرار، غیر قطعی، غیر ملموس و متحول دارد.

از طرفی به دلیل دخالت مسائل مربوط به تولید و بازاریابی و فروش محصول تکنولوژیک در قرارداد لیسانس، همواره لیسانس دهندگان به دنبال انتقال تکنولوژی به بنگاه‌هایی هستند که توان و ظرفیت مدیریت و بهره‌برداری منطبق با استانداردهای آنها را داشته باشند تا بدی طریق بتوانند از حیثیت تجاری خود حفاظت کنند.

بنگاه‌های لیسانس گیرنده نیز برای انتخاب انتقال دهندگان تکنولوژی نیاز به اعمال دقت و توجه به برخی ویژگی‌ها دارند. لیسانس گیرندگان نسبت به اینکه تکنولوژی موضوع قرارداد برای تأمین اهداف آنها مناسب است و هم اینکه آیا لیسانس دهنده دارای توان علمی و تخصصی و مدیریتی لازم و کافی برای انتقال واقعی تکنولوژی و ارائه کمک‌های فنی و آموزش نیروی انسانی و... می‌باشد یا خیر باید اطمینان کسب کنند.

با پذیرش تحلیل قرارداد لیسانس براساس قرارداد اجاره اشیاء، اگرچه در حقوق ایران و فرانسه انعقاد قرارداد اجاره دست دوم پذیرفته شده است، ولی به دلیل همین خصوصیت شخصی قرارداد لیسانس، انعقاد قرارداد لیسانس دست دوم توسط لیسانس گیرنده ممنوع است مگر اینکه خلاف آن در قرارداد ذکر شده باشد؛ یعنی لیسانس دهنده صراحتاً این اجازه را به لیسانس گیرنده اعطا نماید. این قاعده درباره دیگر اعمال حقوقی تالی نیز حکفرما است.

#### **د- خصوصیت بین‌المللی قرارداد لیسانس:**

قرارداد لیسانس معمولاً یک قرارداد بین‌المللی است. بدین معنی که جریان و آگذاری حق بهره‌برداری از اختراع مورد قرارداد بین دو کشور انجام می‌شود. به تعبیر دیگر بنگاه‌های لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده دارای تابعیت‌های متفاوت هستند.

وجود خصیصه بین‌المللی در قراردادهای انتقال تکنولوژی و بخصوص قرارداد لیسانس باعث می‌شود که این قراردادهای معمولاً با قوانین دو یا چند کشور درگیر باشند. لذا در تنظیم مفاد قرارداد لیسانس باید توجه کافی به قوانین و مقررات کشورهای متبوع بنگاه‌های لیسانس گیرنده و لیسانس دهنده شود. اگرچه این خصیصه در قراردادهای موجود در تجارت بین‌المللی مشترک است، اما به دلیل وجود قوانین و مقررات امری گسترده و متنوع در زمینه انتقال تکنولوژی در کشورهای مختلف، این مساله در قراردادهای انتقال تکنولوژی نیاز به توجه ویژه دارد.

#### **ه- خصوصیت بلند مدت قرارداد لیسانس:**

قرارداد لیسانس یک قرارداد بلند مدت است. این خصیصه ناشی از این واقعیت است که فرایند واقعی انتقال تکنولوژی و کسب ظرفیت‌ها و توانائی‌های واقعی بهره‌برداری از حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس، در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست. از طرفی خصوصیت ذاتی اموال فکری و بخصوص

تکنولوژی، فرار و متحول بودن است. لذا برای حفظ و ارتقاء سطح سوددهی محصول موضوع یک قرارداد لیسانس؛ تشریک مساعث طرفین قرارداد در امر ارتقاء تکنولوژی مربوطه از طریق انجام پروژه‌های تحقیق و توسعه مشترک امری حیاتی است. به نتیجه رساندن این پروژه‌ها نیاز به صرف وقت و هزینه زیاد دارد.

با توجه به این ویژگی، طرفین قرارداد لیسانس باید دقت کافی در تنظیم مفاد آن بکنند، زیرا روابط بلند مدت و استراتژیک آنها در قالب این قرارداد سازماندهی خواهد شد، و وجود ابهام و کاستی در مفاد این قرارداد و در نتیجه بروز وقفه در این روابط، معمولاً هزینه‌های هنگفتی را برای طرفین به بار خواهد آورد.

در اینجا باید نکته‌ای را ذکر کنیم و آن اینکه خصوصیت بلند مدت قرارداد لیسانس به معنی مستمر بودن این قرارداد نیست. می‌دانیم که قراردادهای از حیث رابطه ذاتی تعهدات ناشی از آنها با عامل زمان به دو دسته قراردادهای فوری و قراردادهای مستمر تقسیم می‌کنند.<sup>۱</sup> ما بحث فوری یا مستمر بودن قراردادهای انتقال تکنولوژی را در گفتار نخست فصل دوم از بخش یکم همین تحقیق مورد بررسی قرار داده‌ایم. مباحث مطروحه در آن قسمت راجع به قرارداد لیسانس نیز قابل طرح می‌باشد.

#### و- تعهد اساسی به بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس:

صاحب حق اختراع با دریافت تصدیق نامه حق اختراع از دولت، متعهد می‌شود که از اختراع مربوطه بهره‌برداری کند. وجود این تعهد با منافع عمومی و براساس سیاست دولت برای گردش دانش فنی برای ارتقاء سطح علمی و تکنولوژیک کلی اجتماع است.

با توجه به وجود تعهد به بهره‌برداری از حق اختراع، در قرارداد لیسانس نیز این تعهد، اساسی‌ترین تعهد لیسانس گیرنده می‌باشد. حقوقدانان فرانسوی معتقدند که حتی در صورت عدم تصریح قرارداد به این تعهد، لیسانس گیرنده مجبور به بهره‌برداری از حق اختراع موضوع قرارداد است. علت آنرا نیز این می‌دانند که لیسانس دهنده، خود متعهد به بهره‌برداری از این حق اختراع است، و با انتقال حق بهره‌برداری از این اختراع تعهد مزبور نیز به لیسانس گیرنده منتقل می‌شود. از طرفی دریافت مبالغ قراردادی توسط لیسانس دهنده در عوض بهره‌برداری از حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس توسط لیسانس گیرنده می‌باشد.

این تعهد شامل بهره‌برداری لیسانس گیرنده از حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس، به صورت کامل و با حداکثر امکانات و به نحو موثر و مجدانه، می‌شود.

#### ز- ارتباط قرارداد لیسانس با قوانین ضد انحصار و رقابت‌های تجاری:

قرارداد لیسانس مانند دیگر قراردادهای انتقال تکنولوژی رابطه تنگاتنگی با قوانین ضد انحصار و رقابت‌های تجاری دارد. از آنجا که معمولاً در قرارداد لیسانس شروط راجع به ایجاد انحصارات یا محدودیت فعالیت‌های رقابتی گنجانده می‌شود، در بعضی موارد این شروط از قرارداد لیسانس با قوانین مربوط به ضد انحصارات و رقابت‌های تجاری در تعارض قرار می‌گیرد.

مقررات بین‌المللی و داخلی متعددی در رابطه با حقوق ضد انحصار و رقابت‌های تجاری وضع شده است. از جمله این مقررات می‌توان به ماده ۴۰ کنوانسیون TRIPS و دستورالعمل شماره ۷۷۲/۲۰۰۴ کمیسیون اروپا در مورد اعمال ماده ۸۱ معاهده پایه اتحادیه اروپا (معروف به معاهده روم) بر قراردادهای انتقال تکنولوژی، و قانون اصلاح ضد انحصارات تجارت خارجی ایالات متحده مصوب ۱۹۸۲ معروف به FTAIA اشاره کرد.

<sup>۱</sup> ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۱، صص ۸۴ تا ۸۷.

با توجه به توضیحات فوق در تنظیم قرارداد لیسانس باید قواعد مربوط به ضد انحصارات و رقابت‌های تجاری به دقت رعایت شود. هر چند بررسی جنبه‌های رقابتی و ضد انحصاری قراردادهای انتقال تکنولوژی خود نیاز به رساله‌ای مجزا دارد، ولی ما در ادامه مباحث راجع به شروط و مفاد قرارداد لیسانس سعی خواهیم کرد به جنبه‌های مرتبط با این حقوق به اختصار اشاره کنیم.

## بخش سوم: عناصر و ارکان قرارداد لیسانس

شروط و مفاد قراردادها اعم از قراردادهای انتقال تکنولوژی و غیر آنها براساس شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر طرفین و اهداف آنها تعیین می‌شود. ولی این امر بدان معنی نیست که نتوان شروط ضمنی یک قرارداد را براساس طبیعت آن، تقسیم‌بندی کرد.

مفاد و شروط مندرج در هر قراردادی را می‌توان براساس طبیعت قراردادها که متشکل از طرفین، موضوع و تعهدات قراردادی است به چهار دسته تقسیم کرد: (۱) مشخصات دقیق طرفین قرارداد، (۲) تعیین و توصیف موضوع قرارداد، (۳) حقوق و تعهدات مجزای هر یک از طرفین، (۴) حقوق و تعهدات مشترک طرفین. اما این تقسیم‌بندی بسیار کلی است و معمولاً در قراردادهای مختلف حقوق و تعهدات طرفین به صورت نامنظم و در هم تنیده‌ای بیان می‌شود.

برخی کتب مربوط به خطوط راهنمای قراردادهای انتقال تکنولوژی، شروط و مفاد قراردادهای لیسانس مختلط را به سه دسته تقسیم می‌کنند: (۱) شروط مقدماتی که شامل تعیین مشخصات طرفین، اهداف آنها از انعقاد قرارداد، تاریخ شروع و اعتبار قرارداد، محل انعقاد قرارداد، ملاحظات و روند طی شده در مذاکرات و تعریف اصطلاحات مندرج در قرارداد می‌باشد. (۲) موضوع یا موضوعات قرارداد که شامل حقوق مربوط به حق اختراع، دانش فنی و اسرار تجاری و اطلاعات محرمانه، کمک‌های فنی، ارتقانات و پیشرفت‌های تکنولوژی موضوع قرارداد، حقوق مربوط به اعمال حقوقی تالی و مبالغ قراردادی می‌باشد. (۳) شروط متحداً شکل که شامل فسخ و اختتام قرارداد، آثار فسخ و اختتام، مساعی جمیله، تعهدات و ضمانت‌های قراردادی، داور و قانون حاکم و شروط متفرقه دیگر می‌باشد.

شروط مختلف و متعدد قرارداد لیسانس را می‌توان در چهار دسته تقسیم کرد که عبارتند از: (۱) شروط مقدماتی قرارداد، (۲) شروط مربوط به تعیین موضوع قرارداد و حدود آن، (۳) شروط مربوط به تعهدات و ضمانت‌های قراردادی، (۴) شروط مربوط به فسخ و ختم قرارداد. این دسته از شروط تقریباً شاکله ثابتی دارند، و با تغییر موضوع و اهداف طرفین تغییرات چندانی پیدا نمی‌کنند، لذا این دسته از شروط را در تحقیق حاضر مطالعه نخواهیم کرد.

### **فصل اول: عناصر مقدماتی قرارداد لیسانس**

بخش اول قرارداد لیسانس که شاید یکی از مهمترین بخش‌های قرارداد است، شروط مقدماتی آن می‌باشد. مفاد این فصل اگرچه بیشتر جنبه اخباری دارد، ولی در بسیاری از موارد راه حل خروج از بحران در فرایند اجرای قرارداد لیسانس و پیشگیری از بروز اختلاف و قطع رابطه طرفین در این بخش جستجو می‌شود. چرا که کارکرد این بخش از قرارداد لیسانس، توضیح و تبیین قصد مشترک طرفین از انعقاد قرارداد است. در واقع با توجه به مفاد این بخش می‌توان بسیاری از ابهامات موجود در مفاد دیگر قرارداد را از طریق کشف قصد مشترک طرفین برطرف کرد.

شروط مقدماتی قرارداد لیسانس حاوی معرفی دقیق بنگاه‌های لیسانس دهنده و لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده، هدف از انعقاد قرارداد، بیان دلایل و انگیزه‌های مبادرت هر یک از طرفین به انعقاد این قرارداد، محل انعقاد قرارداد و تاریخ اعتبار و شروع قرارداد، و نهایتاً ارائه برداشت‌ها و تعاریفی مشترک برای اصطلاحات و مفاهیم به کار رفته در قرارداد می‌باشد. در ادامه بحث هر یک از قسمت‌های مربوط به شروط مقدماتی را بررسی می‌کنیم:

### گفتار اول: معرفی طرفین قرارداد

برای تنظیم مفاد این شرط، طرفین قرارداد باید از اصالت و دارای شرایط انعقاد قرارداد لیسانس بودن یکدیگر، اطمینان کسب نمایند. برای اینکار لیسانس گیرنده معمولاً به دنبال این است که تکنولوژی را از دارنده اصلی آن کسب نماید. همچنین تحقیقاتی را برای کسب اطمینان از مالکیت لیسانس دهنده بر موضوع قرارداد یا دارا بودن حقوق لازم برای انعقاد قرارداد لیسانس توسط او، انجام می‌دهد. لیسانس دهنده نیز برای کسب اطمینان از وجود ظرفیت‌های فنی و مدیریتی لازم در لیسانس گیرنده و شناسایی مشخصات واقعی او تحقیق می‌کند.

به هر حال معرفی دقیق مشخصات بنگاه‌های لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده باعث می‌شود که انتقال دهنده و انتقال گیرنده حقوق موضوع قرارداد لیسانس دقیقاً تعیین شوند. این مسأله بخصوص در زمانی که طرفین قرارداد شرکت‌هایی هستند که دارای شرکت‌های وابسته و فرعی یا شعبات مختلف در مکان‌های متفاوت می‌باشند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در صورت معرفی دقیق و صحیح لیسانس دهنده، طرف لیسانس گیرنده می‌تواند نسبت به اینکه انتقال تکنولوژی توسط شرکت‌های وابسته و فرعی لیسانس دهنده انجام نخواهد شد، اطمینان حاصل کند. از طرف دیگر با معرفی دقیق و صحیح لیسانس گیرنده، لیسانس دهنده محدوده بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد را تعیین می‌کند و بدین وسیله از گسترش دایره گیرندگان تکنولوژی موضوع قرارداد به شعبات و شرکت‌های وابسته و فرعی لیسانس گیرنده جلوگیری می‌کند.

برای تأمین اهداف فوق، در معرفی طرفین قرارداد باید نام رسمی، آدرس‌ها، شماره و محل ثبت شرکت‌های طرف قرارداد، و اصلی یا فرعی یا وابسته یا شعبه بودن آنها تعیین شود.

### گفتار دوم: مقدمات، اهداف و انگیزه‌های انعقاد قرارداد

در این بخش هدف اساسی از انعقاد گیرنده می‌باشد و انگیزه‌های خاص هر یک از طرفین نسبت به انعقاد قرارداد مزبور بیان می‌شود. همچنین مالکیت لیسانس دهنده بر حق اختراع، دانش فنی، اسرار تجاری و علامت تجاری مورد قرارداد معرفی شده و به اینکه او قبلاً هیچ لیسانس متعارضی با قرارداد حاضر به اشخاص ثالث واگذار نکرده تأکید می‌شود. همچنین در صورت نیاز، ارتباط حقوقی این قرارداد با قراردادهایی که در گذشته منعقد شده‌اند و احیاناً قرارداد لیسانس حاضر نسبت به آنها یک قرارداد تبعی محسوب می‌شود نیز بیان می‌گردد.

### گفتار سوم: محل انعقاد، تاریخ اعتبار و شروع قرارداد<sup>۱</sup>

ذکر محل انعقاد قرارداد از این جهت اهمیت دارد که شروط شکلی مربوط به تنظیم سند قرارداد و برخی مقررات امری مانند الزام طرفین به ثبت سند قرارداد و یا دریافت تأییدیه رسمی دولت، تابع قوانین محل انعقاد قرارداد می‌باشد. علاوه بر اینکه طبق مفاد ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران، تعهدات ناشی از قرارداد هم اصولاً تابع قانون محل انعقاد قرارداد است.

<sup>۱</sup> . Purposes & Whereas Clauses – Preamble & Recitals.

از طرفی تاریخ لازم الاجرا شدن قرارداد و شروع اجرائی شدن آن نیز در اینجا بیان می‌شود. این تاریخ به لحاظ حقوقی اهمیت و آثار فراوانی به دنبال می‌آورد. لذا تعیین دقیق، و بیان آثار خاص ناشی از آن که مورد توجه طرفین قرارداد است بسیار اهمیت دارد.

### **فصل دوم: عناصر مربوط به تعیین موضوع قرارداد لیسانس و حدود آن**

شروط مربوط به تعیین موضوع قرارداد و بیان حدود و قیود و همچنین حقوق و تعهدات مربوط به آن در واقع بدنه قرارداد لیسانس را تشکیل می‌دهد. در این بخش نیز مانند بخش‌های دیگر قرارداد، باید دقت کافی برای تنظیم صحیح و درج مفاد لازم به عمل آید.

شروط مربوط به تعیین موضوع قرارداد لیسانس را در سه قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم. در قسمت یکم انواع حقوق و اموالی را که می‌توانند موضوع قرارداد لیسانس قرار بگیرند مطالعه خواهیم کرد. قسمت دوم مختص قیود و شرایط بهره‌برداری از موضوعات قرارداد لیسانس می‌باشد. در قسمت سوم نیز به بررسی مبالغ قراردادی به عنوان عوض موضوعات معرفی شده در قسمت اول می‌پردازیم.

### **گفتار اول: موضوع قرارداد لیسانس<sup>۱</sup>**

در تنظیم این دسته از شروط، دخالت متخصصین فنی برای تعریف جامع و مانع از موضوع قرارداد لیسانس ضروری است.

همانطور که قبلاً نیز بیان کردیم، قرارداد لیسانس نوعی قرارداد انتقال تکنولوژی است. در واقع در مفهوم کلی، یک تکنولوژی معین موضوع قرارداد لیسانس می‌باشد. اما می‌دانیم که مالکیت تکنولوژی در معنی حقوقی آن به چند صورت و در قالب برخی نهادهای حقوقی جلوه می‌کند. این نهادهای حقوقی عبارتند از حق اختراع ثبت شده، اسرار تجاری، دانش فنی و تجاری و مدیریتی مرتبط با تکنولوژی مربوطه، ارتقائات و پیشرفت‌های حاصل شده در اختراع موضوع قرارداد، طرح‌ها و مدل‌های صنعتی مرتبط با تکنولوژی مزبور، کپی رایتهای مربوطه و در نهایت علامت تجاری معرف محصول آن تکنولوژی.

آنچه موضوع اصلی قرارداد لیسانس را تشکیل می‌دهد، حق اختراع ثبت شده است. اما دانش فنی و اسرار تجاری به عنوان دومین موضوع قرارداد لیسانس می‌باشد. آنچه معرفی دقیق آن به عنوان سومین موضوع قرارداد لیسانس اهمیت فراوان دارد، ارتقائات و اصلاحات انجام شده در اختراع موضوع قرارداد است. این سه موضوع معمولاً مهمترین موضوعات قرارداد لیسانس را تشکیل می‌دهند، که ما در ادامه به ترتیب به بررسی هر یک خواهیم پرداخت. اما باقی موضوعات که در بالا به آنها اشاره شد، نیز به اختصار و با نگاهی گذرا معرفی می‌شوند.

### **مبحث اول- حق اختراع ثبت شده:<sup>۲</sup>**

تعهد اساسی لیسانس دهنده در قرارداد لیسانس، انتقال حق بهره‌برداری از حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس است. همانگونه که بیان شد انتقال این حق مبنای ایجاد تعهد لیسانس گیرنده به بهره‌برداری از اختراع مزبور می‌باشد، حتی اگر این تعهد در قرارداد صراحتاً ذکر نشده باشد.

قرارداد لیسانس دارای خصیصه شخصی است. لذا لیسانس گیرنده مجاز به انجام اعمال حقوقی تالی در مورد حق اختراع موضوع قرارداد و یا واگذاری قرارداد لیسانس نیست، مگر اینکه در قرارداد صراحتاً اجازه چنین اعمال حقوقی‌ای به لیسانس گیرنده داده شده باشد. البته انجام اعمال حقوقی تالی

<sup>۱</sup> . Subject Matter of the License.

<sup>۲</sup> . حق اختراع ثبت شده در زبان انگلیسی با اصطلاح PATENT و در زبان فرانسه با اصطلاح BREVET

بین بنگاه لیسانس گیرنده و شعبات آن معمولاً موضوع شروط خاصی قرار می‌گیرند. نکته دیگر در این باره این است که در حقوق کشورهای کاملاً مانند انگلیس، اگر لیسانس دهنده، عالم و عامداً، مبالغ قراردادی را از شخص ثالثی که ادعا می‌کند لیسانس گیرنده دست دوم است یا اینکه مدعیست قرارداد لیسانس به او واگذار شده است، بپذیرد، دیگر او نمی‌تواند، اعتبار اعمال حقوقی تالی انجام شده توسط لیسانس گیرنده را زیر سوال ببرد.

حال فرض کنیم لیسانس دهنده اجازه انجام اعمال تالی را کلاً یا بعضاً به لیسانس گیرنده بدهد. در اغلب چنین مواردی لیسانس دهنده شرطی را در قرارداد لیسانس اصلی می‌گنجاند که طی آن لیسانس گیرنده متعهد می‌شود شروط و مفاد قرارداد لیسانس اصلی را در قراردادهای لیسانس دست دوم تعبیه کند. تنها استثناء وارد بر چنین شرطی رعایت مبالغ و قیمت‌های قرارداد اصلی در قرارداد و اعمال تالی می‌باشد. چرا که این مساله منجر به پیدایش قیمت‌های از پیش تعیین شده می‌شود که براساس اکثر قوانین ضد انحصار و رقابت‌های تجاری مانند انگلیس، ممنوع است.

مسئولیت حفظ اعتبار و تمدید حق اختراع و هزینه‌های آن: سوال اصلی در این زمینه این است که مسئولیت حفظ وضعیت حقوقی معتبر حق اختراع موضوع قرارداد و تقبل هزینه‌های این امر به عهده کیست؟ به بیان دیگر، پیگیری مسائل اداری مربوط به حفظ یا تمدید حق اختراع مربوطه و هزینه‌های سالیانه و مالیاتی مربوط به آن و حتی هزینه‌های مربوط به ثبت ارتقائات و اصلاحات تکنولوژی موضوع قرارداد و... به عهده کدام یک از طرفین می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت که براساس رویه موجود در قراردادهای لیسانس که معقول نیز به نظر می‌رسد، مسوولیت مذکور بر دوش لیسانس دهنده می‌باشد. از آنجا که مالیکت حق اختراع مربوطه متعلق به لیسانس دهنده است، لذا مسئولیت حفظ وضعیت حقوقی معتبر این حق اختراع نیز به عهده صاحب آن است. این تعهد را می‌توان با تعهد مستأجر در قرارداد اجاره اشیاء بر حفظ قابلیت بهره‌برداری و انتفاع از مورد اجاره، متناظر دانست. زیرا به خصوص در قراردادهای لیسانس انحصاری، در صورت زوال اعتبار رسمی حق اختراع، خصوصیت تعلق انحصاری آن به صاحبش از بین می‌رود و اختراع مربوطه وارد عرصه عمومی شده، و نتیجتاً بهره‌برداری اقتصادی از حق اختراع مزبور غیر ممکن می‌شود.

### مبحث دوم- دانش فنی و اسرار تجاری:

در مباحث پیشین نوعی قرارداد لیسانس را معرفی کردیم که هم شامل حق اختراع بود و هم شامل دانش فنی و اسرار تجاری. این دسته از قراردادهای لیسانس که متداولترین و کاربردیترین نوع آن نیز هست، معروف به قرارداد لیسانس دورگه (هیبرید) می‌باشد.

دانش فنی معمولاً نقش بسیار مهمی در انتقال واقعی تکنولوژی موضوع قرارداد دارد. چرا که بخش عمده‌ای از دانش و فن مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس و همچنین اطلاعات و روش‌های مربوط به فرایندهای طراحی و تولید و بازاریابی و فروش محصول تکنولوژیک و حتی روش‌های خاص حسابداری و... در قالب دانش فنی انباشته شده و از آنجا که به صورت حق اختراع، ثبت نشده است معمولاً شروطی برای حفظ محرمانه آنها توسط طرفین در قرارداد درج می‌شود. معمولاً طرف لیسانس گیرنده علاوه بر دریافت بخش اصلی و پایه تکنولوژی که به صورت حق اختراع ثبت شده می‌باشد، برای به دست آوردن مجموعه اطلاعات و توانایی‌های مورد نیاز جهت بهره‌برداری حداکثری از تکنولوژی مربوطه، تمایل به دریافت دانش فنی نیز دارد. این تمایل زاییده یک واقعیت دیگر نیز هست و آن اینکه در صورت عدم کفایت اطلاعات و توانایی‌های منتقل شده به لیسانس گیرنده برای بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد، معمولاً لیسانس گیرنده به سمت نقض حقوق لیسانس دهنده برای به نتیجه رساندن پروژه ناقص موجود سوق پیدا می‌کند. حتی اگر لیسانس گیرنده برای رفع نیاز خود و گسترش دایره لیسانس نزد لیسانس دهنده مراجعه کند، باز هم تضمینی برای در دسترس بودن دانش فنی و اطلاعات علمی مورد نیاز او وجود ندارد. در بسیاری موارد نیز انتقال پسینی دانش

فنی و علمی، در مراحل بحرانی فرایند انتقال تکنولوژی، هزینه‌های سنگینی بر لیسانس گیرنده تحمیل می‌کند. به همین دلیل لیسانس گیرنده باید قبل از شروع پروژه و در مراحل مذکره و انعقاد قرارداد لیسانس، به این اطمینان برسد که به کلیه اطلاعات و دانش علمی و فنی مرتبط با تکنولوژی موضوع قرارداد دسترسی دارد.<sup>۱</sup> بنابراین، توصیف و تعیین محتوای دانش فنی در قرارداد باید دقیق و کافی باشد.

وقتی دانش فنی موضوع قرارداد لیسانس قرار می‌گیرد، لیسانس دهنده باید کلیه اطلاعات و فنون و روش‌های تشکیل دهنده دانش فنی مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد را برای لیسانس گیرنده افشاء و آنها را در دسترس او قرار دهد.<sup>۲</sup> برای این منظور، اولاً: باید دانش فنی مربوطه، به نحو دقیق و کافی در قرارداد تشریح شود، که کار بسیار دشواری است و نیاز به مشاورین فنی توانمند دارد. ثانیاً: برای تکمیل عملیات افشاء و انتقال دانش فنی، باید شروطی راجع به شرکت در کنفرانس‌های داخلی بنگاه لیسانس دهنده، بازدید از سایت‌های تولید و حتی تحقیق و توسعه لیسانس دهنده، شرکت کارکنان لیسانس گیرنده در کارگاه‌های آموزشی لیسانس دهنده، ارائه کمک‌های مستقیم فنی و مدیریتی با اعزام نیروهای لیسانس دهنده به بنگاه لیسانس گیرنده، و ارائه مشاوره‌های فنی و بازرگانی و مدیریتی و... در قرارداد درج شود. این دسته از شروط معمولاً تحت عنوان آموزش و کمک‌های فنی در قرارداد می‌آیند و جایگاهی بسیار حساس و حیاتی در انتقال واقعی تکنولوژی به بنگاه انتقال گیرنده دارند و به همین دلیل تنظیم آنها بسیار دشوار است.

یکی از طرق انتقال دانش فنی به لیسانس گیرنده، ارائه کمک‌های فنی و آموزش نیروی انسانی می‌باشد. در بعضی پروژه‌های انتقال تکنولوژی، به دلیل اهمیت و نقش اساسی دانش فنی در فرایند انتقال، پس از توصیف دقیق دانش فنی و محتویات آن در قرارداد لیسانس، قراردادی مجزا برای آموزش و ارائه کمک‌های فنی و در واقع انتقال دانش فنی موضوع قرارداد لیسانس بین طرفین منعقد می‌شود.

### مبحث سوم- ارتقانات و اصلاحات تکنولوژی<sup>۳</sup>:

یکی از اختلاف برانگیزترین مباحث در قراردادهای انتقال تکنولوژی و بخصوص قرارداد لیسانس، تعیین تکلیف مالکیت و حق بهره‌برداری از اصلاحات و ارتقانات انجام شده توسط طرفین در تکنولوژی موضوع قرارداد در طول مدت آن می‌باشد. مشکل عمده بر سر راه تعیین قواعد حاکم بر اصلاحات و ارتقانات تکنولوژی، خصوصیت پویایی و متحول بودن اموال فکری و بخصوص تکنولوژی است؛ بدین معنی که اموال فکری به دلیل اینکه محصول فکر و اندیشه انسانی هستند و این خصیصه در اختراعات بیشتر با قوه ابتکار و خلاقیت فکری مخترع مرتبط است، لذا این اموال دائماً زمینه و پایه ایجاد تحول و تغییر را برای دسترسی به تکنولوژی‌های جدید به وجود می‌آورند. در این مسیر، تشخیص اینکه آیا پیشرفت‌ها و اصلاحات انجام شده بر روی یک تکنولوژی خود یک تکنولوژی جدید قابل ثبت و مستقل محسوب می‌شود، یا اینکه فرع بر تکنولوژی پایه می‌باشد، بسیار مشکل و تعیین معیارهای عینی و واضح برای این دو وجه از دشواری زیادی برخوردار است. خصیصه متحول و پویای تکنولوژی موجب این می‌شود که یک تکنولوژی معین ظرف مدت کوتاهی کهنه و از رده خارج شود و جای آن را تکنولوژی‌های جدید بگیرد. این مسأله بخصوص در بخش تکنولوژی‌های نو و پیشرفته بیشتر به چشم می‌خورد. همین پدیده است که تمایل طرفین قرارداد لیسانس را به بهره‌برداری از اصلاحات و ارتقانات انجام شده بر تکنولوژی پایه قرارداد افزایش می‌دهد.

<sup>۱</sup> . Iain Purvis , Working with technology , p. 440 , 441

<sup>۲</sup> . William Cornich , Intellectual property , p.277

<sup>۳</sup> . ارتقانات و اصلاحات تکنولوژی در زبان انگلیسی با اصطلاح Improvement یا Promotion و در زبان فرانسه با

اصطلاح Perfectionnement معرفی می‌شود.

در تنظیم شروط مربوط به مبادله ارتقائات و اصلاحات تکنولوژی اصلی، طیف متنوعی از اقدامات و حقوق و تعهدات برای طرفین وضع می‌شود که بسته به قدرت و حجم بنگاه‌های طرفین، اهداف و استراتژی‌های آینده آنها و همچنین ماهیت ارتقائات و اصلاحات مورد نظر، از یک قرارداد لیسانس به قرارداد لیسانس دیگر تغییر می‌کند.

شرط کلی مبادله ارتقائات و اصلاحاتی که ضمن قرارداد لیسانس درج می‌شود، تعهد طرفین به انتقال و مبادله کلیه ارتقائات و اصلاحاتی انجام شده توسط آنها در مدت زمان اعتبار قرارداد لیسانس می‌باشد. البته ممکن است این شرط تنها لیسانس دهنده یا لیسانس گیرنده را متعهد به مبادله مزبور نماید. شروط دیگر مربوط به ارتقائات و اصلاحات تکنولوژی پایه، عمدتاً باید در باب چهارم مساله صراحتاً تعیین تکلیف کند: یکم اینکه ارتقاء و اصلاح تکنولوژی پایه را تعریف و آن را از انواع تکنولوژی‌هایی که ممکن است به عنوان تکنولوژی مستقل محسوب شوند تفکیک کند. دوم اینکه نحوه و زمان انتقال ارتقائات و اصلاحات مربوطه را مشخص نماید. سوم اینکه نحوه و روش بهره‌برداری و قیود و شروط آنرا تعیین نماید. و چهارم اینکه تکلیف حقوق و تعهدات مزبور را پس از اختتام قرارداد لیسانس اصلی روشن نماید.

ارتقائات و اصلاحاتی که بر روی یک تکنولوژی انجام می‌گیرند، به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: (۱) دسته‌ای از ارتقائات و اصلاحات هستند که قابل ثبت به صورت حق اختراع مستقل نیستند. این نوع از ارتقائات و اصلاحات به صورت دانش فنی باقی می‌مانند و این به علت آن است که خصوصیات لازم برای ثبت به صورت یک حق مستقل را ندارند. بنابراین برای مبادله این دسته از ارتقائات و اصلاحات باید مفاد انتقال دانش فنی مشروحه در قسمت قبل رعایت و شروط حفظ محرمانه اسرار و رازداری برای آنها نیز تنظیم گردد. اصولاً تشریح خصوصیات این دسته از ارتقائات بسیار دشوار است. البته در حقوق فرانسه، این دسته از ارتقائات را می‌توان به صورت یک حق اختراع تکمیلی وابسته به حق اختراع پایه ثبت نمود. اما خصوصیت حق اختراع تکمیلی مزبور این است که اعتبار و مدت حمایت از آن تابع اعتبار و مدت حمایت از اختراع پایه است. یعنی مدت حمایت دولت از حق اختراع تکمیلی حداکثر معادل باقیمانده مدت حق اختراع پایه می‌باشد و همچنین در صورت زوال اعتبار یا بطلان حق اختراع پایه به هر دلیلی، اعتبار حق اختراع تکمیلی نیز زائل می‌شود. به دلیل همین خصوصیت است که حق اختراع تکمیلی را فرع بر اختراع اصلی و وابسته به آن می‌دانند. (۲) دسته دیگری از ارتقائات و اصلاحات هستند که واجد خصوصیات یک اختراع مستقل بوده و لذا قابلیت ثبت به عنوان یک حق اختراع مستقل را دارا می‌باشند. لفظ ارتقاء و اصلاح تنها از این جهت برای این دسته برگزیده می‌شود که مبنای آنها تکنولوژی پایه‌ای است که به صورت یک حق اختراع قبلاً ثبت شده است. والا این دسته در معنای واقعی کلمه حق اختراع مستقل محسوب می‌شوند.

### **گفتار دوم: شرایط بهره‌برداری از موضوع قرارداد لیسانس**

همانطور که قبلاً نیز بیان کردیم، منظور از شروط بهره‌برداری از موضوع قرارداد لیسانس، محدودیت‌ها و مختصات استفاده از تکنولوژی موضوع قرارداد (حق اختراع، دانش فنی، ارتقائات) می‌باشد که در قالب سه دسته از شروط به بررسی آنها می‌پردازیم: (۱) قلمرو سرزمینی بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد، (۲) انواع بهره‌برداری از تکنولوژی قرارداد، و (۳) انحصاری یا منفرد یا غیر انحصاری بودن بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد.

ذکر این نکته در ابتدای بحث ضروری است که در حقوق بسیاری از کشورها، عدم رعایت قیود و محدودیت‌های مربوط به بهره‌برداری از موضوع قرارداد لیسانس، نه تنها به عنوان نقض تعهدات قراردادی قابل پیگیری و اقامه دعوا است، بلکه در صورت نقض حقوق دیگر لیسانس گیرندگان، قابلیت اقامه دعوا با عنوان رقابت غیر عادلانه را نیز دارد.

## مبحث اول- قلمرو سرزمینی:

در سرزمین بودن مالکیت بر اموال فکری و به خصوص حق اختراع، یکی از خصیصه‌های قابل توجه آنها است. از آنجا که اموال فکری و به خصوص حق اختراع، بسیار فرار بوده و قابلیت کپی‌برداری و استفاده ناروا از آن بسیار بالا است، لذا مفهوم مالکیت بر این اموال با حمایت دولت‌ها از آنها در برابر استفاده ناروا و تقلب و کپی‌برداری، عجین شده است. به همین دلیل، حدود و احکام مالکیت بر یک حق اختراع ممکن است به تناسب کشوری که در آن به ثبت رسیده است متغیر و متفاوت باشد. به این دلیل است که معمولاً برای تعیین محدوده بهره‌برداری و استفاده از حق اختراع موضوع قرارداد، آن را براساس قلمروهای سرزمینی‌ای که در آنها حق اختراع مربوطه مورد حمایت دولت حاکم می‌باشد، تفکیک می‌کنند. حال این قلمرو سرزمینی می‌تواند بخشی از یک کشور، یک کشور یا مجموعه‌ای کشورها باشد.

مفهوم دقیق تعیین قلمرو سرزمینی بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس، تعیین محدوده- ای است که لیسانس گیرنده می‌تواند در آن، تکنولوژی موضوع قرارداد را در قالب انواع روش‌های بهره‌برداری‌ای که در قرارداد تعیین شده، مورد بهره‌برداری و استفاده اقتصادی قرار دهد. لیسانس دهندگان معمولاً شرایطی را برای محدود کردن صادرات و واردات و همچنین خرید و فروش محصول تکنولوژی موضوع قراردادهای لیسانس بین قلمروهای سرزمینی مختلف وضع می‌کنند که مخالف اصل آزادی جریان کالا در حقوق رقابت اروپائی می‌باشد. سکوت قرارداد در باب قلمرو سرزمینی: در صورت سکوت قرارداد در مورد قلمرو سرزمینی، اصل بر این است که لیسانس گیرنده حق بهره‌برداری از اختراع موضوع قرارداد لیسانس را در همه قلمرویی که حق اختراع مزبور در آن، مورد حمایت دولت است، در اختیار دارد، مگر اینکه قصد طرفین اگرچه به نحو غیر صریح خلاف این اصل را ثابت کند.

## مبحث دوم- انواع بهره‌برداری:

معمولاً در قرارداد لیسانس، انواع روش‌های بهره‌برداری از اختراع موضوع قرارداد تعیین می‌شود. منظور این است که صراحتاً بیان می‌شود که تکنولوژی موضوع قرارداد برای تولید و / یا توزیع و / یا بازاریابی و / یا فروش و / یا تحقیق و توسعه و... محصول تکنولوژی مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی اگر محصولات ناشی از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس متعدد باشند، محصولاتی که اجازه انجام عملیات خاص فوق‌الذکر راجع به آنها داده شده، به دقت تعریف و مشخصات فنی و تولیدی و استانداردهای مربوط به آنها معین می‌شود. بدیهی است که در صورت سکوت قرارداد در باب این موضوع، لیسانس گیرنده حق همه نوع بهره‌برداری را از تکنولوژی موضوع قرارداد دارد. لیسانس دهندگان تمایل به لیست کردن استفاده‌های مربوط به تکنولوژی موضوع قرارداد دارند.<sup>1</sup> ولی لیسانس گیرندگان با هدف گسترش محدوده بهره‌برداری از موضوع قرارداد متمایل به تنظیم عبارات کلی و حتی مبهم هستند.

## گفتار سوم: مبالغ قراردادی

مفاد و شروط مربوط به مبالغ قراردادی به عنوان شروط تعیین کننده معوض تکنولوژی موضوع قرارداد بسیار مهم است، و از آنجا که منافع لیسانس دهنده و لیسانس گیرنده در این بخش تعارض زیادی با هم پیدا می‌کند، انجام مذاکرات قراردادی و تنظیم مفاد نهائی آن بسیار دشوار است.

<sup>1</sup> . Michael Brooke , Licensing , p.132

شروط مربوط به مبالغ قراردادی براساس برخی عوامل تعیین می‌شوند که عبارتند از: (۱) نوع و ماهیت تکنولوژی: بدین معنی که نوع تکنولوژی موضوع قرارداد و ماهیت کاربردی و محصولی آن در تنظیم این شروط دخیل هستند. (۲) ماهیت حقوق مالکیت فکری موضوع قرارداد: بسته به اینکه تکنولوژی موضوع قرارداد به صورت حق اختراع یا دانش فنی و یا به همراه دیگر شکل‌های اموال فکری ارائه شود، مفاد این شروط تغییر می‌کند، (۳) میزان و مرحله‌ای از پیشرفت که تکنولوژی مربوطه در آن قرار دارد: اینکه تکنولوژی موضوع قرارداد در مرحله تحقیقات پایه یا تحقیقات کاربردی یا تحقیقات توسعه‌ای یا مهندسی ساخت یا مهندسی تولید یا بازاریابی باشد، باید در تنظیم این شروط مورد توجه قرار گیرد. (۴) اعتبار و شایستگی و ظرفیت‌های صنعتی - تجاری لیسانس گیرنده. (۵) هزینه‌های لیسانس دهنده. این عوامل در تعیین نوع، نحوه، میزان و زمان پرداخت مبالغ و دیگر شروط مربوط به آن دخیل هستند.

اصولاً پنج روش برای پرداخت مبالغ قراردادی وجود دارد که عبارتند از: (۱) پرداخت به صورت سود سهام، (۲) پرداخت به صورت تجارت متقابل، (۳) پرداخت به صورت مقطوع، (۴) پرداخت به صورت رویالتی، (۵) روش ترکیبی پرداخت. از آنجا که متداول‌ترین شیوه پرداخت، سیستم رویالتی است آنهم به صورت ترکیبی، ما ابتدا به نحو خلاصه، چهار روش اولیه را توضیح می‌دهیم و سپس روش پرداخت به صورت ترکیبی را بررسی می‌کنیم.

#### **مبحث اول- پرداخت به صورت سود سهام:**

در مواقعی که قرارداد لیسانس به عنوان یک زیر قرارداد برای یک قرارداد دیگر باشد، که در آن لیسانس دهنده، تکنولوژی خود را به عنوان آورده در یک شرکت مشترک سرمایه‌گذاری کرده است، در واقع، لیسانس گیرنده همان شریک شرکت مشترک می‌باشد و مبالغ قراردادی متعلق به لیسانس دهنده به صورت سود سهام او در شرکت مشترک متناسب با برآورد ارزش تکنولوژی مربوطه، پرداخت می‌شود.

#### **مبحث دوم- پرداخت به صورت تجارت متقابل:**

این روش پرداخت که روز به روز در حال گسترش است، در این روش، لیسانس گیرنده متعهد می‌شود که در قبال بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس، بخشی از محصولات تولیدی مربوط به تکنولوژی مربوطه را به لیسانس دهنده تحویل دهد. البته ممکن است، لیسانس گیرنده با بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس، توانائی ارائه خدمات خاصی را تحصیل کند که در این صورت در قبال بهره‌برداری از آن تکنولوژی، خدماتی را به لیسانس دهنده ارائه می‌کند.

شرط تجارت متقابل در قرارداد لیسانس، به دلیل آمیختگی با مباحث مدیریت بازرگانی و به خصوص بازاریابی و همچنین سیستم‌های انتقال و ارزیابی کالاهای تولیدی، به نوعی از موضوع این تحقیق خارج است. تنها نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد این است که در تنظیم این شرط، توجه به مقررات امری صادرات و واردات کشور لیسانس گیرنده به دلیل وجود محدودیت‌های زیاد در این زمینه، و همچنین دقت در مقررات مربوط به استانداردهای کالاهای وارداتی کشور لیسانس دهنده اهمیت فراوانی دارد. زیرا از آنجا که معمولاً سطح استانداردهای اجباری کشور لیسانس گیرنده بالاتر است، ممکن است لیسانس گیرنده قادر به تأمین آن استانداردها در محصول تولیدی خود نباشد.

#### **مبحث سوم- پرداخت به صورت رویالتی:**

روش پرداخت دیگر در قراردادهای انتقال تکنولوژی و به خصوص قرارداد لیسانس، روش پرداخت به صورت رویالتی است. ما در ابتدای این فصل، تعریفی از رویالتی ارائه دادیم. اکنون با دقت بیشتری به تبیین مفهوم رویالتی و بررسی شروط و مطالب مربوط به آن خواهیم پرداخت.

رویالتی عبارت است از روش پرداختی که در آن لیسانس گیرنده متعهد می‌شود، مبلغ قرارداد را براساس درصدی از قیمت تمام شده محصول تولید، یا درصدی از قیمت فروش محصول تولیدی، یا درصدی از سود حاصل از فروش محصول تولیدی، در مقاطع معین زمانی به لیسانس دهنده بپردازد. البته در برخی از نوشته‌ها، رویالتی به معنی کلی پرداخت مبالغ قراردادی در قرارداد لیسانس معرفی شده است. بدین ترتیب، پرداخت به صورت مقطوع، و پرداخت به صورت درصدی (رویالتی به معنی خاص) از انواع آن هستند. این تعهد، از تعهدات اصلی گیرنده است حتی اگر در قرارداد هم ذکر شده باشد و یا لیسانس انحصاری نباشد نیز این تعهدات باید اجرا شود اما اگر به دلایل و فورسهای اقتصادی یا فنی، لیسانس گیرنده نتواند از آن بهره‌برداری نماید، قرارداد فسخ می‌شود بدون اینکه تقصیری متوجه گیرنده لیسانس باشد.

#### **مبحث چهارم- روش ترکیبی پرداخت:**

واقعیت این است که مبالغ قرارداد در قرارداد لیسانس ترکیبی از دو روش پرداخت به صورت مقطوع و رویالتی است. طرف لیسانس دهنده در اکثر مواقع ترجیح می‌دهد که از روش رویالتی برای دریافت مبالغ قراردادی استفاده کند. زیرا این روش انگیزه لیسانس گیرنده را به بهره‌برداری کمی و کیفی بیشتر از تکنولوژی موضوع قرارداد افزایش می‌دهد و این افزایش موجب ایجاد سود بیشتر برای لیسانس دهنده می‌شود. اما در مواقعی که درآمد قابل انتظار از روش رویالتی احتمال کمتری داشته باشد، ترجیح لیسانس دهنده بر پرداخت به صورت مقطوع قرار می‌گیرد. در روش ترکیبی پرداخت مقطوع و رویالتی، می‌توان شروط و مفادی را گنجانده که عیب ناشی از استفاده منفرد از هر یک از این دو روش را نداشته باشد و در عین حال مزیت‌های آنها را با خود به بار بیاورد.

#### **مبحث پنجم- پرداخت به صورت مقطوع:**

منظور از پرداخت به صورت مقطوع، تعیین کل مبلغ قابل پرداخت توسط لیسانس گیرنده؛ از ابتدا در قرارداد است. حال ممکن است این مبلغ معین در اقساط متعدد پرداخت شود. این روش بیشتر در مورد تکنولوژی‌هایی به کار می‌رود که لیسانس دهنده آینده تجاری آنها را در قالب قرارداد لیسانس، چندان مطلوب پیش‌بینی نمی‌کند و لذا حاضر به موقوف و متکی کردن مبالغ قراردادی بر عواملی چون تولید یا فروش محصول تکنولوژیک موضوع قرارداد نمی‌شود. از طرفی ممکن است، برآورد پرداخت قیمت تکنولوژی مربوطه به روش‌های دیگر، نشان دهنده این باشد که آن روش‌ها برای لیسانس دهنده بهینه و اقتصادی نیست.

از مزیت‌های روش پرداخت مقطوع این است که میزان درآمد لیسانس دهنده در آن معین و دارای تضمین قراردادی است. اما پرداخت آن برای لیسانس گیرنده ممکن است سنگین و در نهایت، غیر اقتصادی باشد. از طرفی انعطاف پرداخت به صورت رویالتی به نحوی است که منافع لیسانس گیرنده را بیشتر تأمین می‌کند. چرا که پرداخت براساس درصدی از میزان درآمد (خالص یا ناخالص) است. اما ممکن است دلخواه لیسانس دهنده نباشد. زیرا ممکن است میزان درآمد لیسانس گیرنده به آن حد نرسد که رویالتی حاصل از آن انتظارات لیسانس دهنده را برآورده کند. در صورتی که طراحی سیستم پرداخت ترکیبی می‌تواند منافع طرفین را تأمین کند.

#### **گفتار چهارم: شروط مربوط به ضمانت‌های قراردادی در قرارداد لیسانس**

شروط مربوط به تعهدات و تضمیناتی که طرفین قرارداد لیسانس در قبال یکدیگر به عهده می‌گیرند و مسئولیت‌هایی که قوانین و مقررات امری بر دوش آنها می‌گذارد، و همچنین مکانیزم‌های قراردادی‌ای که برای کاهش این تعهدات مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حیطه بحث مسئولیت‌های قراردادی واقع و

نیاز به یک تحقیق مجزا حتی در حد یک پایان نامه دارد. ما در این قسمت فقط به معرفی اجمالی این ضمانت‌های قراردادی و مسئولیت‌های مربوطه می‌پردازیم.

### مبحث اول- ضمانت‌های لیسانس دهنده در قبال لیسانس گیرنده:

در قراردادهای لیسانس همواره لیسانس گیرندگان به دنبال کسب ضمانت‌های قوی و گسترده از لیسانس دهنده هستند. عمده این ضمانت‌ها کم و بیش در پنج دسته به قرار زیر خلاصه می‌شود. ضمانت اعتبار حق اختراع موضوع قرارداد: بدین معنی که لیسانس دهنده، وجود و ادامه اعتبار حق اختراع موضوع قرارداد لیسانس را تا پایان مدت قرارداد در قبال لیسانس گیرنده تضمین می‌نماید. ضمانت اصالت و ذیحق بودن لیسانس دهنده در اعطای لیسانس: می‌دانیم که لیسانس دهنده یا باید مالک حق اختراع باشد، یا باید به نوعی انتقال منافع ناسی از حق اختراع مربوطه را داشته باشد. در این جا لیسانس دهنده اصالت و ذیحق بودن خود را بر انعقاد قرارداد لیسانس در قبال لیسانس گیرنده تضمین می‌کند.

ضمانت عدم نقض حقوق اشخاص ثالث: بدین معنی که لیسانس دهنده ضمانت می‌کند که بهره‌برداری از تکنولوژی موضوع قرارداد، حقوق اشخاص ثالث را نقض نمی‌کند. ضمانت قابلیت بهره‌برداری فنی از تکنولوژی موضوع قرارداد: بدین معنی که لیسانس دهنده کاربرد و قابلیت بهره‌برداری تجاری از حق اختراع موضوع قرارداد را در قبال لیسانس گیرنده ضمانت می‌کند.

### مبحث دوم- مسئولیت ناشی از محصول و شروط مربوط به کنترل کیفیت:

یکی از مسئولیت‌هایی که در قرارداد انتقال تکنولوژی و به خصوص لیسانس، طبق مقررات امری مربوط به حقوق مصرف کنندگان، برطرفین بار می‌شود، مسئولیت ناشی از محصول است. بحث مسئولیت ناشی از محصول در حیطه مباحث مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد و از محدوده موضوعی این تحقیق خارج است. ما در این قسمت سعی داریم، مکانیزم‌های قراردادی کاهش مسئولیت مزبور را بررسی نماییم.

تفکیک بین دو نوع مسئولیت: باید بین مسئولیت ناشی از محصول و مسئولیت ناشی از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس تفکیک قائل شویم.

مسئولیت نوع دوم به معنی مسئولیت لیسانس گیرنده در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث بر اثر بهره‌برداری نادرست از تکنولوژی موضوع قرارداد لیسانس است. معمولاً در قرارداد لیسانس بر وجود این مسئولیت بر دوش لیسانس گیرنده تصریح می‌شود. ولی لیسانس گیرندگان، معمولاً مسئولیت ناشی از تکنولوژی موضوع قرارداد را در دو صورت نمی‌پذیرند: یکم در فرضی که خسارت به بار آمده ناشی از نقص و عدم وضوح توصیف تکنولوژی توسط لیسانس دهنده در قرارداد باشد، و دوم اینکه خسارات وارده ناشی از عیب ذاتی تکنولوژی باشد.

اما مسئولیت ناشی از محصول به معنی مسئولیت تولید کنندگان محصول در قبال خسارات وارده به اشخاص ثالث، بر اثر عیب محصول تولیدی توسط آنها می‌باشد.

اقدامات کاهش دهنده مسئولیت ناشی از محصول: معمولاً برای کاهش یا پوشش این نوع از مسئولیت مدنی در قراردادهای انتقال تکنولوژی، دو نوع شرط طراحی می‌شود: (۱) شروط مربوط به کنترل کیفیت، و (۲) شروط مربوط بیمه‌های مسئولیت در شروط مربوط به کنترل کیفیت، باید استانداردهای کیفی و ایمنی و زیست محیطی و... که رعایت آنها توسط لیسانس گیرنده در تولید محصول الزامی است دقیقاً تعیین شوند. از طرفی لیسانس دهنده نیز حق بازرسی خود را از اسناد، دفاتر، آزمایشگاه‌ها، کارخانه‌ها و خطوط تولید لیسانس گیرنده، محفوظ می‌دارد تا بدین وسیله کنترل لازم را بر حفظ کیفیت

<sup>1</sup> . Warranty of technical applicability or usefulness of the patent

استاندارد محصولات، داشته باشد. نکته آخر اینکه در قراردادهای لیسانس که حق بهره‌برداری از علامت تجاری نیز به لیسانس گیرنده اعطاء می‌شود، شروط مربوط به کنترل کیفیت، جایگاه بسیار مهمی دارند زیرا موجب حفظ شهرت و اعتبار بنگاه لیسانس دهنده می‌شوند.

### **فصل سوم: شرایط اعتبار قرارداد لیسانس**

مطالعه شرایط اعتبار قرارداد لیسانس، که به ساختار داخلی آن مربوط است، در دو مبحث امکانپذیر است.

#### **گفتار اول: شرایط شکلی اعتبار قرارداد لیسانس**

لیسانس انحصاری به لحاظ اقتصادی، با انتقال پروانه اختراع مشابهت‌های زیادی دارد. مطابق قوانین آمریکا، لیسانسی که بر اساس تاریخ انعقاد مقدم است بر سایرین اولویت خواهد داشت حتی اگر لیسانس گیرنده بعدی در اخذ لیسانس، با حسن نیت عمل کرده باشد.

همچنین از همین قانون استفاده می‌شود که قاعده خریدار با حسن نیت، علیرغم تصریح لزوم ثبت انتقالات در اداره ثبت اختراعات، در زمینه پروانه اختراع نیز قابل اعمال است، ولی در مورد قراردادهای لیسانس ساکت است. دادگاه فدرال آمریکا اعمال این قاعده را در زمینه لیسانس‌های غیر انحصاری نپذیرفته است.

در سایر کشورها نیز تقریباً همین قاعده مورد اتفاق است که انتقال پروانه اختراع زمانی واجد اعتبار است که به ثبت رسیده باشد. در برخی از کشورها ثبت قرارداد لیسانس برای حفظ اولویت بر لیسانس‌های بعدی الزامی است همانند؛ کشورهای فرانسه و انگلستان. در برخی دیگر از کشورها نیز ثبت قرارداد لیسانس شرط اعتبار آن است مثل کشور ژاپن.

در قانون ثبت علائم تجاری ایران، هرچند تصریحی در خصوص قرارداد لیسانس وجود ندارد، اما ماده ۴۰ آن مشعر بر این است که «هرگونه معاملات راجع به پروانه اختراع باید به موجب سند رسمی بعمل آمده باشد و در دفتر ثبت اختراعات نیز ثبت شود و الا آن معامله نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود...» می‌تواند در جهت تقویت این نظر مورد استفاده قرار گیرد که ثبت رسمی قرارداد لیسانس الزامی است، نه به آن جهت که از شرایط صحت محسوب می‌شود، بلکه از این نظر که موجب غیر قابل استناد بودن آن در مقابل اشخاص ثالث می‌شود.

#### **گفتار دوم: شرایط ماهوی اعتبار قرارداد لیسانس**

در حقوق ایران و در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، برای اعتبار قرارداد، چهار شرط برشمرده شده است. قرارداد لیسانس به عنوان یکی از انواع قراردادهای، مشمول رعایت این شرایط است.

#### **مبحث اول- قصد و رضای طرفین (اعتبار قرارداد لیسانس فضولی)**

بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران، قصد طرفین عقد و رضای آنها از جمله شرایط صحت عقد است. بر این اساس، عقدی که توسط دیگری بدون داشتن نمایندگی از جانب اصیل منعقد می‌شود، عقد

فضولی است و در صورت تنفیذ اصیل، به وی منتسب خواهد شد. نظریات متعددی در خصوص چگونگی انتساب اراده فضول به اصیل وجود دارد که در تحقیق حاضر، مجال شرح آن نیست.<sup>۱</sup> دکتر جعفری لنگرودی، ضمن نقل بستر تاریخی تشکیل تاسیس عقد فضولی، بر این اعتقاد دارند که: «تصحیح عقد فضولی، از باب اداره عقود به وسیله شارع قانونگذار است به شرحی که ذیل واژه اداره عقد در کتاب دائره المعارف حقوق تعهدات آمده است. شارع اسلام در باب خیارات قانونی از طریق قاعده لاضرر به اداره عقود و معاملات پرداخته است؛ تفکر در این باب از مویدات نظریه اداره عقد است. این نظریه دخل و تصرفی در عناصر عمومی عقد نمی کند و آن عناصر را در هم نمی ریزد. بلکه حکم عقد فضولی را روشن می کند و به فلسفه وجود شناسی در باب وجود سبب و شرط هم توجه ندارد و از همه ایرادات مصون است.»

بر این اساس این سوال قابل طرح است که اگر کسی غیر از مالک پروانه اختراع، آن را در قالب لیسانس واگذار نماید، آیا این عقد فضولی است و قابل تنفیذ؟ یا این که باطل است؟ اگر بپذیریم که تاسیس عقد فضولی مطابق قاعده است، بنابراین نباید بین اموال مادی و غیر مادی از این نظر تفاوتی باشد، مگر اینکه وجود خاصیتی در اموال غیر مادی، این تفاوت را ایجاد نماید. برعکس، اگر بر آن باشیم که این تاسیس، امری استثنائی است تعمیم آن به موارد دیگر ممکن نیست. اگر صحت عقد فضولی را تنها از باب اداره عقد بدانیم، به نظر می رسد در خصوص اموال غیر مادی، در صحت عقد فضولی می توان تردید نمود. در حقیقت، هدف قانونگذار از به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری، حمایت از خلاقیت و ابداع بوده است. اعطای حقوق انحصاری به مالک این دسته از حقوق در استفاده از آن، یا حق منع دیگران از استفاده، فروش، عرضه برای فروش، یا تولید آن بر این بوده است که سرمایه گذاری موصوف در صورت به ثمر رسیدن و به واسطه حمایت قانونی، قابل برگشت خواهد بود. این امر اقتضای آن دارد که هرگونه اقدامی که با این انحصار در تضاد باشد، فاقد اثر قانونی باشد. تجویز صحت قرارداد لیسانس فضولی، که به نوعی متضمن نفی حقوق انحصاری به رسمیت شناخته شده توسط قانون است، نقض غرض قانونگذار در حمایت از ابداع و خلاقیت است. بنابر این در خصوص این دسته از اموال، شاید بتوان قائل به بطلان عقد فضولی به طور مطلق بود.

### مبحث دوم- مورد قرارداد لیسانس (مورد معامله)

در بند سوم از ماده ۱۹۰ قانون مدنی «موضوع معین که مورد معامله باشد» از دیگر شرایط صحت عقد شمرده شده است. «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد» (ماده ۲۱۶). همچنین نباید مبهم باشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است. «(ماده ۲۱۷). به این ترتیب این سوال مطرح می شود که در قرارداد لیسانس، مورد معامله چیست؟ آیا مالکیت فکری، از جمله پروانه اختراع، اوصاف مقرر در ماده فوق الذکر را دارد؟ از مالکیت فکری، در فقه به عنوان یکی از منابع عمده قانون مدنی ایران ذکری به میان نیامده است. در واقع این امر یکی از مسائلی است که هنوز هم به عنوان یک امر واجد اهمیت در توسعه، نه در میان فقها و نه در میان مراجع دولتی، بخصوص در مجلس شورای اسلامی آنچنان که باید مورد اهتمام قرار نگرفته است. تنها قانون موجود در این زمینه قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات است که در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسیده و در زمینه اختراعات تنها واجد ۲۳ ماده است. قوانین موجود در ایران در این زمینه، به هیچ عنوان پاسخ گوی نیازمندی های جامعه ای که قصد صنعتی شدن داشته و گام هایی

<sup>۱</sup> برای مطالعه تفصیلی نظریات مختلف در خصوص عقد فضولی ر.ک. کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، حقوق

را نیز در این زمینه برداشته است، نیست.<sup>۱</sup> با این حال همین قانون ناقص، با در نظر گرفتن قانون حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب ۱۳۴۸ و نیز قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، و قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳، حاکی از آن است که مالکیت فکری، موضوعی است که توسط قانون ایران به رسمیت شناخته شده است.

مورد معامله در قرارداد لیسانس با موضوع پروانه اختراع، حقوق مالک پروانه اختراع نسبت به موضوع اختراع است. در این صورت تعریف مورد معاله اولاً با اشاره به شماره پروانه اختراع و کشور محل صدور آن صورت می گیرد. ثانیاً با ذکر حق یا حقوقی که به لیسانس گیرنده واگذار می شود، صورت می گیرد. باید توجه داشت که پروانه اختراع، حقوق متعددی را به مالک آن می دهد، از جمله حق استفاده، فروش، عرضه برای فروش و تولید. و در عین حال مالک ممکن است بنا به مصالحی، نخواهد کلیه این حقوق را به لیسانس گیرنده واگذار نماید. برای مثال ممکن است حق تولید و استفاده را به وی بدهد، ولی حق فروش را از وی سلب نماید.

در خصوص پروانه اختراع به عنوان مورد معامله در قرارداد لیسانس، نکات ذیل باید مورد توجه قرار گیرد: الف- برای اینکه ابداعی، اختراع محسوب شود باید واجد شرایط زیر باشد: ۱- جدید باشد. ۲- در آن ابداعی وجود داشته باشد.<sup>۲</sup> ۳- قابلیت صنعتی شدن داشته باشد. این قیود که در قوانین کشورهای دیگر نیز وجود دارد از جمله مواد ۲۶ و بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات تجاری ایران قابل استفاده است. ماده ۲۶ حاوی قید سوم یعنی قابلیت صنعتی شدن و ماده ۲۷ حاوی قید جدید بودن است. ولی از قید دوم اثری در قانون ایران نیست هرچند برخی از صاحب نظران این قید را از ماده ۲۷ قابل استنباط می دانند. یک اختراع زمانی واجد گام ابداعی است که «با در نظر گرفتن وضعیت قبلی آن رشته، اختراع برای فردی که در آن زمینه متبحر است، واضح نباشد.» صدور پروانه اختراع به آن معنا است که از نظر اداره ثبت اختراعات، شرایط قانونی لازم برای این که اختراع ابداعی، در واقع اختراع محسوب شود، وجود داشته است. با این حال این تشخیص قطعی نیست و قابلیت خدشه را دارد. در حقیقت صدور پروانه اختراع، موجد حق انحصاری در بهره برداری برای مالک پروانه اختراع است. بدیهی است که این حقوق انحصاری، برای رقبای مالک، ایجاد محدودیت می کند و زمینه را برای رقابت آنها محدودتر می نماید. این محدودیت زمانی می تواند موجه باشد که کسی که به نفع وی حقوق انحصاری ایجاد شده، در واقع ابداعی را به جامعه معرفی نموده باشد که شایسته این حمایت باشد. پس اگر موضوع پروانه اختراع واجد شرایط موصوف نباشد، نباید مورد حمایت قرار گیرد. بهمین دلیل است که در قوانین تمام کشورها، حق اعتراض ثالث به پروانه اختراع صادر شده و به رسمیت شناخته شده است. به رسمیت شناخته شدن این حق از جمله به دلیل آن است که افراد خصوصی بهتر می توانند از حق خود دفاع نمایند و به واسطه ذی نفع بودن، از به وجود آمدن انحصارات بی مورد - که از جمله اهداف حقوق رقابت است - جلوگیری نمایند. دلیل دیگر این است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، مرجع صدور پروانه اختراع، بررسی دقیق در خصوص وجود شرایط قانونی، از جمله جدید بودن و وجود گام ابداعی به عمل نمی آورد. بنابراین این طبیعی است که راه تجدید نظر در این خصوص باز باشد.

### مبحث سوم- شرایط مربوط به قیمت (عوض)

<sup>۱</sup>. بسیاری اعتقاد دارند که شرط لازم برای رواج قراردادهای لیسانس، وجود حمایت قانونی قوی از مالکیت های فکری به خصوص پروانه اختراع است.

<sup>۲</sup>. محمودی، اصغر، "اختراعات قابل حمایت"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر میر

قاسم جعفر زاده، شهریور ۱۳۹۱، ص ۴۵

قیمت‌گذاری در قرارداد لیسانس، به طور معمول به سه شیوه انجام می‌شود: (۱) قیمت مقطوع (۲) قیمت حق امتیاز (۳) ترکیب این دو.

### الف: قیمت مقطوع (یک قلم)<sup>۱</sup>

در این شیوه، مبلغ قرارداد، مبلغ معین و ثابتی است که از ابتدا در قرارداد معین می‌شود. برای مثال لیسانس دهنده می‌پذیرد که در ازای واگذاری حقوق مرتبط با پروانه اختراع خود، مبلغ  $x$  ریال در یافت نماید. این مبلغ تابع هیچ تغییری نیست مگر این که در قرارداد به آن تصریح شده باشد. مبلغ مقطوع، حسب توافق طرفین و ماهیت قرارداد، ممکن است یک جا و در ابتدای قرارداد یا در خاتمه آن پرداخت شود. هم چنین امکان دارد این مبلغ در اقساط معینی پرداخت گردد.

### ب: حق امتیاز<sup>۲</sup>

در این شیوه قیمت قرارداد از ابتدا مشخص نیست و بسته به عوامل متعدد، ممکن است تغییر یابد. در واقع در این مورد درآمد لیسانس گیرنده و به تبع آن لیسانس دهنده تابع میزان بهره‌وری و استفاده از پروانه اختراع است. می‌توان گفت حق امتیاز مشابه خسارت ناشی از نقض قرارداد است که از پیش تعیین نشده است. توضیح اینکه در مواردی طرفین خسارت ناشی از عدم انجام تعهد خاصی را از قبل در قرارداد معین می‌کنند؛ برای مثال مقرر می‌شود در صورت هر روز تاخیر در تکمیل خط تولید طرف مقصر موظف است به ازای هر روز پنج درصد مبلغ قرارداد را بپردازد. این نوع خسارت، خسارت مقطوع نامیده می‌شود و با قیمت مقطوع باهت دارد. ولی گاهی در مورد میزان خسارت از قبل توافقی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در صورت بروز موجب خسارت، میزان خسارت باید ارزیابی شود. به لحاظ اینکه در هر دو مورد، مبلغ قابل پرداخت از قبل مشخص نیست، خسارت غیر مقطوع با حق امتیاز درارای شباهت است. با توجه به ریسک موجود در قیمت‌گذاری بر اساس حق امتیاز، گاه لیسانس دهنده ترجیح می‌دهد از نرخ حق امتیاز کاسته و در عوض حداقلی از حق امتیاز را در قرارداد در نظر بگیرد که صرف نظر از حادث شدن مبنای حق امتیاز، لیسانس گیرنده موظف به پرداخت آن باشد. برای مثال لیسانس دهنده ممکن است با توجه به هزینه‌ای که برای ایجاد اختراع متحمل شده است، مقرر نماید که لیسانس گیرنده موظف است هر سه ماه یک بار، مبلغ  $x$  را به لیسانس دهنده بپردازد.

### فصل چهارم: آثار قرارداد لیسانس

قرارداد لیسانس، مانند بسیاری از قراردادهای، به لحاظ شکل، در برگیرنده نام و نشانی طرفین در ابتدای قرارداد و سپس بیان مقدمه‌ای است که در آن اطلاعاتی دیگر در خصوص طرفین، موضوع قرارداد و هدف آن ذکر شده است. سپس بدنه اصلی قرارداد شروع می‌شود که حاوی حقوق و تعهدات هر یک از طرفین است. این بدنه شامل مواردی است که در غالب موارد در برگیرنده مواردی نظیر، موضوع قرارداد (شامل معرفی موضوع، شماره پروانه اختراع و محل صدور و...)، مدت قرارداد، هدف قرارداد، قیمت قرارداد و نحوه پرداخت، بازرسی و حسابرسی، تضمین‌ها، موارد خاتمه قرارداد، فورس ماژور، رازداری، چگونگی مکاتبات، قانون حاکم بر چگونگی حل اختلاف است.

پس از بررسی تعریف، ماهیت حقوقی، فواید و معایب، و شرایط شکلی و ماهوی اعتبار قرارداد لیسانس، اکنون مناسب به نظر می‌رسد در این بخش، به برخی از تعهدات طرفین قرارداد لیسانس که از اهمیت بیشتری برخوردار است، بپردازیم. پرداختن به این تعهدات نافی اهمیت سایر حقوق و تعهداتی که برای طرفین به وجود می‌آید نیست. در حقیقت سایر تعهدات طرفین نیز در خور مطالعه و توجه

2. Lump sum

3. Royalty

است. با این حال به نظر نگارنده، مواردی که در ذیل بررسی می‌شود، ماهیت جوهری تعهدات طرفین در یک قرارداد لیسانس است و بنابراین بررسی آنها با توجه به عنوان و موضوع این رساله، از اولویت برخوردار است.

### گفتار اول: تعهدات لیسانس دهنده

در میان تعهدات لیسانس دهنده، تسلیم موضوع لیسانس (ارائه دانش فنی، اسرار تجاری و کمک‌های فنی) و تضمین موضوع لیسانس (مصون داشتن لیسانس گیرنده در مقابل ادعای نقض حقوق انحصاری و تعهدات وی در خصوص نقض حقوق ناشی از پروانه اختراع) از اهمیت بیشتری برخوردار است که در ذیل به ترتیب به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### مبحث اول- تعهدات لیسانس دهنده به تسلیم موضوع لیسانس

در هر قرارداد، یکی از مسائل بسیار مهم بحث تسلیم موضوع قرارداد است. برای بررسی مسأله تسلیم در قرارداد لیسانس، بیان مواردی به عنوان مقدمه بحث ضرورت دارد.

پیش از این گفتیم که صرف مطالعه پروانه اختراع توسط افراد متخصص نمی‌تواند فرآیند موفقیت‌آمیز انتقال فن‌آوری را به صورت تجاری به دنبال داشته باشد. این امر از جمله ناشی از عوامل زیر است: (۱) مالک پروانه اختراع، تمام اطلاعات مربوط به اختراع را تسلیم اداره ثبت اختراعات نمی‌کند؛ بلکه تنها آن دسته از اطلاعات را افشا می‌کند که برای صدور پروانه اختراع ضرورت دارد. این امر نه تنها در قوانین کشورهای مختلف به رسمیت شناخته شده است، بلکه در رویه قضایی این کشورها نیز با تأیید مواجه شده است. به علاوه واقعیت‌های تجاری توجیه‌کننده عمل مالک و قوانین است. (۲) دلیل دیگر این که اقدام برای ثبت اختراع، به طور معمول، پس از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و موفقیت در مراحل آزمایشگاهی و پیش از گذراندن مراحل نیمه صنعتی و صنعتی صورت می‌گیرد. بدیهی است اقتضائات محیط آزمایشگاه با مقیاس‌های نیمه صنعتی و صنعتی قابل مقایسه نیست. بنابراین طبیعی است که اطلاعات ضروری در خصوص ایجاد واحد صنعتی و نیمه صنعتی در ورقه اختراع ذکر نشده باشد. (۳) انتقال فن‌آوری، خاصه اگر از کشوری به کشوری دیگر صورت گیرد، مسائل متعدد و متنوعی را ایجاد خواهد کرد. در واقع بومی کردن فن‌آوری، یکی از مسائل بسیار مهم در موافقت این فرآیند است. برای مثال اگر در کشور مبدأ، در فرآیندهای بزرگ شیمیایی، برای خنک کردن یا دفع مواد زاید ناشی از تولید، از مزیت‌های مجاورت با دریا یا رودخانه‌های بزرگ استفاده می‌شود، ولی در کشور مقصد، این منابع وجود ندارد یا کارخانه در حال احداث در مجاورت آن نیست، آن‌گاه باید در این خصوص راه‌حل دیگری اندیشیده شود. این نکته حتی در داخل یک کشور هم می‌تواند واجد اهمیت باشد. برای مثال در کارخانه‌هایی که در جنوب کشور، به خصوص در عسلویه یا بندر امام ساخته می‌شود، پیش‌بینی‌های خاصی در مورد کاهش دما صورت نمی‌گیرد. حال آن که اگر همین کارخانه‌ها در اراک ساخته شود، باید شرایط مصونیت کارخانه تا دمای ۳۰- پیش‌بینی گردد.

باید توجه داشت که اطلاعاتی که مالک پروانه اختراع در زمان درخواست صدور پروانه اختراع در اختیار داشته و به نوعی به آن اختراع مربوط می‌شود ولی در توصیف اختراع مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، در صورت داشتن شرایطی خاص، اسرار تجاری<sup>۱</sup> محسوب شده، و هم به لحاظ واقعیت‌های بازار و هم به لحاظ حمایت‌های قانونی که در بسیاری از کشورها برای آن به رسمیت شناخته شده، واجد ارزش اقتصادی است، خود گونه‌ای از مالکیت‌های فکری محسوب شده و قابلیت آن را دارد که موضوع قرارداد لیسانس واقع گردد.

### 1. Trade secrets

همان گونه که از عنوان «اسرار تجاری» استفاده می‌شود، اولین شرط برای این که اطلاعات خاصی، اسرار تجاری تلقی گردد، استفاده از آن در تجارت است. بنابراین ایده یا برنامه‌های صرفاً انتزاعی که در مورد آنها فکر شده ولی به مرحله تحقق و اجرا نرسیده است، اسرار تجاری تلقی نمی‌شود. یکی دیگر از شرایط ضروری، استفاده در تجارت است، به گونه‌ای که برای مالک این اطلاعات، مزیتی را به دنبال داشته باشد که رقبای وی فاقد آن باشند. این شرط این سؤال را مطرح می‌کند که آیا اطلاعاتی که از تحقیقات علمی در دانشگاه‌های غیر انتفاعی حاصل می‌شود، اسرار تجاری محسوب می‌شود. به عبارت دیگر سؤال اصلی این است که آیا فعالیت‌های چنین مؤسسه‌ای، تجاری محسوب می‌شود یا خیر. در آمریکا این سؤال با توجه به ضرورت‌های عملی، با پاسخ مثبت مواجه شده است. همین ضرورت‌ها این نتیجه را به دنبال داشته است که مؤسسات وابسته به دولت، که به فعالیت‌های تحقیقاتی پرداخته و این اطلاعات را به دست می‌آورند، واجد اسرار تجاری هستند و می‌توانند آن را در قالب قرارداد لیسانس به دیگران واگذار نمایند.

شرط سوم و مهمترین شرط، محرمانه بودن این اطلاعات است. در حقیقت اگر اطلاعاتی محرمانه نباشد<sup>۱</sup>، به این معناست که در حوزه عمومی قرار دارد و در دسترس همگان است. بدیهی است که اطلاعاتی که همه به آن دسترسی دارند نمی‌تواند مزیتی را برای دارندة آن، نسبت به سایر رقبا فراهم آورد؛ در نتیجه واگذاری آن در قالب لیسانس نیز بی‌معنا خواهد بود.

برای آن که اطلاعاتی محرمانه تلقی گردد، معیار دقیقی وجود ندارد؛ با این وجود این اتفاق نظر وجود دارد که لیسانس دهنده، باید راهکارهای مناسبی را، با توجه به اوضاع و احوال، در پیش گیرد تا این اطلاعات محرمانه بماند. فراتر از این، لیسانس دهنده باید تعهداتی را نیز به لیسانس گیرنده تحمیل نماید تا محرمانه بودن اطلاعات تضمین گردد. از جمله راهکارهای پیش روی لیسانس دهنده برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات، درج شرایطی در قراردادهای استخدامی کارکنانی است که با این اطلاعات سروکار دارند. محدود نمودن دسترسی کارکنان به مکان‌هایی که این دسته از اطلاعات نگهداری می‌شوند و محدود نمودن افراد کلیدی شرکت در خصوص نشر مقالات یا سخنرانی در حیطه اطلاعات محرمانه، از دیگر روش‌ها است. هم چنین تعبیه مهر یا علامت خاصی که نشانگر محرمانه بودن اطلاعات باشد، به خصوص در روابط قراردادی، راهکار دیگری است.

شرط دیگر برای این که اطلاعات خاصی اسرار تجاری تلقی شوند، آن است که این اطلاعات نباید در اختیار عموم باشد. اگر اطلاعاتی در زمان و مکان خاصی در اختیار همگان باشد، دیگر اسرار تجاری محسوب نمی‌شوند، و دارندة آن نمی‌تواند کارکنان سابق خود یا اشخاصی که با وی قرارداد دارند، از استفاده منع نماید. با این حال این که عموم عبارت از چند شخص یا شرکت است، امری است نامعین که با توجه به اوضاع و احوال در خصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود.

شرط نهمی برای این که اطلاعات خاصی، اسرار تجاری محسوب شود آن است که برای مالک آن مزیتی را بر سایر رقبا به دنبال داشته باشد. حمایت از اسرار تجاری، متضمن آن است که استفاده غیر مجاز از آن غیر قانونی و در عین حال دستیابی مستقل به آن، از جمله از طریق مهندسی معکوس، قانونی است. بنابراین اگر یک فرآیند شیمیایی به دلایل زیست محیطی غیر قابل استفاده شود، استفاده غیر قانونی رقبای دارندة آن فرآیند محکوم نخواهد شد زیرا این اطلاعات، به دلیل غیر قابل استفاده بودن فرآیند به طور کلی، مزیتی را برای دارندة آن به دنبال نخواهد داشت.

با توجه به شرایطی که در بالا ذکر شد، هرگونه اطلاعاتی که واجد این شرایط باشد، اسرار تجاری محسوب شده و قابل حمایت و واگذاری تحت لیسانس است. این اطلاعات از جمله عبارت است از فرمول‌ها، فرآیندها، مشخصات فنی، نقشه‌ها، طراحی‌ها، اطلاعات تجاری از جمله فهرست مشتریان،

۱. آیت الهی، مهناز، جنبه‌های حقوقی انتقال تکنولوژی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر

نیاز مشتریان، منابع عرضه، شیوه محاسبه هزینه‌ها، قیمت‌گذاری، روش‌ها و تکنیک‌ها (دانش فنی) و...

باید توجه داشت که قانون تجارت الکترونیک مصوب سال ۱۳۸۲، اسرار تجاری را به رسمیت شناخته و حمایت‌هایی را از آن به عمل آورده است. ماده ۶۵ این قانون مقرر می‌دارد «اسرار تجاری الکترونیکی، داده پیمایی است که شامل اطلاعات، فرمول‌ها، الگوها، نرم‌افزارها و برنامه‌ها، ابزار و روش‌ها، تکنیک‌ها و فرآیندها، تألیفات منتشر نشده، روش‌های طرح‌های تجاری و امثال اینها است که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش‌های معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است.» و در ماده ۶۴ همان قانون، «تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث» جرم محسوب شده است که مجازات آن، حبس از شش ماه تا دو سال و نیم، و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

متن مواد مذکور، و به طور کلی قانون تجارت الکترونیک، حاکی از آن است که این قانون ترجمه‌ای ناپخته از مشابه خارجی است. این قانون تعریف ارائه شده از اسرار تجاری و اقسام آن، را به طور دقیق از قوانین خارجی اخذ نموده است. شاید به نظر برسد که با تصویب قانون فوق، تکلیف اسرار تجاری و چگونگی حمایت از آنها معین شده است. ولی باید در نظر داشت که این قانون در مقام تعریف و حمایت از اسرار تجاری الکترونیکی است، زیرا در صدر ماده ۶۵ آمده «اسرار تجاری الکترونیکی، داده پیمایی است که...» به علاوه در ماده ۶۵ ق. ت. ا. نیز به صراحت آمده است که «هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی...» مرتکب تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری گردد، مجازات خواهد شد. بنابراین تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری در غیر مبادلات الکترونیکی، حداقل مشمول این ماده نخواهد شد. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چطور ممکن است تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری که بر روی کاغذ منعکس شده است، با مجازات رویرو نشود اما اگر همان اطلاعات بر روی رایانه باشد و سرقت شود، با مجازات مواجه می‌شود. این نکته حاکی از آن است که قوانین ایران در خصوص حمایت از اسرار تجاری هنوز ناقص است و باید مورد بازنگری جدی قرار گیرد. به علاوه مجازات مقرر برای تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. درست است که مجازات حبس، کاهش انگیزه برای تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری را ممکن است به همراه داشته باشد، ولی در صورت وقوع سرقت اسرار تجاری، در بسیاری موارد، این مجازات جبران کننده خسارت مالک اسرار تجاری نمی‌تواند باشد.

دسته‌ای از اسرار تجاری، که از اهمیت خاصی برخوردار است و گاه جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد، دانش فنی است. دانش فنی عبارت است از مجموعه‌ای از اطلاعات کاربردی حاصل از تجربه و آزمایش که برای آن پروانه اختراع تحصیل نشده است، و (۱) محرمانه است، یعنی عموم به آن آگاهی ندارد یا دسترسی به آن دشوار است؛ (۲) اساسی است، به این معنا که برای تولید محصول موضوع قرارداد، مهم و مفید است؛ (۳) معین است، یعنی به میزان کافی و به نحو جامعی توصیف شده است، به گونه‌ای که بتوان در خصوص محرمانه بودن و اساسی بودن آن تصمیم گرفت. این تعریف و بیان شرایط، آشکارا مؤید این نظر است که از نظر حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، دانش-فنی، دسته‌ای از اسرار تجاری را تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر رابطه این دو عموم و خصوص من وجه است؛ هر چند ابهام در خصوص رابطه این دو وجوه تمایز این دو هنوز هم وجود دارد. برخی هم قائلند که دانش فنی، لزوماً اسرار تجاری محسوب نمی‌شود. برای مثال در حقوق سوئیس، دانش فنی، لزوماً اسرار تجاری نیست.

در هر حال، دسته‌بندی و توصیف دانش فنی هر چه باشد، بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که دانش فنی به لحاظ اقتصادی ارزشمند است و خود به تنهایی می‌تواند موضوع قرارداد لیسانس واقع شود. با این حال باید توجه داشت که در لیسانس پروانه اختراع، گاه اخذ لیسانس از مالک پروانه

اختراع، در خصوص دانش فنی و اسرار تجاری مربوط به همان پروانه اختراع، از جمله برای موفقیت و اقتصادی بودن پروژه اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین لیسانس گیرنده در ضمن همان قرارداد، ممکن است لیسانس دهنده را متعهد نماید که دانش فنی یا اسرار تجاری خود را نیز به لیسانس گیرنده واگذار نماید. این واگذاری، ممکن است در مقابل حق امتیاز جداگانه باشد، یا این که حق امتیاز مربوط به این قسمت در حق امتیاز مربوط به پروانه اختراع مستتر باشد.

نکته‌ای که در خصوص حق امتیاز مربوط به دانش فنی یا اسرار تجاری باید مد نظر قرار گیرد آن است که این دسته از مالکیت فکری، همانند علائم تجاری، و برخلاف پروانه اختراع، بالقوه می‌تواند اعتباری دائمی داشته باشد. توضیح این که پروانه اختراع اعتبار دارد. در حالی که مدت اعتبار اسرار تجاری و دانش فنی، دارای تاریخ اعتبار مشخصی نیست و تا زمانی که شرایط مقرر برای آنها وجود داشته باشد، ارزشمند و قابل واگذاری در قالب لیسانس است. بنابراین در یک لیسانس مختلط، ممکن است تصور لیسانس گیرنده این باشد که با خاتمه اعتبار پروانه اختراع، تعهد وی به پرداخت حق امتیاز خاتمه یافته است؛ حال آن که با توجه به ماهیت اسرار تجاری یا دانش فنی، لیسانس دهنده ممکن است معتقد باشد که تعهد به پرداخت حق امتیاز حق چنان ادامه دارد. به علاوه ممکن است قرارداد، فی-الواقع، آن چنان تنظیم شده باشد که تعهد لیسانس گیرنده به پرداخت حق امتیاز حتی پس از خاتمه اعتبار پروانه اختراع نیز باقی باشد. بنابراین در زمان تنظیم قرارداد، باید دقت کافی به عمل آید تا این مسأله، باعث ایجاد اختلاف نگردد. البته باید توجه داشت در صورتی که در قرارداد برای دانش فنی یا اسرار تجاری، حق امتیاز جداگانه‌ای در نظر گرفته نشده باشد و حق امتیاز مربوط به پروانه اختراع و دانش فنی یا اسرار تجاری تحت یک رقم گنجانده شود و با انقضای اعتبار پروانه اختراع، رقم حق-امتیاز تعدیل نشود، این امر می‌تواند، در حقوق آمریکا، مسؤلیت لیسانس دهنده را به واسطه نقض حقوق رقابت به دنبال داشته باشد. در حقوق اتحادیه اروپا، این امر با محذوری مواجه نیست.

دانش فنی ممکن است به شیوه ملموس یا غیر ملموس به لیسانس گیرنده منتقل گردد. نقشه‌ها، مشخصات فنی، طراحی‌ها، دستورالعمل‌ها و کتابچه‌های راهنما، اسناد، فیلم و عکس، نرم‌افزارهای کامپیوتری، فهرست لوازم یدکی و... مثال‌هایی از ابزار ملموس برای انتقال دانش فنی است. دانش فنی در قالب ابزار ملموس، گاه «اطلاعات یا داده‌های فنی» نامیده می‌شود.

دانش فنی ممکن است از راه‌های غیر ملموس منتقل گردد. برای مثال ممکن است یکی از مهندسان لیسانس دهنده در سایت لیسانس گیرنده، فرآیندی را برای کارکنان وی تشریح نماید. این شیوه از ارائه دانش فنی گاه «خدمات فنی» نامیده می‌شود. هم چنین ممکن است مهندسین لیسانس گیرنده در محل کار لیسانس دهنده، در خصوص نحوه کار یک فرآیند، آموزش‌های لازم را دریافت نمایند. این شیوه گاه «همکاری فنی» نامیده می‌شود.

یکی از بحث‌های مهم در قراردادهای لیسانس، بحث تسلیم موضوع قرارداد است. چه موقع می‌توان گفت که لیسانس دهنده به تعهد خود مبنی بر واگذاری لیسانس عمل نموده است؟ آیا صرف امضای قرارداد لیسانس، مقصود لیسانس گیرنده را برآورده می‌نماید؟

متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلاء مشتری بر مبیع» (ماده ۳۶۷). «عنصر اصلی تسلیم، در اختیار نهادن و مستولی کردن خریدار بر مبیع است و قبض مادی وسیله عرفی و شایع تحقق بخشیدن به آن»<sup>۱</sup>. احراز این معنا، یعنی تحقق تسلیم در خصوص اموال مادی، با توجه به این که به عرف واگذار شده است، هم چنین با توجه به ماهیت این دسته از اموال، علی‌الاصول مشکلی را بر نمی‌انگیزد. اما در خصوص اموال غیر مادی، خصوصاً بحث مالکیت‌های فکری، احراز این معنا به سادگی میسر نیست. ضمن این که احراز عرفی تسلیم، با توجه به ماهیت این

<sup>۱</sup> کاتوزیان، دکتر ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، تهران، ۱۳۷۷، نشر دادگستر، ص ۳۰۶

دسته از اموال و پیچیدگی‌های مستتر در آنها، ممتنع است. توجه به این که در این دسته از قراردادهای مبالغ کلانی پرداخت می‌شود، این دغدغه را دو چندان می‌نماید.

یکی از موادی که در این دسته از قراردادهای ذکر می‌شود، موضوع و هدف قرارداد است. این مسأله ممکن است در مقدمه قرارداد نیز مورد تصریح قرار گیرد. برای مثال ذکر می‌شود که هدف این قرارداد آن است که لیسانس گیرنده قادر شود کارخانه‌ای را با ظرفیت  $x$  تن محصول در سال، احداث نماید. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه عبارت‌بندی این ماده است. این عبارت می‌تواند به این صورت باشد که هدف این قرارداد آن است که لیسانس گیرنده را قادر نماید تا چنین کارخانه‌ای احداث نماید. صورت‌بندی دیگر این است که هدف این قرارداد آن است که هر شرکت مهندسی با تجربه‌ای را قادر به احداث چنین کارخانه‌ای نماید. در عبارت اول، معیار شخصی لحاظ شده است؛ به این معنا که لیسانس دهنده با توجه به شناختی که از توانایی‌های شرکت لیسانس گیرنده داشته است، تعهد نموده مقداری از اطلاعات را تسلیم نماید که وی را قادر سازد این کارخانه را احداث نماید. اما در عبارت‌بندی دوم، لیسانس دهنده توجهی به توانایی‌ها و محدودیت‌های شرکت لیسانس گیرنده ندارد. معیار در این جا نوعی است. بنابراین عدم موفقیت لیسانس گیرنده در احداث کارخانه‌ای با مشخصات مورد نظر، ممکن است به عدم مهارت و تجربه لیسانس گیرنده منتسب گردد و نه به عدم کفایت اطلاعات تسلیم شده توسط لیسانس دهنده.

بحث فوق تنها گوشه‌ای از پیچیدگی‌های مربوط به این قراردادها است. موارد دیگری هم که در مقدمه این نوشتار مورد بحث واقع شد، باید اضافه کرد. برای مثال، تفکیک قسمت مهندسی و طراحی از قسمت تدارکات و خرید تجهیزات و ساخت می‌تواند مشکلات لیسانس گیرنده را مضاعف نماید. حتی در مواردی که قرارداد به صورت تحویل کلید منعقد می‌شود و قرارداد لیسانس جزئی از این قرارداد را تشکیل می‌دهد، نگرانی در خصوص تسلیم وجود خواهد داشت. زیرا ممکن است کارخانه‌ای، علیرغم تحویل قطعی، تنها یک سال پس از آن، با ظرفیت یا مشخصات دیگری که مورد توافق طرفین بوده است، عمل نماید.

راه‌حلی که در این خصوص به نظر می‌رسد، با شیوه قیمت‌گذاری در قرارداد اثر مستقیم دارد. اگر مبلغ قرارداد مقطوع (یک قلم) (Lump sum) باشد، بدیهی است که لیسانس دهنده برای همکاری و رفع اشکالات احتمالی انگیزه‌ای نخواهد داشت. به عکس اگر شیوه قیمت‌گذاری، بر مبنای حق امتیاز باشد، درآمد لیسانس دهنده منوط به کارکرد و بازدهی عملیات لیسانس گیرنده خواهد بود و همین امر باعث خواهد شد در صورت بروز هر گونه مشکل، لیسانس دهنده همکاری مثمرتری با لیسانس گیرنده داشته باشد. در حقیقت در این صورت، ریسک موفقیت پروژه بین طرفین تقسیم خواهد شد و همین امر باعث خواهد شد لیسانس دهنده در واگذاری اسرار تجاری و دانش فنی، سخاوتمندانه‌تر عمل نماید. متأسفانه در طرح‌های بزرگ نظیر پروژه‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی، استفاده از ترتیب قیمت‌گذاری بر اساس حق امتیاز، حتی در مرحله مذاکرات هم، مطرح نمی‌شود که دلایل آن، علیرغم مزایایی که دارد، روشن نیست.

### مبحث دوم- تضمین موضوع لیسانس در برابر اشخاص ثالث

یکی از مسائل مهم در قراردادهای لیسانس، بحث نقض حقوق انحصاری و مصونیت است. استفاده لیسانس گیرنده از پروانه اختراع ممکن است حقوق انحصاری کسی را نقض نماید که پیش از لیسانس دهنده، برای همان موضوع یا قسمتی از آن موضوع، پروانه اختراع تحصیل نموده است. در عین حال ممکن است پس از اخذ لیسانس، شخص یا اشخاصی بدون این که از مالک پروانه اختراع لیسانس گرفته باشند، مبادرت به استفاده از پروانه اختراع نمایند. بنابراین جا دارد تا این دو مطلب به طور جداگانه و مفصل مورد بررسی قرار گیرد.

## الف: نقض حقوق انحصاری اشخاص ثالث توسط لیسانس گیرنده

یکی از شرایط رایج و شایع در قراردادهای لیسانس، شروط مربوط به «مصونیت در خصوص پروانه اختراع» است. این عبارت به خودی خود مبهم است و نیاز به توضیح دارد. گفته شد که صدور پروانه اختراع، به مالک آن اختیار می‌دهد تا دیگران را از استفاده و فروش آن منع نماید. هم چنین گفته شد که صرف صدور آن، مجوز استفاده مالک نیست؛ بلکه استفاده از حقوق انحصاری که پروانه اختراع برای مالک به ارمغان می‌آورد، منوط به آن است که برای همان موضوع یا قسمتی از موضوع اختراع جدید، قبلاً توسط دیگری پروانه اختراع تحصیل نشده باشد. بنابراین در صورتی که برای همان موضوع یا قسمتی از موضوع اختراع، توسط دیگری و سابق بر تاریخ درخواست صدور پروانه اختراع جدید، پروانه تحصیل نشده باشد، مالک آن می‌تواند بدون هیچ گونه مخاطره‌ای، حقوق انحصاری خود را اعمال نماید و به دیگران نیز این حق را بدهد که از اختراع وی استفاده نمایند. با این حال باید توجه داشت که آگاهی از وجود یا عدم پروانه اختراعی که با استفاده از اختراع جدید، نقض شود، به سادگی امکان ندارد. زیرا اولاً مخترع ممکن است از فعالیت‌های برخی از شرکت‌های رقیب مطلع باشد نه تمام آنها؛ به علاوه با توجه به بازار برخی از شرکت‌ها، محدوده توجه آنها تنها ممکن است کشور متبوع آنها را در برگیرد. از سوی دیگر، ارزیابی که در خصوص جدید بودن اختراع در زمان درخواست صدور پروانه اختراع و توسط اداره ثبت اختراعات صورت می‌گیرد، همیشه دقیق و قابل اطمینان نیست. در واقع ارزیابی دقیق در خصوص اعتبار یا نقض پروانه اختراع زمانی صورت می‌گیرد که قضیه در دادگاه مطرح می‌شود و دادگاه در این خصوص رأی نهایی را صادر می‌کند.

نکته دیگر این که یکی از مشخصات حقوق انحصاری ناشی از پروانه اختراع، سرزمینی بودن آن است؛ به این معنا که اگر کسی اختراعی را در کشور  $x$  به ثبت برساند، و دیگری همان اختراع را در کشور  $y$  استفاده، تولید یا در معرض فروش قرار دهد، مالک نمی‌تواند علیه وی اقامه دعوا نموده و به استناد حقوق انحصاری خود در کشور  $x$  تقاضای محکومیت وی را در دادگاه‌های کشور  $y$  مطرح نماید. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چه نیازی است لیسانس دهنده در مقابل لیسانس گیرنده تعهد نماید که اگر پروانه اختراع لیسانس دهنده نقض کننده حقوق انحصاری دیگر باشد، در مقابل دعوی احتمالی صاحب حقوق نقض شده، لیسانس گیرنده را مصون دارد؟ اگر صاحب حقوق نقض شده نتواند دعوی خود را علیه لیسانس گیرنده مطرح نماید، یا در صورت طرح، به دلیل سرزمینی بودن حقوق مورد استناد وی، دعوی وی با شکست مواجه شود، چه ضرورتی اقتضا می‌کند که لیسانس دهنده، لیسانس گیرنده را از دعوی احتمالی مصون نماید؟

توجه به این نکته ضروری است که با تسهیل تجارت بین کشورها، انتقال فن‌آوری نیز به تبع، آسان‌تر از گذشته صورت می‌گیرد. در کشور خود ما نیز، این انتقال از جمله از طریق قراردادهای لیسانس، رو به افزایش است. در این مورد گاهی لیسانس گیرنده ممکن است از لیسانس دهنده بخواهد در کشور لیسانس گیرنده نیز برای اختراع مورد نظر، پروانه اختراع تحصیل نماید. در این صورت اگر بعد از ثبت این اختراع در ایران، گونه ارتقا یافته آن، به موجب لیسانس به شخص دیگری غیر از لیسانس گیرنده اول واگذار شود، ممکن است اقامه دعوی وی را به دنبال داشته باشد. در این صورت و در پی موفقیت لیسانس گیرنده اول در دعوا، لیسانس گیرنده دوم، علیرغم وجود قرارداد لیسانس بین خود و لیسانس دهنده، در عمل نمی‌تواند از موضوع پروانه اختراع استفاده نماید؛ مگر این که رضایت لیسانس گیرنده اول را تحصیل نماید که البته برای این کار باید مبلغی را در مقابل اخذ لیسانس از وی بپردازد. بدیهی است این امر بر روی قیمت محصولات لیسانس گیرنده دوم اثر مستقیم خواهد داشت و حتی ممکن است تولید محصول را برای وی، به کلی غیر اقتصادی نماید.

### 1. Patent Indemnity

البته مثال فوق تنها یکی از مواردی است که ممکن است مصونیت از جانب لیسانس‌دهنده را اقتضا نماید. در واقع در هر جا که امکان نقض حقوق انحصاری اشخاص ثالث، به واسطه استفاده لیسانس‌گیرنده از پروانه اختراع وجود داشته باشد، منافع وی اقتضا می‌کند این مصونیت را تحصیل نماید. بنابراین اگر لیسانس‌گیرنده تردیدی در این نداشته باشد که در قلمروی لیسانس (Territory)، استفاده وی از پروانه اختراع، ناقض حقوق اشخاص ثالث نیست، می‌تواند از این شرط به طور کلی صرف‌نظر نماید و در عوض قدرت چانه‌زنی خود را در خصوص دیگر شرایط قرارداد افزایش دهد. در واقع به موجب ماده ۳۰ ق. ت. ع. و. ا. ایران «مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند لیکن اگر اختراع مزبور را کسی یا مؤسسه - ای در ایران قبل از تقاضای ثبت اختراع کلاً یا جزئاً به موقع عمل یا استفاده گذارده و یا مقدمات استفاده آن را تهیه کرده باشد مخترع نمی‌تواند از عملیات آن شخص یا مؤسسه جلوگیری کند.» پس در صورتی که پس از تاریخ انعقاد لیسانس، شخص دیگری برای اختراع خود در ایران پروانه اختراع تحصیل نماید و این اختراع دارای اوصافی که گفتیم باشد - یعنی استفاده لیسانس‌گیرنده از اختراع مورد لیسانس، نقض آن پروانه اختراع را به دنبال داشته باشد - مالک این اختراع نمی‌تواند لیسانس‌گیرنده را از استفاده منع کند. ماده ۴ کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی، که ایران نیز به آن پیوسته است، مؤید این معناست. به موجب این کنوانسیون، هر یک از اتباع کشورهای عضو که در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون، برای اختراع خود درخواست صدور پروانه اختراع نموده، مهلتی یک ساله خواهد داشت تا طی آن در هر یک از دیگر کشورهای عضو نیز، درخواست صدور پروانه اختراع به عمل آورد. در صورت درخواست وی، هر گونه درخواستی که قبل از وی و پس از تاریخ اولین درخواست وی، از جانب اشخاص ثالث به عمل آمده باشد، قابل ترتیب اثر دادن نیست؛ ولی حقوق اشخاص ثالثی که پیش از آن تاریخ، درخواست ثبت نموده‌اند، به موجب قوانین ملی قابل حمایت است.

بنابر آن چه که در فوق گفته شد، همواره این مکان وجود دارد که استفاده از موضوع پروانه اختراع، هر چند در قالب قرارداد لیسانس، به واسطه نقض حقوق اشخاص ثالث، با موانع قانونی و عملی مواجه گردد. در این صورت، شخص ثالث ممکن است علیه لیسانس‌گیرنده اقامه دعوا نماید. این اقامه دعوا اگر همراه با درخواست صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از فعالیت لیسانس‌گیرنده باشد، می‌تواند تمام سرمایه‌گذاری وی را با شکست مواجه نماید. آثار این اتفاق، اگر با این موضوع همراه شود که در اثر رسیدگی دادگاه، لیسانس‌گیرنده ملزم به جبران خسارت ناشی از استفاده غیر مجاز شود، مضاعف خواهد شد. بنابراین طبیعی است که لیسانس‌گیرنده از لیسانس‌دهنده بخواد وی را در این خصوص، در مقابل ادعای اشخاص ثالث مصون دارد.

شرایط قرارداد در این خصوص باید دقیق و صریح باشد. در واقع به دلیل اهمیت این مسأله و عواقب آن، باید تعهدات هر یک از طرفین در این خصوص شفاف باشد. به طور نوعی، تعهد لیسانس‌گیرنده در این خلاصه می‌شود که لیسانس‌دهنده را از اقامه چنین دعوایی مطلع نماید. در این صورت وی موظف است در محکمه صالح، نسبت به این موضوع دفاع لازم و مقتضی را به عمل آورد. در صورت اثبات نقض حقوق انحصاری خواهان، لیسانس‌دهنده موظف به جبران خسارت وی خواهد بود. به علاوه وی متعهد است برای ادامه کار لیسانس‌گیرنده، از ثالث تحصیل لیسانس نماید یا در صورت عدم رضایت ثالث، تولید محصول یا خود محصول را، حسب مورد، به گونه‌ای طراحی نماید که نقض‌کننده حقوق ثالث نباشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> صابری، روح اله، قراردادهای لیسانس، نشر مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳

باید توجه داشت که موفقیت این ترتیب، رابطه مستقیمی با شیوه قیمت‌گذاری قرارداد لایسانس و نیز نوع آن دارد. اگر قیمت‌گذاری به صورت مقطوع (Lump sum) یا لایسانس انحصاری باشد، رغبت لایسانس‌دهنده به دفاع در مقابل این گونه ادعاها کاهش خواهد یافت. به عکس اگر قیمت‌گذاری به صورت حق امتیاز باشد یا لایسانس منفرد (sole) باشد، انگیزه لایسانس‌دهنده به پاسخ‌گویی در مقابل ادعای نقض از سوی اشخاص ثالث افزایش خواهد یافت.

### ب: نقض حقوق لایسانس‌گیرنده توسط اشخاص ثالث

شخصی که از مالک پروانه اختراع، تحصیل لایسانس می‌نماید، از دو مزیت برخوردار می‌شود: (۱) مصونیت از اقامه دعوا توسط لایسانس‌دهنده علیه وی (در صورتی که لایسانس‌گیرنده، بدون تحصیل مجوز از مالک پروانه اختراع از آن استفاده می‌نمود؛ ۲) به دست آوردن انحصار ناشی از صدور پروانه اختراع. البته این درجه انحصار، بسته به نوع قرارداد لایسانس تفاوت می‌کند؛ اگر لایسانس انحصاری (exclusive) باشد، به معنای آن است که لایسانس‌دهنده نه خود می‌تواند در قلمروی تعریف شده، فعالیت نماید و نه این که می‌تواند به اشخاص ثالث لایسانس اعطا نماید. اگر لایسانس غیر انحصاری (non-exclusive) باشد، لایسانس‌دهنده می‌تواند در همان قلمرو، به اشخاص ثالث نیز اعطای لایسانس نماید. اما اگر لایسانس، منفرد باشد (sole license) به معنای آن است که تنها رقیب لایسانس‌گیرنده در قلمروی تعریف شده، لایسانس‌دهنده می‌تواند باشد.

یکی از انگیزه‌های لایسانس‌گیرنده در اخذ لایسانس، این است که علاوه بر اجتناب از اقامه دعوا توسط لایسانس‌دهنده، با این هدف به کسب پروانه اختراع مبادرت ورزیده تا بتواند از حقوق انحصاری در استفاده، تولید و فروش برخوردار شود. به علاوه هر مالک حقی، در صورت نقض حق خود، در پی احقاق آن برمی‌آید. به این ترتیب تصور لایسانس‌گیرنده این است که اگر شخص دیگری غیر از وی، بدون مجوز لایسانس‌دهنده از اختراع مورد نظر استفاده نماید، لایسانس‌دهنده وی را مورد تعقیب قرار داده و آثار نقض را برطرف و از ادامه آن جلوگیری می‌نماید. اما اگر به هر دلیل، لایسانس‌دهنده تمایلی برای تعقیب ناقض حقوق انحصاری خود نداشته باشد، یا به هر دلیلی نتواند از عهده این کار برآید، منافع لایسانس‌گیرنده به خطر می‌افتد؛ زیرا وی مبلغی را صرف تحصیل لایسانس نموده است. پس کاملاً طبیعی است که در شرایط برابری هزینه‌های تولید، قیمت محصول تولید شده توسط وی بالاتر باشد زیرا وی علاوه بر هزینه تولید، مبلغی را نیز بابت تحصیل لایسانس خرج نموده است. بنابراین در بازار رقابت بین این دو، طبیعی است که برد با طرف مقابل وی باشد.

هر چند وجود قرارداد لایسانس بین لایسانس‌گیرنده و لایسانس‌دهنده، به لایسانس‌گیرنده اجازه می‌دهد که با آرامش خاطر به بهره‌برداری از اختراع بپردازد، اما وجود آن از جمله با توجه به اصل نسبی بودن قراردادها، مانع از آن نیست که ثالث نتواند از اختراع موصوف استفاده نماید. وجود این حق قراردادی، در این مورد به خصوص، به لایسانس‌گیرنده اجازه نمی‌دهد علیه ثالثی که بدون تحصیل لایسانس، اقدام به بهره‌برداری از اختراع نموده، اقامه دعوا نماید. همچنین لایسانس‌دهنده نمی‌تواند، حتی اگر در قرارداد چنین تعهدی نموده باشد، با اقامه دعوا علیه شخص استفاده‌کننده و به استناد پروانه اختراع خود که در کشوری دیگر، غیر از کشور محل استفاده از اختراع صادر شده است، مانع فعالیت وی شود، زیرا قوانین مربوط به حمایت از مالکیت فکری، بنابر قاعده سرزمینی است و در کشوری غیر از محل صدور فاقد قدرت الزام‌کننده است. از سوی دیگر، با توجه به شرایطی که در قرارداد لایسانس پیش‌بینی می‌شود، مسأله فوق به طور معمول، مجوزی برای فسخ قرارداد لایسانس از سوی لایسانس‌گیرنده نیست. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که لایسانس‌گیرنده برای برطرف کردن این مشکل چه راه حلی در پیش دارد؟

برای حل این مسأله، به نظر می‌رسد یکی از این دو طریق باید طی شود: (۱) قانونی برای لایسانس-گیرنده وجود داشته باشد که در صورت نقض آن، بتواند علیه نقض‌کننده آن حق اقامه دعوا نماید. (۲)

حق قانونی برای لیسانس‌دهنده وجود داشته باشد که در صورت نقض آن و در صورت پیش‌بینی تعهد وی به اقامه دعوا در قرارداد، لیسانس‌دهنده هم موظف و هم محق در اقامه دعوا علیه شخص نقض کننده حقوق انحصاری باشد. اکنون می‌توان پرسید ماهیت این حق قانونی چه می‌تواند باشد؟  
راه حل اول:

گفتیم که قوانین مربوط به پروانه اختراع، ویژگی سرزمینی دارند. پس اگر شخصی در فرانسه اختراعی را ثبت نماید، نمی‌تواند به استناد آن، ناقض حقوق انحصاری خود را در ایران مورد تعقیب قرار دهد. طرف ایرانی که از فرانسوی تحصیل لیسانس می‌نماید، بیشترین نفع متصور را در ثبت همان اختراع در ایران دارد؛ زیرا از این طریق می‌تواند انحصار ناشی از اخذ لیسانس را تثبیت نموده و نقض کنندگان آن را مورد تعقیب قرار دهد. برای این که طرف ایرانی بتواند اختراع مورد نظر را در ایران به نام خود ثبت نماید، باید پروانه اختراع صادره در فرانسه به وی منتقل شود. ولی انتقال پروانه اختراع به طرف ایران، متضمن قطع رابطه مالکیت بین مالک اول (فرانسوی) و پروانه اختراع است؛ بدیهی است اگر طرف فرانسوی در نظر داشت که مالکیت پروانه اختراع را به طرف ایرانی منتقل نماید، دیگر اعطای لیسانس به وی معنا نداشت. به عبارت دیگر نمی‌توان انتقال پروانه اختراع را به گونه‌ای تصور کرد که هم رابطه مالک اول با پروانه اختراع حفظ شود (زیرا دیگر انتقال معنا ندارد) و هم این که حقوق طرف ایرانی در این منحصر شود که به واسطه مالکیت پروانه اختراع صادر شده در فرانسه، بتواند در ایران نیز برای آن پروانه اختراع تحصیل نماید؛ زیرا از جمله در مورد پروانه اختراع، آثار قانونی صرف نظر از توافق طرفین جاری می‌شود. یعنی اگر فرض شود که در قرارداد انتقال پروانه اختراع، طرف فرانسوی شرط نماید که طرف ایرانی تنها حق دارد به واسطه این انتقال، در ایران نیز برای خود پروانه اختراع تحصیل نماید ولی حق ندارد به اشخاص دیگری لیسانس اعطا نماید یا به هر گونه مقتضی از آن استفاده نماید آن گاه با دو محذور مواجه خواهیم بود: (۱) این که ممکن است قرارداد انتقال، اساساً باطل باشد زیرا شرط فوق‌الذکر آشکارا خلاف مقتضای عقد انتقال است. به عبارت دیگر، در اثر انتقال، کلیه حقوق ناشی از پروانه اختراع به مالک جدید منتقل می‌شود؛ ولی شرط فوق تنها اثر مترتب بر این انتقال را در توانایی مالک جدید به تحصیل پروانه اختراع در ایران منحصر می‌نماید و این ترتیب مخالف مقتضای قرارداد انتقال است. (۲) از سوی دیگر به فرض هم که قانون این قرارداد را به رسمیت بشناسد و آثار مترتب بر آن را جاری نماید، این انتقال حاوی منافعی برای طرف فرانسوی نیست، زیرا صرف عدم قدرت طرف ایرانی به استفاده از پروانه اختراع موصوف، متضمن اثر ایجابی برای طرف فرانسوی نیست. یعنی با قطع رابطه مالکیت با پروانه اختراع، طرف فرانسوی نمی‌تواند آثار و حقوق ناشی از مالکیت پروانه اختراع را اعمال نماید.  
راه حل دوم:

در قوانین بسیاری از کشورها، به اتباع خارجی اجازه داده شده است که برای اختراعات خود، پروانه تحصیل نمایند. در ایران نیز، به موجب ماده ۳۰ ق. ت. و. ا.، «مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل، تحصیل ورقه اختراع کرده، می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند...». به علاوه در بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، در خصوص حمایت از پروانه اختراع، برای تبعه کشور عضو کنوانسیون، که مطابق قواعد کنوانسیون در یکی از کشورهای عضو، برای اختراع خود پروانه اختراع تحصیل نموده است، این حق به رسمیت شناخته شده است که بتواند در زمان اولویت<sup>۱</sup>، در سایر کشورهای عضو نیز برای اختراع خود، پروانه اختراع تحصیل نماید. برای مثال در کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی، مخترع تبعه یکی از کشورهای عضو، می‌تواند طی ۱۲ ماه از تاریخ اولین درخواست برای صدور پروانه اختراع در یکی از کشورهای عضو،

<sup>۱</sup>. Priority date

در سایر کشورهای عضو نیز، برای همان موضوع، پروانه اختراع تحصیل نماید. در ماده ۲ همین کنوانسیون، کشورهای عضو متعهد شده‌اند که در کشورهای خود و نسبت به اتباع دیگر کشورهای عضو، رفتاری مشابه با اتباع خود داشته باشند. همچنین در ماده ۸ معاهده همکاری در خصوص پروانه اختراع، این حق برای اتباع کشورهای عضو به رسمیت شناخته شده است. بنابراین مالک پروانه اختراع می‌تواند برای همان اختراع، در کشورهای متعدد دیگری نیز پروانه اختراع تحصیل نماید. در این صورت و با توجه به قاعده رفتار مشابه نسبت به اتباع دیگر کشورها، در صورت نقض حقوق انحصاری مالک پروانه اختراع، وی می‌تواند علیه شخص نقض کننده اقامه دعوا نماید.

با این حال باید توجه داشت که مدت اخذ پروانه اختراع در این کنوانسیون‌ها و نیز در قوانین کشورهای دیگر محدود است. برای مثال در کنوانسیون پاریس، این مدت به ۱۲ ماه و در معاهده همکاری در خصوص پروانه اختراع به ۱۸ ماه و در قوانین برخی از کشورها نظیر آمریکا به ۱۲ ماه محدود است. از سوی دیگر ثبت اختراع در کشورهای دیگر، مستلزم پرداخت هزینه‌های سالیانه به دولت آن کشور است و این کار ممکن است مطلوب مالک پروانه اختراع نباشد. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که در صورت انعقاد قرارداد لیسانس پس از گذشت مواعد مقرر برای ثبت اختراع در کشورهای دیگر، برای حفظ منافع لیسانس‌گیرنده در قلمروی لیسانس، چه راه‌حلی متصور است؟

البته مطابق قانون ایران، «مخترعی که در خارج ایران برای اختراع خود مطابق قوانین محل تحصیل ورقه اختراع کرده می‌تواند در صورتی که مدت ورقه مزبور منقضی نشده باشد در ایران نیز برای بقیه آن مدت تقاضای ورقه اختراع کند...» بنابراین لیسانس‌گیرنده ایرانی می‌تواند در ضمن قرارداد، لیسانس‌دهنده را متعهد نماید که برای اختراع خود، در ایران نیز پروانه اختراع تحصیل نماید و به علاوه وی را متعهد نماید که در صورت نقض حقوق انحصاری ایجاد شده به موجب پروانه اختراع صادر شده در ایران، علیه نقض کننده اقامه دعوا نماید یا این که حق خود را مبنی بر اقامه دعوا علیه نقض کننده، به لیسانس‌گیرنده تفویض نماید. با این حال باید توجه داشت که ترتیب مقرر در قانون ایران و عدم محدودیت مدت برای ثبت اختراع خارجی در ایران، یادگار دوران استعمار است و در صورت بازنگری در قوانین مربوط، باید مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد. در واقع این عدم محدودیت، به مخترع خارجی اجازه می‌دهد هر زمان که بخواهد، بدون این که متحمل ریسکی شود، با ثبت اختراع در ایران، بازار رقابت را محدود نماید و تضییقاتی را به ضرر مشتریان به وجود آورد. بدیهی است علیرغم این که مفهوم حقوق رقابت برای قانونگذار ایرانی و حتی حقوقدانان ایرانی غریب و ناآشناست، ولی مفهوم اقتصادی آن قابل درک و دفاع است. به علاوه محدودیت این زمان، باعث می‌شود مخترع یا مالک پروانه اختراع، برای ثبت اختراع خود در کشورهای دیگر مجبور به محاسبه شده، ریسکی را متحمل شود. ولی ترتیب مقرر در ایران این ریسک را از بین می‌برد. می‌توان گفت وجود این ماده قانونی در جهت حمایت از خارجی‌ان در خصوص چگونگی تأثیر در بازار رقابت داخلی است و بنابراین قابل دفاع نیست.

در خصوص این راه‌حل، نیز همانند آن چه که در خصوص دفاع در مقابل ادعای نقض حقوق انحصاری که اشخاص ثالث علیه لیسانس‌گیرنده مطرح می‌کند، گفته شد، باید به این نکته توجه داشت که مؤثر بودن یا نبودن آن رابطه مستقیمی با نحوه قیمت‌گذاری قرارداد لیسانس و نیز نوع آن دارد. به این معنا که اگر شیوه قیمت‌گذاری به صورت مقطوع (یک قلم) (Lump sum) بوده باشد، لیسانس-دهنده انگیزه چندانی برای اقدام علیه نقض‌کننده حقوق انحصاری خود نخواهد داشت. همچنین اگر لیسانس، انحصاری باشد، یعنی به غیر از لیسانس‌گیرنده، نه خود لیسانس‌دهنده و نه اشخاص ثالث بتوانند در قلمروی لیسانس فعالیت نمایند، انگیزه وی در تعقیب نقض‌کننده کاهش می‌یابد؛ زیرا لیسانس-دهنده سود مورد نظر خود را کسب نموده است و انتظار کسب سود از اقامه دعوا، امری صرفاً احتمالی است که در مقایسه با هزینه‌های دادرسی که به طور حتم باید پرداخت شود ممکن است چندان باعث ایجاد انگیزش نشود. در مقابل اگر قیمت‌گذاری در لیسانس به صورت اخذ حق امتیاز باشد، یا

لیسانس منفرد (sole) باشد، انگیزه لیسانس‌دهنده در تعقیب نقض‌کننده حقوق انحصاری، مضاعف خواهد شد؛ زیرا کسب سود حداکثری از پروانه اختراع، منوط به آن است که در طول قرارداد لیسانس، لیسانس‌گیرنده بتواند تا آن جا که ممکن است از پروانه اختراع استفاده حداکثری نماید. بدیهی است در این صورت سود لیسانس‌دهنده با سود لیسانس‌گیرنده رابطه مستقیم خواهد داشت. هم‌چنین در لیسانس منفرد، منافع خود لیسانس‌دهنده به عنوان شخصی که می‌تواند علاوه بر لیسانس‌گیرنده در همان قلمروی لیسانس فعالیت نماید، اقتضا می‌کند که از فعالیت بدون مجوز اشخاص ثالث جلوگیری شود.

راه حل نهایی:

«در صورت فقدان توافق برخلاف این ترتیب، هر یک از مالکان پروانه اختراع می‌تواند در داخل آمریکا، اختراع موضوع پروانه اختراع را ساخته، مورد استفاده قرار داده، برای فروش عرضه نموده، یا بفروشد، یا آن را وارد ایالات متحده نماید، بدون این که نیاز به رضایت سایر مالکان باشد.» این ماده حکایت از آن دارد که مالکیت مشاعی در خصوص پروانه اختراع، به رسمیت شناخته شده است. ترتیب اداره این مال مشاع، اولاً و با لذات تابع اراده شرکا قرار گرفته است. به این ترتیب ممکن است شرکا توافق نمایند که یکی از آنها حق داشته باشد در خصوص لیسانس دادن آن، با اشخاص ثالث مذاکره نماید و دیگری در خصوص اقامه دعوی نقض، مسؤول باشد و هر دو بتوانند از اختراع موصوف، استفاده نمایند.

از بند ۲ ماده ۶۶ قانون پروانه اختراعات انگلستان نیز می‌تواند وجود مالکیت مشاعی را نتیجه گرفت. به موجب این ماده، هر یک از مالکان پروانه اختراع می‌تواند به تنهایی علیه کسی که حقوق انحصاری ناشی از پروانه اختراع را نقض نموده است، اقامه دعوا نماید.

در حقوق ایران نیز «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» (ماده ۵۷۱ ق.م) و «طرز اداره کردن اموال مشترک تابع شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود» (ماده ۵۷۶ ق.م). بنابراین در صورتی که لیسانس‌گیرنده، به نحو اشتراک، در ایران تحصیل پروانه اختراع نماید. به علاوه قرارداد طرفین در این خصوص می‌تواند این ترتیب که تنها حق لیسانس‌گیرنده، ثبت اختراع در ایران است و هیچ حق دیگری در خصوص اعطای لیسانس به دیگران یا انتقال آن به دیگران ندارد. به این ترتیب رشته مالکیت از سویی به دست لیسانس‌گیرنده داده خواهد شد تا بتواند منافع آتی خود را در برابر استفاده بدون لیسانس اشخاص ثالث حفظ نماید. از سوی دیگر رشته مالکیت در دست لیسانس‌دهنده باقی خواهد و می‌تواند هر گونه تصرف مالکانه که منافی مفاد قرارداد لیسانس نباشد، در خصوص پروانه اختراع به عمل آورد.

### گفتار دوم: تعهدات لیسانس‌گیرنده

در این گفتار به تعهدات متقابل لیسانس‌گیرنده در مقابل لیسانس‌دهنده می‌پردازیم. اهم این تعهدات عبارتند از رازداری، تعهد به پرداخت حق امتیاز و تعهد به بهره‌برداری که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### مبحث اول- تعهد به رازداری<sup>۱</sup>

در گفتار قبل اشاره کردیم که به دلیل اقتضانات بازار فن‌آوری و ماهیت پروانه اختراع، مالک پروانه اختراع، به طور معمول، تمامی اطلاعات مربوط به اختراع را در مدارکی که ضمن درخواست صدور پروانه اختراع به اداره ثبت اختراعات تسلیم می‌کند، افشا نمی‌کند و ترجیح می‌دهد که برخی از اطلاعات مرتبط با پروانه اختراع را که نیازی به افشا آن نیست، به صورت اسرار تجاری و/یا دانش فنی نزد خود حفظ نماید. از سوی دیگر در بسیاری از موارد، لیسانس‌گیرنده به این نتیجه می‌رسد که

<sup>۱</sup>. Secrecy or confidentiality

استفاده صرف پروانه اختراع، وی را به مقصود نخواهد رساند، و اگر بخواهد اسرار یا دانش فنی مورد نظر را خود به دست آورد، گاه هزینه آن، اعم از وقت و پول، بسیار بیشتر از ارزش حق امتیاز خواهد بود که در قبال این اطلاعات باید می‌پرداخت. از این‌رو، لیسانس‌گیرنده ممکن است از لیسانس-دهنده بخواهد اسرار تجاری و دانش فنی مرتبط با پروانه اختراع را نیز در اختیار وی بگذارد. این واگذاری ممکن است در قبال حق امتیاز جداگانه باشد یا حق امتیاز مربوط به آن، به حق امتیاز مربوط به پروانه اختراع افزوده شود، یا حتی در مقابل آن حق امتیاز اخذ نگردد.

با این حال، در مواردی که لیسانس‌دهنده اطلاعات و دانش فنی خود را نیز در اختیار لیسانس‌گیرنده می‌گذارد، و حتی در مواردی که این اطلاعات و اگذار نمی‌شود، یکی از تعهداتی که اغلب به لیسانس-گیرنده تحمیل می‌شود، تعهد به رازداری است.

اجتناب‌ناپذیر بودن تحمیل این تعهد به لیسانس‌گیرنده به نظر بدیهی می‌رسد. در قسمت قبل گفته شد که برای این که اطلاعات خاصی، اسرار تجاری و دانش فنی تلقی گردد، محرمانه بودن آن، و در دسترس عموم نبودن آن دو شرط اساسی است. زیرا فقدان هر یک از این شرایط، به معنای آن است که این اطلاعات در اختیار همگان است. در این صورت این اطلاعات مزیتی را برای دارنده آن، نسبت به سایر رقبا فراهم نمی‌آورد که این خود یکی دیگر از شرایط لازم برای قابل حمایت بودن اسرار تجاری است.

همچنین گفته شد که برای احراز محرمانه بودن، راهکارهایی باید توسط دارنده آنها اتخاذ گردد. از جمله این راهکارها، زمانی مطرح می‌گردد که دارنده اطلاعات، به موجب ترتیبات قراردادی، آنها را به اشخاصی خارج از مجموعه خود واگذار می‌نماید. در این صورت تعهد طرف مقابل به رازداری باید به دقت تعریف گردد تا موجب مخاطرات بعدی نگردد.

در حقیقت به موجب ماده (۲) TTBER، معافیت ناشی از این مقررات، تا زمانی شامل قرارداد لیسانس می‌گردد که مالکیت فکری مورد نظر منقضی نشده، یا بی‌اعتباری آن اعلام نشده باشد، و در مورد دانش فنی، تا زمانی است که محرمانه باقی بماند.

با این وجود باید توجه داشت که در همین مقررات، تعهدات قراردادی مبنی بر رازداری، به طور غیر مستقیم، به رسمیت شناخته شده و الزام‌آور است. در صورتی که لیسانس‌گیرنده، رازداری را رعایت ننموده و این اطلاعات را بدون مجوز لیسانس‌دهنده افشا نماید، معافیت ناشی از این مقررات، در مدت قرارداد قابل اعمال خواهد بود.

به طور معمول، تعهد به رازداری برعهده لیسانس‌گیرنده است. با این حال باید توجه داشت که در برخی موارد، نظیر احداث کارخانه‌های بزرگ، انجام کار توسط لیسانس‌گیرنده صورت نمی‌پذیرد. بلکه لیسانس‌گیرنده، منابع مالی را تهیه نموده و انجام کار را به پیمانکار واگذار می‌کند. این پیمانکار نیز به نوبه خود ممکن است از پیمانکاران دست دوم و نیز تولیدکنندگان کالا و تجهیزات استفاده نماید. در این صورت، در بسیاری موارد، اطلاعاتی که لیسانس‌دهنده در اختیار لیسانس‌گیرنده گذارده است، برای اجرای دقیق و بهتر کار، باید لاجرم در اختیار ایشان قرار گیرد. این امر لیسانس‌دهنده را با مشکل افشای اطلاعات مواجه می‌نماید. از سویی با توجه به عدم وجود رابطه قراردادی بین لیسانس-دهنده با ایشان، اقامه دعوا، به خصوص در ایران منحصر به تکیه بر قواعد کلی مسؤولیت مدنی خواهد شد. بنابراین ضرورت دارد تا لیسانس‌دهنده، تعهداتی را در خصوص رازداری، از طریق لیسانس‌گیرنده به این عده تحمیل نماید. در این صورت، عمل لیسانس‌گیرنده، قالب تضمین فعل ثالث را به خود خواهد گرفت و در صورت نقض این تعهد از جانب این افراد، لیسانس‌دهنده می‌تواند به لیسانس‌گیرنده مراجعه نماید. به طور معمول در چنین مواردی، لیسانس‌گیرنده موظف می‌گردد شرایطی را در خصوص رازداری به افراد ثالث تحمیل نماید که مفاد آن، کمتر از شرایط مقرر در قرارداد لیسانس نباشد.

در قراردادهای لیسانس، به طور معمول، یکی از بندهای قرارداد به تعهد رازداری می‌پردازد. در این بند، اولاً اطلاعات محرمانه، دانش فنی و اسرار تجاری تعریف می‌شود؛ ثانیاً مواردی که لیسانس‌گیرنده متعهد به رعایت رازداری نیست مشخص می‌شود؛ ثالثاً مدت رعایت این تعهد، می‌تواند فراتر از مدت قرارداد باشد، نیز تعیین می‌گردد.

باید توجه داشت که صرف تصریح به تعهدات طرفین در خصوص رازداری کفایت نمی‌کند. این تعهدات باید به دقت در مرحله اجرا نیز رعایت گردد. برای مثال در دعوی، قرارداد لیسانس مقرر نموده بود که اطلاعات لیسانس‌دهنده که حاوی مهر «محرمانه» باشد، باید توسط لیسانس‌گیرنده محرمانه نگه داشته شود. هر چند لیسانس‌دهنده در درون شرکت خود، ترتیبات دقیقی را برای رازداری رعایت می‌نمود، ولی به واسطه عدم مهر نمودن مدارکی که در اختیار لیسانس‌گیرنده نهاده بود، دعوای وی مبنی بر نقض رازداری، علیه لیسانس‌گیرنده به نتیجه نرسید. دادگاه چنین اظهار نظر کرد که خواهان، راه‌های متعارف برای حفظ رازداری را رعایت ننموده است.

### مبحث دوم- تعهد به پرداخت حق امتیاز و ارائه گزارش عملکرد

در هر قرارداد لیسانس، به طور معمول، لیسانس‌دهنده در قبال دریافت ارزشی که برای پروانه اختراع قائل است و در عین حال بازار حاضر به پذیرش آن است، مبادرت به اعطای لیسانس می‌نماید. این ارزش، عبارت از مبلغی پول است که روش پرداخت آن صورت‌های متنوعی می‌تواند داشته باشد. در عین حال باید توجه داشت که روش غالب در قیمت‌گذاری قراردادهای لیسانس، پرداخت حق امتیاز است. در این صورت مبلغ قرارداد از قبل قابل تعیین نیست و بسته به عوامل متعددی ممکن است کاهش یا افزایش داشته باشد.

برای پرداخت حق امتیاز، دو موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است. اول، مبنای حق امتیاز است که باید به دقت تعریف شود تا بعدها منشأ اختلاف بین طرفین نشود. این مبنا ممکن است میزان مصرف مواد اولیه، میزان یا تعداد محصول تولید شده، فروخته شد یا... باشد. دوم، تفکیک و تمایز بین ارزش مشخص‌کننده مبلغ<sup>۱</sup> و ارزش پرداخت<sup>۲</sup> است. این دو ممکن است یکی باشد، ولی در لیسانس‌های بین-المللی، بسیار اتفاق می‌افتد که این دو متفاوت باشند. در این صورت، یکی از مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد، نرخ برابری ارزش است. برای مثال، اگر لیسانس‌دهنده فرانسوی باشد، و ارزش پرداخت دلار باشد، و لیسانس‌گیرنده مجاز باشد محصول تولید شده را در کشورهای مجاور خود نیز بفروشد، این امکان قابل نفی نیست که خریدار بخواهد ارزش کشور خود را به لیسانس‌گیرنده بپردازد. در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که آیا نرخ برابری ارزش در زمان بارگیری کالا ملاک است؟ یا تاریخ رسید کالا؟ یا تاریخ ارائه گزارش عملکرد؟ یا روز پرداخت حق امتیاز به لیسانس‌دهنده؟ اگر نرخ برابری ارزش یا زمانی که این نرخ باید مد نظر قرار گیرد، مشخص نباشد، زمینه اختلاف فراهم می‌گردد.

در صورتی که پرداخت در قرارداد لیسانس بر مبنای حق امتیاز باشد، پیش‌بینی ترتیبی مشخص برای ارائه گزارش حق امتیاز نیز ضروری است. توضیح این که، به طور معمول، این لیسانس‌گیرنده یا یکی از شرکت‌های وابسته به آن است که به امر فروش محصولات مبادرت می‌ورزد. از سوی دیگر این حق برای لیسانس‌دهنده بدهی به نظر می‌رسد که از میزان فروش واقعی و نیز مبلغ واقعی آن اطلاع حاصل نماید. این امر در مواردی مستلزم آن است که اسناد مثبت معاملات، نظیر پیش‌فاکتورها،

<sup>۱</sup>.Currency of the obligation

<sup>۲</sup>.Currency of the payment

فاکتورها، بارنامه‌ها و... ضمیمه گزارش گردد. این امر به معنای آن است که لیسانس‌دهنده از هویت مشتریان لیسانس‌گیرنده آگاه می‌گردد؛ موضوعی که شاید چندان مطلوب نظر لیسانس‌گیرنده نباشد، لیکن در اغلب موارد اجتناب‌ناپذیر است.

### مبحث سوم- تعهد به بهره‌برداری از موضوع لیسانس

گفته شد که پروانه اختراع، به مالک آن حقوق انحصاری اعطا می‌کند. این حقوق انحصاری، به همراه این اصل که هیچ محدودیتی برای قیمت کالای موضوع پروانه اختراع جز آن چه که بازار پیشنهاد می‌دهد، وجود ندارد، به مالک این قدرت را می‌دهد تا بیشترین بهره‌برداری اقتصادی را از اختراع خود بنماید. با این حال در بسیاری از موارد، عدم وجود منابع کافی برای مالک پروانه اختراع، باعث می‌شود که وی به بهره‌برداری حداکثری از پروانه اختراع، از طریق اعطای لیسانس به اشخاص ثالث، روی بیاورد. بنابراین، قرارداد لیسانس باعث می‌شود تا لیسانس‌گیرنده بتواند از حقوق انحصاری لیسانس‌دهنده استفاده نماید، و با ترکیب این حقوق با منابع خود، درآمدی تحصیل نماید، و به عنوان عوض حقوق انحصاری، بخشی از آن درآمد را به لیسانس‌دهنده بپردازد.

در اینجا این سؤال قابل طرح است که اگر لیسانس‌گیرنده به تعهد خود مبنی بر بهره‌برداری از پروانه اختراع عمل ننماید، چه آثاری متوجه قرارداد خواهد بود؟

در فرضی که لیسانس، انحصاری باشد، به نظر می‌رسد که درآمد ناشی از پروانه اختراع، تا حدود زیادی به عملکرد لیسانس‌گیرنده بستگی دارد؛ زیرا لیسانس انحصاری به معنای آن است که لیسانس‌دهنده حق خود را مبنی بر استفاده از پروانه اختراع در قلمروی لیسانس اسقاط نموده است و به علاوه تعهد نموده است که به اشخاص ثالث نیز، در همان قلمرو، لیسانس اعطا ننماید. در واقع لیسانس‌دهنده با برآوردی که از بازار قلمروی لیسانس و نیز توانایی‌های لیسانس‌گیرنده به عمل آورده است، بهره‌برداری حداکثری خود را در اعطای لیسانس انحصاری دیده است. حال اگر لیسانس‌گیرنده به تعهد خود عمل ننماید، می‌توان گفت که وی مرتکب نقض قرارداد شده است. برای مثال در دعوی مک دونالد علیه جانسون و جانسون، خواهان ادعا می‌نمود که خوانده، دارای قدرت انحصاری در بازار مربوط بوده و به عمد، از صنعتی نمودن پروانه اختراعی که از خواهان اخذ نموده، خودداری می‌نماید، و نتیجه این امر لطمه به رقابت در آن بازار است. به همین دلیل درآمدی که لیسانس‌دهنده به دنبال آن بوده است، کاهش یافته است. هر چند که ادعای لیسانس‌دهنده مبنی بر مغایرت فعالیت لیسانس‌گیرنده با حقوق رقابت، رد شد، اما تأیید ادعای دیگر وی در خصوص کاهش درآمد به واسطه نقض قرارداد، باعث شد که دادگاه، حکم به جبران خسارت به میزان ۵/۷ میلیون دلار نماید. در دعوی مشابه، خوانده از خواهان لیسانس انحصاری در خصوص پروانه اختراعی تحصیل نموده بود که موضوع آن لامپ‌های مهتابی بود که نسبت به کالاهای مشابه، مصرف کمتری داشت. لیسانس‌گیرنده در وضعیتی قرار داشت که سود سرشاری از فروش کالای قبلی خود (لامپ الکترو مغناطیسی با هسته کربنی که مصرف انرژی آن بسیار بالا بود) تحصیل می‌نمود و بنابراین تمایلی به صنعتی کردن اختراع موضوع لیسانس نداشت. لیسانس‌گیرنده تمایلی هم نداشت که رقبای محدود وی، به این فن‌آوری دست پیدا کنند، یا مشاب آن را - که البته ممکن بود گرانتر باشد - به بازار عرضه نمایند. بنابراین لیسانس‌گیرنده با اخذ لیسانس از مالک، اختراع را معطل گذارده بود. در این پرونده نیز ادعای غیر رقابتی بودن فعالیت لیسانس‌گیرنده به جایی نرسید، اما موفق شد به واسطه نقض قرارداد، در رسیدگی ابتدایی مبلغ ۲۶ میلیون دلار و در رسیدگی مجدد مبلغ ۹۶ میلیون دلار به عنوان خسارت دریافت نماید. از نظر دادگاه، لیسانس‌گیرنده با انعقاد قرارداد لیسانس متعهد شده بود که اختراع را صنعتی نماید ولی هیچ‌گونه قصد همراه با حسن نیتی برای انجام این مهم نداشت.

باید توجه داشت که اخذ لیسانس انحصاری با دو قصد صورت می‌گیرد. در یک فرض، نیت اصلی لیسانس‌گیرنده، استفاده از پروانه اختراع و حقوق ناشی از آن برای صنعتی نمودن اختراع است. ولی

در فرض دیگری، هدف لیسانس‌گیرنده صرفاً کسب حقوق انحصاری ناشی از پروانه اختراع است تا به این وسیله موقعیت خود را در بازار حفظ کند یا آن را تقویت نماید. برای مثال، چندی پیش در خبرها آمده بود که دانشمندان موفق شده‌اند ماده‌ای را بسازند که ۱۰ برابر سبک‌تر و ۲۵۰ برابر محکم‌تر از فولاد است.

شرکتی که هم اکنون در زمینه تولید فولاد فعالیت می‌نماید، منافع خود را در خطر می‌بیند؛ زیرا در صورتی که این ماده به تولید انبوه برسد، حتی در فرضی که قیمت آن با فولاد برابر باشد، نظر به سبکی و استحکام بیشتر آن، با اقبال بیشتری مواجه خواهد شد. در این صورت در مدت کوتاهی، این شرکت از گردونه رقابت خارج خواهد شد. از سوی دیگر، تعویض خط تولید این کارخانه با خط تولید جدیدی که بتواند ماده اخیر را تولید نماید، به معنای آن است که مقادیر قابل توجهی از سرمایه که صرف ساخت خط تولید قدیمی شده است، به هدر رفته است. همچنین احداث خط تولید جدید سرمایه‌های هنگفتی را طلب می‌کند. شرکت اخیر با خود می‌اندیشد که اگر بتواند از مالک پروانه اختراع مربوط به ماده جدید، لیسانس انحصاری اخذ کند، آن‌گاه در بازار قلمروی لیسانس، همچنان می‌تواند با خطوط تولید قبلی خود به تولید فولاد پرداخته و کمابیش قیمت آن را نیز در سطح قبلی نگه دارد. از سوی دیگر، می‌تواند با اعمال حقوق انحصاری، مانع از فعالیت کسانی شود که در پی راه‌اندازی کارخانه‌ای برای تولید ماده جدید هستند یا می‌خواهند ماده جدید را در محدوده قلمروی لیسانس بفروشند. این حالت در اصطلاح حبس پروانه اختراع (فن‌آوری) نامیده می‌شود. در این حالت، به دلیل وجود حقوق انحصاری، موضوع اختراع نمی‌تواند توسط دیگران مورد استفاده واقع شده و به تبع آن، کالای موضوع اختراع به دست مصرف‌کنندگان و بازار نخواهد رسید. چنین امری صرفاً تئوریک نیست؛ تاریخ کشورهای صنعتی، به خصوص آمریکا، به وفور شاهد این سناریو بوده است.

در حقوق آمریکا، در صورتی که لیسانس انحصاری باشد، و در فرض عدم تصریح، چنین فرض می‌شود که قرارداد حاوی شرطی ضمنی است که به موجب آن، لیسانس‌گیرنده ملزم است تلاش حداکثری نماید تا اختراع به تولید صنعتی برسد. این فرض با توجه به نوع قیمت‌گذاری قرارداد ممکن است تقویت یا تضعیف گردد. اگر مبلغ قرارداد، مقطوع (یک قلم) (Lump sum) باشد، این فرض تضعیف می‌شود، زیرا در این صورت می‌توان این اراده را به طرفین منتسب کرد که اعطای حقوق صرف‌نظر از این بوده که لیسانس‌گیرنده بتواند اختراع را به تولید صنعتی برساند یا خیر. در فرضی که مبلغ مقطوع در اقساط مشخص پرداخت می‌گردد نیز وضع به همین قرار است. به عکس، اگر قیمت‌گذاری براساس حق امتیاز باشد، یا ترکیبی از حق امتیاز و مبلغی به عنوان پیش‌پرداخت - جهت اعطای لیسانس انحصاری - باشد، این فرض تقویت می‌گردد که لیسانس‌گیرنده ملزم به تلاش حداکثری جهت صنعتی نمودن اختراع است.

تعهد به تلاش حداکثری برای بهره‌برداری از موضوع لیسانس، یکی از مصادیق قاعده کلی است که به موجب آن اگر درآمد یکی از طرفین که حقوق یا اموالی را به طرف دیگر واگذار نموده است، منوط به تلاش طرف دوم برای تحقق درآمد باشد، تعهد ضمنی به تلاش حداکثری مفروض است. همان‌گونه که دادگاه ناحیه ششم در آمریکا در رأی خود مقرر داشته است:

«در هر قرارداد تجاری که عوض تعهد شده توسط یکی از طرفین، درصدی از سود یا عواید است، یا حق امتیازی است که به کالای فروخته شده، تولید شده یا استخراج شده از معدن تعلق می‌گیرد، تقریباً همیشه تعهد ضمنی مبنی بر تلاش و اجرای دقیق همراه با حسن نیت و امتناع از انجام کارهایی که اجرای قرارداد [تحقق درآمد] را ممتنع می‌سازد وجود دارد... این قاعده حقوقی در خصوص لیسانس-هایی که موضوع آن پروانه اختراع است، با قوت هر چه تمام اعمال شده است.»

با این حال مفروض دانستن تعهد لیسانس‌گیرنده به تلاش حداکثری توسط دادگاه همیشه قطعی و قابل اطمینان نیست. از سوی دیگر تفسیر «تلاش حداکثری» به اوضاع و احوال هر قضیه بستگی دارد.

برای مثال از نظر دادگاه‌ها، طرف متعهد به تلاش حداکثری برای تحقق یک هدف خاص، موظف نیست هرگونه اقدامی را، ولو به ضرر خود، انجام دهد. هم چنین «تعهد یکی از طرفین به تلاش حداکثری، مانع از آن نیست که وی به منافع خود، توجه متعارف داشته باشد.» برخی از دادگاه‌ها ابراز عقیده نموده‌اند که معیار تلاش حداکثری، حسن نیت است. از جمله دادگاه ناحیه دو مقرر می‌دارد: «ما هیچ پرونده‌ای را نیافتیم که در آن دادگاه... یکی از طرفین را واجد حسن نیت دانسته باشد، ولی تلاش حداکثری خود را به کار نبرده باشد.» همین دادگاه در پرونده دیگری مقرر می‌دارد «تلاش حداکثری، این تعهد را به دنبال دارد که [طرف قرارداد] در محدوده امکانات خود، با حسن نیت عمل نماید.» در عین حال در برخی آراء جدیدتر، گفته شده است که معیار تلاش حداکثری، بالاتر از حسن نیت است. «تلاش حداکثری، فراتر از حسن نیت - که به صورت یک تعهد ضمنی در همه قراردادهای وجود دارد - است.» در برخی از آراء جدید، به جای معیار حسن نیت، از معیار متعارف استفاده شده است. «تلاش حداکثری» خواهان را ملزم می‌نماید تا تمامی روش‌های متعارف را دنبال نماید.»

تعهد به تلاش حداکثری، گاه توسط طرفین و در زمان انعقاد، در متن قرارداد انشاء می‌شود. این امر می‌تواند از جمله بنا به دلایل زیر باشد: (۱) طرفین به میزانی از اعتماد متقابل در رابطه خود دست یافته‌اند و نمی‌خواهند که این رابطه به واسطه تلاش برای رسیدن به مفهومی دقیق‌تر از تعهدات یکدیگر، گسسته شود. (۲) طرفین در خصوص میزان مقبولیت کالا در بازار تردید دارند. (۳) تهیه-کنندگان قرارداد بر این باورند که این عبارت، معنای واضح و مشخصی دارد. با این حال باید توجه داشت که حتی در مواردی که این عبارت در قرارداد گنجانده می‌شود، پس از ارجاع اختلاف به دادگاه، مشکل پیش گفته بروز می‌کند و آن این که تفسیر این عبارت به اوضاع و احوال هر قضیه بستگی دارد. این عدم قطعیت، مؤید این نکته است که تشریح و تعریف تعهدات هر یک از طرفین، و گنجاندن معیارهای دقیق‌تری که از عینیت بیشتری برخوردار بوده و کمتر قابل تفسیر باشد، ریسک قرارداد را کاهش خواهد داد. به عنوان نمونه، مشخص نمودن سقف زمانی برای رسیدن به یک مقطع یا هدف تعریف شده در قرارداد، یا دستیابی به میزان مشخصی از تولید یا فروش محصول براساس کمیت یا براساس قیمت، از جمله معیارهایی است که قضاوت در خصوص انجام تعهد لیسانس‌گیرنده به بهره‌برداری را تسهیل می‌نماید. در این صورت اگر شرایط قرارداد در خصوص حق فسخ لیسانس‌دهنده به واسطه عدم انجام تعهدات طرف مقابل به خوبی تعریف شده باشد، وی می‌تواند قرارداد را خاتمه دهد و بهره‌برداری از اختراع را خود انجام داده یا به شخص دیگری اعطای لیسانس نماید. از دیگر راهکارهای احتراز از حبس پروانه اختراع توسط لیسانس‌گیرنده آن است که در قرارداد تصریح شود که در صورت عدم بهره‌برداری، لیسانس انحصاری به غیر انحصاری تبدیل خواهد شد. این امر تقویت انگیزه لیسانس‌گیرنده را برای بهره‌برداری به دنبال داشته و لیسانس‌دهنده را نیز تا حدودی در حاشیه امن قرار می‌دهد.

در حقوق ایران، تحلیل مسأله خالی از دشواری نیست. اگر قرارداد لیسانس، صرفاً متضمن اعطای حق به لیسانس‌گیرنده باشد، و در خصوص بهره‌برداری هیچ صحبتی نشده باشد، به خصوص اگر قیمت-گذاری قرارداد، مقطوع (یک قلم) باشد، این ظن تقویت می‌شود که در صورت عدم استفاده لیسانس-گیرنده، خللی متوجه قرارداد نخواهد بود. در واقع، اعطای حق در مقابل دریافت مبلغ قرارداد بوده است و هر دو طرف به تعهدات خود عمل نموده‌اند. از سوی دیگر، عرف و عادتی در این خصوص وجود ندارد و در صورت وجود هم، در این مورد خاص، تعهد به بهره‌برداری به واسطه عرف و عادت از قرارداد استفاده نمی‌شود (ماده ۲۲۰ ق.م).

اما اگر لیسانس، متضمن این شرط باشد که لیسانس‌گیرنده متعهد به بهره‌برداری است، در دو فرض می‌توان آن را تحلیل کرد: (۱) مبلغ قرارداد مقطوع (یک قلم) باشد. (۲) مبلغ قرارداد براساس حق امتیاز تعیین شود.

در فرض اول، عدم بهره‌برداری از موضوع لیسانس باعث می‌شود، مطابق قوانین فعلی و براساس تفسیر لفظی از مواد قانونی مربوط، امکان فسخ قرارداد و حتی اخذ خسارت وجود دارد. در حقیقت «هر گاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را بجا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید» (ماده ۲۳۷ ق.م)، «هر گاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت» (ماده ۲۳۹ ق.م). در این صورت لیسانس‌دهنده می‌تواند استدلال نماید که به موجب شرط ضمن عقد، طرف مقابل متعهد به بهره‌برداری از موضوع لیسانس بوده و چون به تعهد خود عمل ننموده است، و از سوی دیگر امکان اجبار وی وجود ندارد، بنابراین وی محق در فسخ قرارداد خواهد بود.

در این خصوص، باید سه نکته را مد نظر داشت. اول این که متعهد دانستن لیسانس‌گیرنده به بهره‌برداری، حتی در صورتی که در قرارداد به آن تصریح شده باشد، لزوماً تفسیر صحیحی از قرارداد و قانون نیست؛ زیرا امکان این هست که با توجه به عدم شیوع این دسته از قراردادها در ایران، و به تبع آن عدم وضوح ابعاد حقوقی آن، درج این تعهد در قرارداد، صرفاً به واسطه تقلید یا کپی کردن قرارداد از یک نمونه قرارداد خارجی صورت گرفته باشد.

دوم این که تفسیر قرارداد به این نحو، می‌تواند مخالف انتظارات طرفین از انعقاد چنین قراردادی باشد. در صورتی که مبلغ قرارداد به صورت مقطوع (یک قلم) باشد، و این مبلغ چه به صورت یک جا یا در اقساط مشخص به لیسانس‌دهنده پرداخت شود، انتظار وی از انعقاد قرارداد حاصل شده است. در این جا می‌توان این سؤال را مطرح کرد که بهره‌بردار از موضوع، چه انتظار برآورده ناشده‌ای را برای لیسانس‌دهنده محقق می‌کند. اگر در پاسخ بتوان منفعتی را در نظر گرفت که در صورت بهره‌برداری از لیسانس عاید لیسانس‌دهنده شود و چنین منفعتی مورد نظر طرفین هم بوده باشد، می‌توان تا حدودی حق فسخ لیسانس‌دهنده را تقویت نمود و از آن دفاع نمود؛ ولی اگر این گونه نباشد، دادن حق فسخ به لیسانس‌دهنده، علاوه بر این که با استحکام معاملات منافات دارد، با انتظارات طرفین از قرارداد نیز در تعارض است و باعث می‌شود نفعی متوجه لیسانس‌دهنده شود که مدنظر وی نبوده و استحقاق آن را نیز ندارد. به این موارد باید مشکلات ناشی از باز پس گرفتن مبلغ پرداخت شده را، در صورت عدم تمکن لیسانس‌دهنده، نیز اضافه کرد. به علاوه آیا اساساً باز پس گرفتن مبلغ در این مورد توجیه دارد؟ آیا تمام مبلغ بازپس گرفته می‌شود یا قسمتی از آن؟ در این صورت «این قسمت» چگونه محاسبه می‌گردد؟ اینها سؤالاتی است که در رویه قضایی و قانون ما پاسخ متناسب خود را نیافته است یا اساساً هنوز مطرح نشده‌اند.

سوم این که نوع تعهد، می‌تواند در این مورد تعیین کننده باشد و حسب مورد، توسط لیسانس‌گیرنده به عنوان دفاع مطرح شود. آیا تعهد به بهره‌برداری تعهد به نتیجه است یا تعهد به وسیله؟ این امر البته بستگی به اوضاع و احوال هر قضیه، از جمله نوع عبارت‌بندی قرارداد دارد. با این حال باید یک نکته را در نظر داشت و آن این که آیا صرف صدور پروانه اختراع دلالت بر امکان استفاده از آن در مقیاس صنعتی است؟ در دیگر کشورها، یکی از شرایط صدور پروانه اختراع، «قابلیت» صنعتی شدن است. ولی این امر در زمان درخواست صدور پروانه و حتی در زمان صدور آن نیز قطعی نیست. یعنی نمی‌توان گفت که اختراع مورد نظر علیرغم داشتن کلیه شرایط قانونی و داشتن قابلیت صنعتی شدن، لزوماً صنعتی خواهد شد. این فرض هر چند در قانون ایران به آن تصریح نشده است، اما از جمله از بند ۳ و ۴ ماده ۳۷ ق.ت.ع.ت.و. قابل استفاده است.<sup>۱</sup> بر این اساس، به خصوص در زمانی که

<sup>۱</sup> ماده ۳۷- در موارد ذیل هر ذینفع می‌تواند به محکمه ابتدایی تهران رجوع کرده و تقاضای صدور حکم بطلان ورقه اختراع

را بنماید:....

پروانه اختراع برای اولین بار در قالب لیسانس واگذار می‌شود و پیش از آن خود لیسانس دهنده هم آن را به مرحله تولید صنعتی نرسانده است، این عدم قطعیت واقعی و غیر قابل تردید است. براین اساس، اگر لیسانس‌گیرنده تنها کسی باشد که مبادرت به تلاش برای صنعتی نمودن اختراع نموده، می‌توان گفت که هر چند نحوه عبارت‌بندی قرارداد مفید تعهد به نتیجه است، با این حال، سایر اوضاع و احوال امر به علاوه این فرض قانونی می‌تواند مؤید این باشد که ماهیت این تعهد، تعهد به وسیله است. به ویژه این که این نحوه شرط بهره‌برداری می‌تواند تعهد لیسانس‌دهنده را مبنی بر کمک به لیسانس‌گیرنده برای برآورده کردن تعهد به بهره‌برداری به دنبال داشته باشد. براین اساس، ضمانت اجرای فسخ زمانی به لیسانس‌گیرنده قابل تحمیل است که (۱) در عمل و به تجربه، صنعتی شدن اختراع، از جمله توسط لیسانس‌گیرنده‌های دیگر یا خود مالک، تحقق یافته باشد؛ یا (۲) اسباب و راه‌هایی برای صنعتی کردن اختراع وجود داشته باشد که لیسانس‌گیرنده آنها را نیازموده باشد.

در فرضی که تعهد به بهره‌برداری در قرارداد تصریح شده است و از سوی دیگر قیمت‌گذاری براساس حق امتیاز است، تفسیر این تعهد به تعهد به نتیجه قوت بیشتری می‌گیرد، به خصوص اگر لیسانس انحصاری باشد. بنابراین تحمیل ضمانت اجرای فسخ و حتی اخذ خسارت دور از ذهن نیست، هر چند به نظر می‌رسد نکته مذکور در فرض اول را نباید از نظر دور داشت.

### نتیجه:

چنانچه در مبحث‌های مختلف اشاره شد، تکنولوژی به عنوان موضوع و مظلوف قراردادها بخصوص در جنبه‌های بین‌المللی آن و زمانی که به موضوعات ثبت نشده‌ای چون دانش فنی می‌پردازد. زمینه‌های مختلفی چون حقوق رقابت‌ها و مالکیت‌های صنعتی را مطرح می‌کند، تا علاوه بر تملک و تملیک تکنولوژی در روابط خصوصی طرفین (و مبادله‌ی آن در خصوص دانش فنی) ضمانت از نظام نوین اقتصادی و حفظ رقابت آزاد و ایجاد بازاری غیر انحصاری زمینه را برای حمایت از تکنولوژی فراهم آورد.

در این بین استفاده از مکانیزم‌های غیر قراردادی و فرا قانونی هر چند که مؤثر و قابل توجه است (چنانچه در سطح داخلی، قوانین مربوط به انتقال تکنولوژی در کشورهای چون کره جنوبی، مالزی و حتی کشورهای آمریکای لاتین مشاهده می‌شود و در سطح فرا ملی به قوانین و آیین‌نامه‌های اتحادیه اروپا، سازمان جهانی مالکیت معنوی و سازمان تجارت جهانی می‌توان اشاره نمود). برای کشورهای

۳- وقتی که اختراع مربوط به طریقه‌های علمی صرف بوده و عملاً قابل استفاده صنعتی نباشد

۴- وقتی که پنج سال از تاریخ صدور ورقه اختراع به موقع استفاده عملی گذشته نشده باشد.

که به اجزاء فرآیند تکنولوژی (چون تحقیق و توسعه، نگاه کرده‌اند کارا و مؤثر نخواهد بود. ولی مکانیزم‌های قراردادی با توجه به موارد نظم عمومی که در حقوق رقابت‌ها بخصوص در ارتباط با کشورهای عضو اتحادیه پیش می‌آید به نحوی که استراتژی‌های بنگاه در تملک و تسلط بر تکنولوژی نمودیم، دخالت می‌کند. به عنوان مثال گاهی قرارداد کلید در دست منعقد می‌شود و گاهی صرفاً طرفین به تبادل دانش فنی به تراضی می‌رسند.

در انتخاب هر کدام از قراردادهای مذکور از مرحله انتخاب مذاکره و نحوه‌ی نگارش قرارداد تا ختم آن و حت بعد از مدت زمان قراردادی در حفظ و محرمانه نگاه داشتن اسرار مربوط به دانش فنی شروط قراردادی مؤثر بنگاه را علاوه بر اینکه به اهداف توسعه‌ای خود می‌رساند، حفظ و ارتقاء تکنولوژی را نیز موجب خواهد شد. قطعاً شروط مزبور با شروطی که در قراردادهای بین‌المللی صرف مشاهده می‌شود. در ضمانت‌ها، حاکمیت قانون بر قرارداد و غیره متفاوت است. چنانچه برای فروشنده بهره‌برداری از تکنولوژی واگذار شده یا مبادله شده توسط مشتری نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. بر همین منوال شروطی چون (intuit personae) یا (intuitu intuitatis) جایگاه پیدا می‌کند. و با توجه به دینامیک یا (going-on process) بودن تکنولوژی قطعاً در طول بهره‌برداری از آن نیز مطرح می‌شود. البته نیاز به کاویدن مطلب و بحث ماهوی از ارتقائات و اصلاحات تکنولوژی نیز می‌باشد که تخصیصاً و تخصصاً از حیثه بحث خارج می‌شود. مباحث دیگر نیز مطرح شد که حکایت از این دارد که حقوق و تعهدات طرفین در قالب آنچه ما حاکمیت و تسلط تکنولوژیک خواندیم امری لازم در انعقاد قراردادها است. قالب قراردادی در قراردادهای انتقال تکنولوژی چنان نمود پیدا می‌کند که مانند یک (package) تکنولوژی، مشتری را در توسعه‌ی بنگاه خود باید مساعدت نماید و تکنولوژی به عنوان موضوع قرارداد می‌بایست دینامیک و متحول بودن (و نه متغیر بودن به معنای دقیق) در شروط مختلف نمایان می‌کند.

### فهرست منابع: (فارسی و عربی)

- آیت اللهی، مهناز، جنبه های حقوقی انتقال تکنولوژی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، بع راهنمایی دکتر نیک بخت، ۱۳۸۲
- آقائی، حسن و منوچهر، سمینار آموزشی پژوهش و انتقال تکنولوژی: فرایند انتقال تکنولوژی، (جزوه آموزشی شماره ۴)، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، دی ماه ۱۳۷۰.
- آقائی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ه. ق.
- باطنی، محمد رضا، فرهنگ معاصر انگلیسی به فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳.
- پارسایار، محمدرضا، فرهنگ معاصر فرانسه به فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- جعفرنژاد، احمد، مدیریت تکنولوژی مدرن، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۲.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی: اصول قراردادهای و تعهدات، جلد دوم، عصر حقوق، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، نشر حقوقدان، تهران، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۷.
- صفائی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و خانواده - اموال، جلد ۱، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۰.
- صابری، روح الله، قراردادهای لیسانس، نشر موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش ۱۳۸۷.
- علی احمدی، علیرضا و توکلی، علیرضا، نگرش جامع به انتقال تکنولوژی به مجله تربیت، شماره ۱۰۹، دیماه ۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، مؤسسه نشر یلدا، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تملیکی، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
- نصیرزاده، غلامرضا و قاسم زاده، حسن، مجموعه مقالات تکنولوژی و توسعه در سطح ملی و بنگاه های اقتصادی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴.

منابع انگلیسی و فرانسه:

- a. A. Glick, M. A. Reymann. L, Hoffman. R. Intellectual Property Dammages. John Wiley and Sons. 2003
- b. Galloux. J. Ch, Le droit de la proprie'te' industrielle, Dalloz. 2002

- c. Grand arrét de la cour de justice de communautés europe'enes, T.2, Dalloz, 4e'd, 1997
- d. Kemeky. K, Competition Law and the World Trade Organisation (the limits of multilateral), Sweet and Maxwell, 2001
- e. -Gervias, Daniel, The TRIPS agreement: drafting history and analysis, London, Sweet & Maxwell, Second Edition, 2001

### **Abstract:**

License is one of the common way of transferring technology , it means that the Patent holder lets a person use his invention. In this study after analyzing the advantages and disadvantages of license, it is compared with the other ways of transferring technology. Then it Compares with other methods to analyze the nature of its legal justification will be given in the form of contracts. Basic principles of licensing agreements are used for its significance. finally, it will be mentioned about contract works and identify the obligations of the licensing agreements parties.

**Key words: technology, license, contract, commitments, Alienation**